

نوستان

فروردین ۱۳۹۶

ویژه نامه

تحول و توسعه راه نو نسل نو







کاشیکاری معرق، مسجد جامع اصفهان (ایوان جنوبی)، عکس مهدی تمیزی.

نخبة کشی اقتصادی



صفحه ۱۰

نوگرایی در مدیریت شهر / ۲۷
سیگنال پوست اندازی نسلی / ۲۸

دایره محدود ساختارها / ۲۹
احزاب درجا می زنند / ۳۰

شورای پاسخگو / ۳۱
بازخوانی یک خاطره / ۳۱

- واحد طراحی: گام اول
- طرح جلد: وحید شریفی
- عکس: محمد شریف
- با سپاس و قدردانی از:

سعید صفوی، حسین یزدی، مائده ایزدی، آرزو فاطمی، احمد صرامی، بهروز نیکبخت، محمد غزنوی، بهنام میراحمدی، حسین شریف زاده، عارف مقدس

■ نشانی:
اصفهان، خیابان دانشگاه، کوچه کلینیک
صدر، مرکز آموزش بازرگانی، واحد ۲۰۶
■ شماره تماس: ۰۳۱-۳۲۶۱۷۸۵۹

دیده بان مطالبه گر



صفحه ۶

زیست شهر: سلامت شهر / ۱۴
مدیران دوگانه سوز / ۲۲

پوست اندازی در مدیریت / ۲۳
نسل اول باید پاسخگو باشد / ۲۴

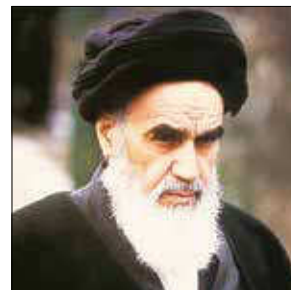
کارآمدترین به جای سیاسی ترین / ۲۵
برنامه ریزی یکپارچه شهری / ۲۶

ویژه نامه تحول
و توسعه اصفهان



■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
مجید محقیان
■ شورای سیاستگذاری ویژه نامه تحول و توسعه:
بهرام کردان، مهرداد بال افکن، وحید صلواتی

■ همکاران این شماره: ریحانه سجادی،
فرزانه احمدی، فرزانه افسرطاها، مهدی
تدین، مسعود سعیدی و آزاده تحویلین



امام خمینی:
سلیقه های مختلف باید باشد... اگر در یک
ملتی اختلاف سلیقه نباشد این ناقص است.



مقام معظم رهبری:
مردم همه شرکت کنند در انتخابات، حتی
آن کسانی که نظام را قبول ندارند برای حفظ
کشور، برای اعتبار کشور بیایند در انتخابات
شرکت کنند.



رئیس جمهور:
ملت در نیمه راه نمی ماند و راه را ادامه می
دهد. ما از نیمه راه باز نمی گردیم.

تغییرات نسلی و چالش‌های پیش رو

نسل اول باشد. این نوع نیاز بین نسلی نشان دهنده شکل گیری یک نوع رابطه خاص است که بیشتر از طرف نسل اول نسبت به نسل دوم و سوم سوگیری می شود.

ضرورت تغییر نسلی را می توان در سخنان برخی از بزرگان اصلاحات نیز مشاهده نمود؛ اخیراً آقای تاجزاده به صراحت اعلام نمودند که "اصلاح طلبانی که سن آن ها به ۶۰ سالگی رسیده است نه پست اجرایی بگیرند و نه نامزد بشوند و همچون مشاورى امین به انتقال تجربیات به نسل بعد بپردازند."

عباس عبدی نیز در مقاله ای چنین نظر داده است: "دست‌اندرکاران به عنوان یک راه‌حل، باز کردن راه برای حضور جوانان را توصیه می‌کنند، در حالی که به نظر بنده مشکل اساسی همین باز کردن راه برای جوانان است. یعنی تا هنگامی که اختیار باز و بسته کردن راه برای حضور مردم از جمله جوانان، در عرصه سیاست به دست یک عده افراد معدود باشد، مشکل کشور حل نخواهد شد." با این سخنان تئورسین های اصلاحات، نسل های دوم و سوم راهی جز گفتگو با نسل اول ندارند و باید با گفتگو این پروسه را به سرانجام برسانند. نسل اول که با انقلاب به مدیریت وارد گردیده است، قاعدتاً به راحتی این صحنه را ترک نخواهد کرد و در صدد عقب انداختن پروسه تغییر نسلی است. نسل دوم و سوم نیز اعتقادی به حرکت های انقلابی در این گونه موارد ندارد و تلاش می کند با گفتگو به نسل اول بقبولاند که راهی جز انتقال تجربیات خود به نسل های دیگر و نشستن در اتاق های فکر وجود ندارد.

گفتگو باید راهبرد اصلی تغییر نسلی باشد و چنانچه نسل اول از گفتگو کردن در این خصوص فرار کند، قاعدتاً مشروعیت و مقبولیت خویش را در بین نسل های بعد از دست خواهد داد و می شود همان مثل معروف که "حرمت امام زاده را باید متولی آن نگه دارد".

نسل دوم و سوم همچنان اعتقاد دارد که احترام به بزرگان پایه اساسی حرکت های اجتماعی و سیاسی است و اخلاق حکم می کند در این گونه موارد احترام بزرگان حفظ گردد و نباید گذاشت گسست نسلی در سیاست اتفاق بیفتد. انتخابات شورا محک مناسبی است برای همه ما که با انجام گفتگو این پروسه تغییر نسلی را به سرانجام برسانیم.

چندماهی است در عرصه کلامی از تغییرات نسلی در مدیریت کهنسال کشور چه در عرصه اجرایی و سیاسی سخنانی شنیده می شود. باتوجه به انتخابات شوراها و ضرورت اجرای عملی تغییر نسلی و حضور حداکثری نسل های دوم و سوم در لیست های انتخاباتی و تغییر شکلی مدیریت کهنسال در کشور، نیاز به گفت گوی بین نسلی و پذیرش فعالانه نسل اول در کاهشی شکاف بین نسلی مؤثر است.



مهرردادبال افکن

اگر این اتفاق در انتخابات شوراها نیفتد بحران بین نسلی پیش خواهد آمد. با پذیرش تفاوت های نسلی که امری طبیعی است. تفاوت باورها و ارزش ها و هنجارهای میان نسل ها قابل پذیرش است و باید با حفظ احترام به این تفاوت ها بتوانیم تغییرات نسلی را مدیریت نماییم.

شکاف نسلی اختلاف در نگرش یا رفتار جوانان با افراد سالخورده تر که موجب عدم فهم متقابل از یکدیگر می گردد، همه باید تلاشی در این مسیر باشد که از شکاف نسلی جلوگیری نمائیم تا به گسست نسلی نرسیم. گسست نسلی باعث دور شدن تدریجی دو یا سه نسل پیاپی از یکدیگر از حیث عاطفی، فکری و ارزشی می شود که هیچوقت مورد نظر نسل اول نمی باشد.

فرض اصلی در گسست نسلی ، بی نیازی نسل ها نسبت به یکدیگر و استقلال کامل از همدیگر است. احساس بی نیازی و استقلال کامل منجر به فاصله گرفتن از یکدیگر می شود و به مرزبندی و جدایی کامل از هم می انجامد.

شاخص های گسست نسلی را در عدم تمایل به ارتباط کلامی و سرانجام به قطع گفتگو می توان مشاهده نمود و از این طریق قاعدتاً ارتباط عاطفی و ایجاد فصول مشترک هم کاهش می یابد و به ناپردباری و پرخاشگری می انجامد و در عرصه حضور مشارکت های اجتماعی و سیاسی به نسل های پائین تر می رسد.

نسل اول به لحاظ داشتن تجربه کافی از زندگی و سیاست نسبت به نسل دوم وسوم از نظر سنی کم کارتر می شود و نسل دوم و سوم با توانایی هایی که دارد می تواند حامی

شهر خلاق؛ شهر اخلاق



صفحه ۱۸

تفکر سیستماتیک / ۳۲
انتخاب نخبگان / ۳۳

اصفهان؛ شهر کیفیت ها / ۳۴
نقد منصفانه / ۳۶

بدون آیت الله



صفحه ۴

به طور مقطعی یادمان می افتد هوا آلوده است و اقدامی می کنیم و تا آلودگی ناگهانی بعدی فضا به یادمان می رود

فرزانه احمدی / روزنامه نگار

بدون آیت الله

■ هر جا متحد بودیم پیروز شدیم

دختر آیت الله است و اعتماد به نفسش در کلام این موضوع را بیشتر نشان می دهد. فائزه هاشمی صریح گو است و پروا از کسی ندارد. اوضاع کشور را با زبانی قاطع به چالش می کشد و از ضعف های مدیریتی حاکم بسیار سخن می گوید. دختر کوچک هاشمی رفسنجانی، مرد تأثیرگذار انقلاب، یک روز بعد از برگزاری کنگره حزب کارگزاران که به عنوان عضو شورای مرکزی آن انتخاب شد، در نشستی صمیمانه، برآیمان از نخستین انتخابات بدون آیت الله گفت و حضور اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری و البته شوراها.

هنوز نمی دانیم چه کسانی تأیید یا رد صلاحیت می شوند، اما تا الان به نظر می رسد انتخابات سه قطبی شود، البته دو قطب آن در اصولگرایان و یک قطب آن در اصلاح طلب ها خواهد بود. ما با اصلاح طلب ها قرار گذاشته ایم که در چارچوب یک تصمیم گیری متحد بودیم پیروز شدیم. اگر به همین منوال پیش برود و اصولگرایان نتوانند روی کاندیدای واحد متفق شوند، این به نفع کاندیدای اصلاح طلبان یعنی آقای روحانی است چرا که هر آری اصولگرایان شکسته می شود. امارای آقای روحانی تجمیع و یکدست باقی می ماند. البته کاندیدای پوششی به هر حال یک استراتژی است و برای بودن در کنار آقای روحانی تا یکی دو روز قبل از انتخابات لازم است، چون اگر ایشان تنها بماند چند به یک می شود، در حالیکه صداهای متفاوت زمان بیشتری دارند و حرف های بیشتری می توانند بزنند و تأثیر بیشتری بر افکار عمومی دارند.

نوسان: خانم هاشمی! خبری در روزهای گذشته شنیده ایم که واکنش شما با رسیدن خبر ثبت نام آقای احمدی نژاد برای انتخابات ریاست جمهوری، خنده بوده است؛ چرا خنده؟

خنده من به ثبت نام آقای احمدی نژاد نبود بلکه از این بابت بود که جریانی که دیگران را بی بصیرت می دانستند، در این موضوع به نحوی گیر افتادند که نه راه پس دارند و نه راه پیش. خنده من از آن بابت بود که چگونه بعضی می توانند شرايطی را برای خودشان و گروه و مملکتشان و منافع ملی به وجود بیاورند که همه را در آسیب و ضرر قرار دهند.

نوسان: از نظر شما آیا ایشان تأیید صلاحیت می شود؟

جریان اصولگرا امروز در جایی گیر کرده اند که اگر ایشان را تأیید صلاحیت کنند یک جریان است و اگر نکنند، جریان دیگری است. منطقاً نباید تأیید صلاحیت شوند چرا که اگر بخواهند خطاهای قانونی و جاهایی که ایشان از قانون تجاوز کرده و خطاهای غیرقانونی یعنی آنجا که با تصمیم گیری های غلط به منافع ملی ضربه زده است را در بیاورند، دلیلی برای تأیید صلاحیت وجود ندارد و اگر تأیید شود خیانت به منافع ملی و مردم است. جناح اصولگرا راه دشواری در پیش دارد و به نظر می رسد تصمیم گیری در این باره سخت است.

نوسان: فضای انتخابات را چگونه پیش بینی می کنید؟



موضوعی که در برنامه اصلاح طلبان مطرح است حدود ۳۰ درصد خانم ها و ۲۰ درصد جوانان در لیست قرار می گیرند که قدم خوبی است

پانوش

تغییر مدیریت
شهر داری تهران

به جز حادثه
پلاسکو، به طور
کلی وضعیت
شهر تهران
وضعیت خوبی
نیست و مسائل
عمومی تهران
مانند ترافیک،
آلودگی هوا،
ساخت و

سازها و ... را
که می بینیم،
اینها تصادفی
اتفاق نیفتاده
است. ضابطه
ای که بتواند از
این مشکلات
جلوگیری کند

حداقل به صورت
دائمی و جدی
وجود ندارد.

به طور مقطعی
یادمان می افتد
هوا آلوده است
و اقدامی می
کنیم و تا آلودگی
ناگهانی بعدی
قضیه از یادمان

می رود. مدیریت
تهران مدیریت
مناسبی نیست،
درباره وضعیت
شهر داری ها
و اینکه در

کارهایی که
انجام می شود
سلامتی وجود
دارد یا ندارد؛
اینها مواردی
است که به نظرم

هر کسی در
تهران زندگی
می کند می تواند
خیلی راحت
آن را لمس کند.
حتماً نیاز به
تغییر مدیریت
شهر داری تهران
وجود دارد.



وضعیت شهر داری ها و اینکه در کارهایی که انجام می شود سلامتی وجود دارد یا ندارد؛ اینها مواردی است که به نظر من هر کسی در تهران زندگی می کند می تواند خیلی راحت آن را لمس کند. حتماً نیاز به تغییر مدیریت شهر داری تهران وجود دارد.

موضوع املاک نجومی که اجازه طرح آن داده نشد و یا موضوع استخدام مداحان، کارهای غیر تخصصی و نتیجه سوء مدیریت است. ظرفیت ها و پتانسیل های شهر تهران نابود شده است و تبعیضی که ایجاد شده حق مردم را پایمال کرده است. از سوی دیگر باید گفت که تهران همیشه بر تمام شهرهای کشور الگویی شود و بر آنها اثر می گذارد.

نوسان: درباره حضور کم رنگ زنان در شوراهای شهر و شهر داری ها چه نظری دارید؟
برای تغییر این رویکرد چه باید کرد؟

بحث حضور زنان دو بخش را شامل می شود. یک بخش مربوط به تلاشی است که خود زن ها باید بکنند تا بتوانند خود را در عرصه های مختلف وارد کنند. آقای هاشمی همیشه به زنان توصیه می کرد که تحصیل و مطالعه کنید چرا که علم پایه هر چیزی است. در دانشگاه ها حضور زنان از ۵۰ درصد فراتر رفته به طوری که آقایان به فکر افتاده اند که چه کنند که خانم ها تا این اندازه به دانشگاه نروند و مردها بروند. در حالی که باید رقابت برابر وجود داشته باشد. در همه زمینه ها می بینیم که زنان برای تقویت دانش و توانمندی خود تلاش می کنند. بخش دوم موضوع حضور زنان به سیاست های کلان حکومت بر می گردد. سؤال می شود که چرا خود خانم ها به هم جنسانشان رأی نمی دهند. این دلیل دارد و آن هم سیاست های کلان مردسالاری است که در جامعه ما وجود دارد.

شما در رسانه ها می بینید که وزیر و رئیس جمهور و سفیر و مدیر و شورای نگهبان و تشخیص مصلحت و ... همه مرد هستند. جامعه و زنان ما هر چه رسانه ها را مرور می کنند می بینند مردها فعالیت دارند. این ذهنیت به وجود می آید که فقط آقایان می توانند چنین سمت هایی داشته باشند. تبلیغات و اطلاع رسانی تأثیر زیادی دارد. باید از انتصابات شروع کنیم. به کارگیری زنان در دولت آقای روحانی با اینکه اوایل خیلی جالب نبود اما در یکی دو سال آخر حرکت های بیشتری را می بینیم. این انتصابات حکومتی باید زیاد شود. راه دیگر این است که در انتخابات سهمیه برای زنان در نظر بگیریم. برای مثال سال گذشته احزاب اصلاح طلب در انتخابات مجلس برای زنان سهمیه ۳۰ درصدی در نظر گرفتند و ۸ خانم در لیست قرار گرفتند و همه آنها رأی آوردند. در انتخابات شورای مرکزی حزب کارگزاران هم که به تازگی برگزار شد از بین ۳۰ نفر ۸ نفر خانم انتخاب شدند. باید با این سهمیه ها امکانات موجود افزایش پیدا کند تا به برابری برسد. خانم ها هم باید در ایام سهمیه بندی توانمندی خود را نشان بدهند تا این موضوع نهادینه شود.

نوسان: درباره حضور نسل دوم و سوم در انتخابات چه نظری دارید و بر خورد نسل اول باید با آنها چگونه باشد؟

موضوعی که در برنامه اصلاح طلبان مطرح است حدود ۳۰ درصد خانم ها و ۲۰ درصد جوانان در لیست قرار می گیرند که قدم خوبی است. نمی توانیم انتظار داشته باشیم همه جوان باشند، به هر حال تجربه، سابقه، علم و تخصص هم معیارهای لازم برای مدیریت شهری است. سهمیه ای که گذاشته شده به نظرم فرصت خوبی برای حضور جوان هاست تا آنها هم خود را ثابت کنند و این روند ادامه پیدا کند. قرار گرفتن جوانان و افراد با سابقه در کنار هم انتقال تجربه را ممکن می کند و کار مشترک می تواند روندی برای تربیت مدیران باشد. متأسفانه اتفاق بدی که طی سال ها در کشور ما افتاده این است که نگاه به مدیران بیشتر امنیتی است تا مدیریتی و تقسیم بندی خودی و غیر خودی وجود دارد. این موضوعات باید در روند اصلاحاتی که در مسیر آن حرکت می کنیم در نظر گرفته شود. اگر این نگاه برداشته شود و به تخصص و توانایی و سابقه کار افراد توجه شود، جهش خوبی می توانیم داشته باشیم.

در مجموع باید صبر کنیم تا اطلاعات بیشتری بیاید و شرایط کمی بارزتر و مشخص تر شود تا بتوان تحلیل کرد.

نوسان: تأثیر نبود پدرتان در این انتخابات چه خواهد بود؟ با توجه به اینکه این اولین انتخابات پس از انقلاب است که آیت الله هاشمی رفسنجانی هنگام برگزاری آن در قید حیات نیستند.

ایشان سنگ توازن و پایه و ستون عقلانیت بود و در مسائل کلان و سیاسی و سایر حوزه ها تأثیر می گذاشت.

طبیعتاً نبود ایشان می تواند در دو بخش تأثیر داشته باشد. یک، در میان اصلاح طلبان که ایشان سیاست ها و توصیه های مهمی به آنها داشتند و آنها هم ایشان را پدر معنوی خود می دانستند. البته پدر در کنار آقای خاتمی و حسن آقا در سطح کلان اصلاح طلبی قرار داشتند. به نظر می رسد در میان این گروه پیام آقای هاشمی شنیده شده است و حداقل تا الان خوب پیش رفته ایم. تأثیر دوم در طرف مقابل است؛ ایشان مانع بزرگی بودند که به دلیل وجودشان آنجا چیزهایی را رعایت می کردند و بعضی تصمیم ها را نمی گرفتند. اما الان خیلی مطمئن نیستم که همان روند ادامه پیدا کند.

نوسان: و اما در مورد انتخابات شورای شهر، با توجه به وقوع حوادثی مانند پلاسکو، آیا می توانیم امیدوار باشیم مردم به کاندیداهای متخصص رأی بدهند. برادر شما هم که در مسائل مدیریت شهری سوابقی دارند کاندید شده اند. آیا افرادی مثل آقای محسن هاشمی می توانند رأی بیاورند؟

به جز حادثه پلاسکو، به طور کلی وضعیت شهر تهران وضعیت خوبی نیست و مسائل عمومی تهران مانند ترافیک، آلودگی هوا، ساخت و سازها و ... را که می بینیم، اینها تصادفی اتفاق نیفتاده است. ضابطه ای که بتواند از این مشکلات جلوگیری کند حداقل به صورت دائمی و جدی وجود ندارد. به طور مقطعی یادمان می افتد هوا آلوده است و اقدامی می کنیم و تا آلودگی ناگهانی بعدی قضیه از یادمان می رود. مدیریت تهران مدیریت مناسبی نیست، درباره



فضل‌اله
صلواتی:
هنرمندی که
علت ورود خود
را دریافت بسته
حمایتی برای
هنرمندان و هم
صنفی‌های خود
اعلام می‌کند،
از اصل وظیفه
خود که منافع
همه مردم شهر
است، غافل
مانده است

دیده بان مطالبه گر

■ احزاب از همه چیز غفلت کرده اند

احزاب سیاسی به عنوان بازیگران اصلی عرصه قدرت، یکی از مهمترین شاخصه های توسعه سیاسی به شمار می روند. وجود احزاب برای تحقق توسعه ی سیاسی تا حدی مهم و ضروری می باشد که بیشتر نظریه پردازان توسعه سیاسی به این مسئله اذعان داشته اند. اما کارکرد این احزاب در ساختار ولایه مدیریت شهری چیست؟ آیا احزابی که در مدت زمانی مانده به هر انتخابات دور هم جمع می شوند و بدون اطلاع از بسیاری از مطالبات شهری، نسخه های انتخاباتی و شعاری تجویز می کند و از سویی دیگر تنها کارکرد خود را بستن لیست های انتخاباتی و سهمیه خواهی از منافع قدرت می دانند در حوزه های شهری موثر خواهند بود؟ براستی چرا احزاب و شوراهای هماهنگی طی دوره های چهارساله، نماینده خود را دیده بانی و رصد نمی کنند و از وی بابت اعتماد و نمایندگی شان مطالبه گری نمی کنند؟ آیا این انتظار که رسانه های مستقل و نهادهای مردمی باید پیگیر مطالبات شهری باشند و احزاب صرفاً به بهره برداری های خود از منافع انتخابات بپردازند، توقع درست و بجایی است؟ فضل‌اله صلواتی، فرماندار اسبق و فعال برجسته سیاسی، فتح‌اله معین، استاندار پیشین خوزستان و هرمزگان و رئیس کمیسیون اقتصادی، حقوقی و گردشگری شورای شهر اصفهان و محمد علی مهدی پور، فعال سیاسی و مدیرعامل اسبق مترو اصفهان مهمان میزگرد دیده بانی نوسان برای پاسخ گویی به این سوالات بودند.

به سمت تشکل های مدنی و احزاب حرکت کند تا آنها براساس مانیفست یا سیاست های تعیین شده خود، بتوانند امکان انتخاب آگاهانه مردم را فراهم کنند. در این میان اگر ائتلافی تشکیل می شود، برای تشریک مساعی بیشتر است. باید اذعان داشت که جامعه ما تا رسیدن به شرایط مطلوب دموکراسی، فاصله بسیاری دارد. از طرف دیگر، با توجه به عمر کوتاه هجده ساله شورا، این نهاد برای رسیدن به پختگی کامل، راه بسیاری دارد که امیدواریم این تمرینی برای حضور و دخالت مردم در امور شهر خود باشد.

■ **محمد علی مهدی پور:** نه بعنوان یک فرد سیاسی، بلکه بعنوان یک شهروند، نگران وضعیت کلی کشور خود هستم. زیرا آثار و تبعات امور جاری مملکت باعث نوعی بی تفاوتی در جامعه شده و نگرانی من از دلسرد شدن مردم از نحوه اجرای اصلاحات است. از طرفی تنها راه حل جامعه برای تغییر وضع موجود، حضور مردم در انتخابات است. حضور در شورای شهر مستلزم انتخابات است و عده ای تلاش می کنند تا این حضور حداکثری را به حداقل برسانند. بنابراین حضور مردم امری اجتناب ناپذیر است و با همین روند می توان کشور را به نقطه مطلوب رساند. در مورد کارآمدی، شوراها، شاید زمان خوبی را از دست داده اند ولی شاهد کارهای مثبتی هم بوده ایم. هر چند آن کارآمدی مورد انتظار را مشاهده نکرده ایم. نحوه ورود به انتخابات و کاندیدا شدن اعضا و عدم توفیق افراد مناسب، و کناره گیری و یا کنار گذاردن برخی دیگر، جای تامل دارد. این نکته مطرح است که ما چه مقدماتی را برای حضور افراد در شورا فراهم کرده ایم. زمان کوتاه چهارساله، به سرعت می گذرد و تا زمانی که این افراد نسبت به مسائل شهری، اطلاعاتی پیدا کنند، این زمان طی شده است. در مجموع می توان گفت که شوراها تاحدودی موفق هستند ولی اشکالاتی نیز به آنها وارد است.

■ **نوسان:** برخی معتقدند که دلیل راه یافتن هنرمندان، ورزشکاران و ... به شورا، ناشی از کم کاری عده ای از نخبگان و احزاب است، اگر این نقد را بپذیریم، آیا این امر ناشی از مطالبات جدید جامعه از احزاب نیست؟ مطالباتی که گاهی در غالب تشکیل دو قطبی های جدید در جامعه بروز و ظهور می یابند؟

■ **فضل اله صلواتی:** ما باید بدانیم که برای چه کاری می خواهیم شورا تشکیل بدهیم. به عبارتی، هدف ما چیست؟ اگر شورا برای بخش صنعت است، استفاده از روحانیون اشتباه است؛ همچنانکه یا برای مسائل حوزه علمیه، استفاده از صنعتگران، کار مناسبی نیست. لذا باید برای هر کاری، افراد متخصص آن حوزه را انتخاب نمود. هنرمندی که علت ورود خود به شورا را دریافت بسته حمایتی برای هنرمندان و هم صنفی های خود اعلام می کند، از اصل وظیفه خود که کل شهر و منافع همه مردم شهر است، غافل مانده و این امر خود نوعی باج دهی به گروه های خاص است. زیرا این فرد، افکار و اندیشه های دیگری غیر از اداره شهر و مردم شهر دارد و از مطالبات شهری بی اطلاعی است. همچنین، برای مجلس باید افرادی بعنوان رجل سیاسی با سابقه فعالیت های اجرایی و سیاسی وارد این عرصه شوند. برای حل مشکلات جوانان و بانوان یا گروه های مختلف جامعه، باید تفکرات آنان مطرح و افراد با تخصص و تجربه کافی وارد عمل شوند و صرفا سخنگوی عده ای خاص نباشند. چون، هدف، کاهش هزینه ها و بهبود شرایط زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم و آبادانی شهر است.

■ **فتح اله معین:** در جامعه مشکلات زیادی از جمله، بیکاری، توسعه نیافتگی، مشکلات اقتصادی، اشتغال و مشکلات تحصیلی وجود دارد که تاثیر گذاری آنها مستقیما مربوط به شورا نیست. عده ای از صاحبان صنایع در ارتباط با مشکلات خود با امور مالیاتی به ما مراجعه می کنند و بر این باورند که شورا می تواند راهگشای مشکلات آنها باشد. نکته دیگر، جمعیت اصلی و بومی و جمعیت مهاجر شهرهای بزرگ است. با توجه به رشد ۱۳/۴ درصد جمعیت شهری، بسیاری از مناطق حاشیه ای، نقش تعیین کننده ای پیدا کرده اند. از آنجایی که گفته می شود شهر مجموعه واحدی است، باید حقوق تمام گروهها را مطرح کرد. بنظر من، هجده سال فعالیت شورا، برای تمرین دموکراسی و نحوه انتخاب، زمان قابل توجهی است. هر کس وابسته به هر صنف و گروهی می تواند داوطلب ورود به شورا بشود. ولی فردی که از صنفی خاص با تفکر صنفی خود و بی اطلاع از قوانین حاکم بر اداره شهر وارد شورا می شود، این شیوه تفکر و بی اطلاعی تا آخر دوره ادامه می یابد. لذا افراد باید از دانش و اطلاعات مدیریت شهری برخوردار باشند تا کارآمدی حاصل شود. آنچه امروز در اصفهان شاهدیم، این است که به سرعت تبدیل به شهری مثل تهران می شود و این پیامد خوبی برای ما ندارد.

■ **محمد علی مهدی پور:** شاید دلیل استقبال از شورا این باشد که عده ای، آن را یک محل قدرت و لابی برای حل مشکلات صنفی و گروهی می دانند و سعی می کنند تا شورا را از مقصد اصلی خود دور کنند. اما باید ببینیم که خود شورا چه اقدامی انجام داده تا ثابت کند که وظیفه شورا، فعالیت جناحی نیست. اگر مردم از وظایف اعضای شورا مطلع باشند، اداره شهر را به هر کسی نمی سپارند. از اصل ۱۰۰ تا ۱۰۶ قانون اساسی مربوط به شأنیت شوراها است و شورا از محدود مراجعی است که می تواند به مجلس، طرح بدهد. لذا با محدودیت هایی که برای افراد ذی صلاح

■ **نوسان:** در این میزگرد، موارد حوزه محیط زیست و میراث، مسائل اجتماعی، جذب سرمایه گذاری و مشکلات کار و تولید در اصفهان بعنوان اولویت های مورد بحث هستند، این سوال مطرح می شود که آیا در توزیع عملکرد شورا، دیده بانی درستی اتفاق افتاده است؟ و آیا شورا توانسته است اهداف خود را به درستی دنبال کند؟

■ **فضل اله صلواتی:** در پاسخ به این سوال به جایگاه و اساس دموکراسی در دنیا استناد می کنم که مبتنی بر شورایی بودن نهادها است. اگر شورا نباشد، حکومت های قدرت مدار و متمرکز تقویت می شوند. اعضای شوراها، باید در راستای منافع شهروندان و همفکر باشند و هر کس نظر اصلاحی خود را صرف نظر از جناح و خط و ربط سیاسی مطرح کند. اعضای شورا نباید هیچ حساسی روی خط و جناح سیاسی خود باز کنند و باید محور حرکت خود را توسعه شهر تعریف کنند. از نهاد مردمی شورا انتظار می رود که شهر را به جایگاه متعالی و ویژه خود برساند، تا شهر سالم، زیبا و موفق باشد و از نظر محیط زیست و ترافیک در وضعیت مطلوب قرار گیرد. لذا اگر مسائل سیاسی و جناحی به شورا راه یابند، موفقیت حاصل نمی شود. زیرا اعضای شورا به جای آنکه با همدیگر همکاری کنند، در مقابل همدیگر قرار خواهند گرفت، و نظرات شخصی و جناحی خود را اعمال می کنند. تفکر سیاسی، هر کدام از اعضای شورا، مانع از پیشبرد اهداف جناح دیگر و موفقیت مجموعه شورا خواهد بود.

■ **فتح اله معین:** چون شورا نهادی در دسترس است و تصمیم گیری آنها با سرعت بیشتری برای مردم و سرنوشت جامعه تاثیر گذار است، بنظر می رسد تاثیر بیشتری بر حاکمیت دارند. اهمیت نقش شوراها را می توان به تاکید امام راحل، در اوایل انقلاب برای تشکیل شوراهای محلی مرتبط دانست. در بررسی جایگاه این نهاد، مطالب چندی باید مورد توجه قرار گیرد. نکته اول اینکه، متأسفانه در کشور ما تشکیل حزب، آنگونه که در یک جامعه دموکراتیک وجود دارد، بطور جدی مطرح نشده است. چون احزاب، علاقه بیشتری به جذب مخاطب دارند و تلاش می کنند تا بر نمایندگان خود در مجامع مختلف، نظارت و اعمال نفوذ کنند و نوعی محدودیت برای کسانی ایجاد می کند که می خواهند قوانین و حقوق عامه را رعایت کنند تا بتوانند آراء خود را حفظ کنند. در قوانین ما این مساله لحاظ نشده است. لذا این نهادها دچار مشکلاتی می شوند که ما امروز شاهد آن هستیم. در سال های قبل، به دلیل تعداد کم نمایندگان در شورا که معمولا شش نفر بودند، به سرعت مجموعه ای تشکیل و تصمیم گیری انجام می شد. هر چند قانون، محدودیت هایی را تعیین نموده ولی چون شهردار بعنوان تنها نماینده اکثریت حاضر در شورا است، دخالت اعضای شورا در امور شهرداری گسترده تر می شود و مسائلی را برای مردم شهر ایجاد می کند. در مقطعی، تعداد اعضا زیاده تر شدند، البته چندان چاره ساز نبود؛ ولی آسیب کمتری داشت. بنظر می رسد که جامعه باید

فتح اله معین: به عنوان یک عضو شورا، تاکنون با اینجانب گفتگویی از سوی تشکل ها و گروه هایی مثل طرفداران محیط زیست صورت نگرفته و رسانه ها نیز ما را به مصاحبه ای دعوت نکرده اند؛ تا موضوعی را پاسخگو باشیم



■ **فضل اله صلواتی:** وقتی حزب و تشکیلی به مجلس راه یافت باید جلساتی برای اطلاع رسانی به مردم برگزار کنند. در خصوص فعالیت حزبی می توان گفت که حزب و تشکل به معنای حضور و اعلام گزارش نماینده است. حزب باید جلسات حزبی برگزار نماید. در مورد انتخابات هم، اکنون استقبال نامزدها زیاد بوده است ولی استقبال مردم هنوز جای تامل دارد. باید در رسانه ملی، اجتماعات و نماز جمعه و هر جایی که مردم بیشتر حضور دارند، وظایف شورا را تشریح کنیم تا سطح آگاهی مردم بالا رود. بعنوان مثال بدانند که بودجه شهرداری گاهی از بودجه استان بالاتر است با این حجم پول، چه کارهایی می توان انجام داد. آیا رئیس شورا در مورد چگونگی صرف هزینه های مختلف تحقیق می کند. لذا تخلفاتی که در گذشته در شهر اتفاق افتاد باید مردم را هوشیارتر کند. ما هنوز در شوراها در گام های اول هستیم و احزاب باید مردم و گروه های خاکستری را به صحنه بکشانند و به آنها بفهمانند که رای دادن به شوراها به نفع آنهاست.

◀ **نوسان:** چقدر ضرورت دارد که روند این دیده بانی را شورا برای مردم تسهیل کند؟
■ **محمدعلی مهدی پور:** در پاسخ به این سوال می خواهم این نقد را به آقای معین بعنوان یک عضو فراکسیون وارد کنم که اگر تشکل ها و مطبوعات به سراغ شما نیامدند، چرا شما از اعضای فراکسیون در جهت آشنایی با مسائل شهری دعوت نکردید؟ اینجانب در زمان مسئولیت خود، بخاطر حفظ منافع مردم، راه حل مشکلات مترو را به شهردار وقت گفتم. عبور مترو از چهارباغ نیز باعث میلیاردها تومان هزینه، به مردم و شهرداری شد و در نهایت به دلیل نوعی لجبازی مدیریتی، خسارت زیادی به دنبال داشت. اما آیا شورا یا فراکسیون در کارنامه خود این را دارند که بگویند ما شما را دعوت به مناظره کردیم.

■ **فضل اله صلواتی:** البته ما جلسات دیگری علاوه بر جلسات شورا داریم که از شورای شهر دعوت کرده ایم. لذا من هم این سخن را تایید می کنم که باید خودشان بستر را فراهم می کردند که نتیجه آن مطلع شدن مردم از اقدامات شورا و اعتماد مردم برای رأی مجدد به این نماینده می باشد.

■ **فتح اله معین:** بحث من، شخصی نیست، بلکه مردم باید بتوانند اعضای شورا را به چالش بکشند. جامعه باید مطالبه گر باشد. ضمن آنکه بحث دیده بانی، فردی نیست بلکه یک مطالبه گری جمعی است. انتظار ما بیشتر از نهادهایی است که مستقیماً درگیر مسائل شهری هستند. بنده به سراغ بسیاری از کسانی که در این راستا فعال بوده اند، رفته ام و از مشورت با آنها استفاده کرده ام و همینطور فراکسیون که من به آن وابسته هستم بی نیاز از مشورت نبوده است. حتی

ایجاد می کنیم، ناخودآگاه به ذهن هر کس می رسد که می تواند وارد شورا شود. چون روح قانون اساسی مبتنی بر وحدت ملی است، طایفه ای شدن ورود به شورا مغایر با قانون اساسی است. مشکلات شهر ناشی از همین تصمیم گیری نادرست است که باید ریشه یابی شود و به مردم، پاسخگو بود. یکی از مشکلات شهر اصفهان، پیگیری مساله خشکسالی است که به دلیل عدم مدیریت صحیح آب، اصفهان را در معرض نابودی قرار داده است و باید تک تک اعضای شورا، فعالیت خود را در این راستا بررسی و اعلام کنند.

◀ **نوسان:** اگر قائل به اصل دیده بانی مردم و جامعه نسبت به شوراها باشیم، تا کنون چه تلاشی از سوی شورا برای ارائه اطلاعات و نقد عملکرد خود صورت گرفته است؟

■ **فتح اله معین:** در جامعه ما هنوز نقد عملکرد، چندان جانیافته است. بر این اساس، بیشتر نقدها به سمت افراد پیش می رود و جریان تشکل ها و سازمان های مردم نهاد، غالباً ابتر باقی می ماند. به عنوان یک عضو شورا، تاکنون با اینجانب گفتگویی از سوی تشکل ها و گروه هایی مثل طرفداران محیط زیست صورت نگرفته و رسانه ها نیز ما را به مصاحبه ای در این باره دعوت نکرده اند؛ تا موضوعی را نقد کنیم و پاسخگو باشیم. فقط می توانم به یکی از مطبوعات اشاره کنم که سوالاتی راجع به مترو از من پرسیدند. جای پرسشگری در این عرصه خالی است.

◀ **نوسان:** آیا فکر نمی کنید این نقد به شورای هماهنگی وارد است؟

به اصلاح طلبان نداد. ولی با اینکه این کار انجام نشد، ما می دانیم که چه اقدامات بزرگی انجام گردیده و نسبت به ایشان، توافق داریم.

■ **فتح اله معین:** آنچه در جامعه مطرح است، بحث عوام فریبی و فروپاشی اخلاقی است. همچنین در مورد آقای روحانی، باید عرض می کنم که ایشان در اوج حاکمیت عوام فریبی، مسئولیت را بدست گرفت و بسیار تلاش کرد تا شفاف باشد و از آن فاصله بگیرد که جای تقدیر دارد. ایشان به ایجاد زمینه های توسعه و رونق اقتصادی و تجاری کمک فراوانی کرد. الگوی صداقت روحانی، پایه ریزی صداقت و شفافیت در کشور بود و حتی در مجلس، ما شاهد نمود آن بودیم.

■ **محمدعلی مهدی پور:** ما تحزب و فعالیت حزبی نداریم و سیاسیون ما رسالت واقعی خود را در آگاه کردن مردم اعمال نمی کنند و این امر مغفول مانده است. ما باید بدانیم چه انتظاراتی از دولت، مجلس و شورا داریم. همینطور اعضای شورا باید بخشی از زمان خود را به آگاهی مردم اختصاص دهند تا مطالبه گری را تقویت کنند.

❖ **نوسان:** اگر بخواهیم اولویت های شورا را برای آینده برشماریم، چه نکاتی را ارجح می دانید؟

■ **فضل اله صلواتی:** اصل و هدف باید برای مردم مشخص شود. اساس کار ما، انجام کار برای مردم است. از طرفی ما طالب رای مردم هستیم. با مردم شورا داریم. می خواهیم مردم را به شورا بکشانیم. عده ای که مخالف شورا هستند، مشکلات بسیاری را برای شورا ایجاد کرده اند. مانع از حضور افراد لایق و کاردان شدند. مثلاً نماینده مجلسی که باید به دفاع از حقابه مردم و تقسیم عادلانه آب بپردازد که مایه حیات مردم است، به مسائل غیر ضروری می پردازد و لی در هنگام انتخابات با شعارهای تبلیغاتی، مثل پیگیری آب زاینده رود وارد می شود.

■ **محمدعلی مهدی پور:** برای یادآوری اولویت های شورا، هفته ای یکبار از اعضا بخواهیم تا منشور تدوین شده را بخوانند. ما نماینده مجلسی داریم که تا بحال، یکبار قانون اساسی را نخوانده است و عضو شورایی داریم که از وظایف شورا بی اطلاع است و مطالعه ای در این خصوص ندارد. ماهی یکبار به آنچه به مردم گفته اند یا وعده هایی که داده اند را، مرور کنند. درخواست اینجانب از آقای معین این است که با فراکسیون خود، هر دو ماه یکبار جلسه کاری داشته باشند.

■ **فتح اله معین:** منشور شورا برای اولین بار در شورای سوم تدوین شد. در ابتدای دوره قرار شد منشوری را تدوین کنیم که میثاقی بین ما و مردم باشد. همان منشور را با تغییراتی برای شورای چهارم ارائه کردیم که گام موثری بود. البته، بعضی از افراد حاضر در شورا شاید به مسائل شهری، اصلا ورود پیدا نمی کنند که احتمالا به دلیل همان مشغله صنفی است.

در شورای چهارم، ما به دنبال نوعی شفافیت هستیم که مردم را اقناع کند که بخشی از آن با پیگیری اعضا انجام شد. اولین اقدام، ایجاد شفافیت در تمام شئون و نحوه اداره شهر و شهرداری بود. مورد دوم این است که شهرداری از کارایی و چابکی، فاصله زیادی گرفته است. بعبارتی، شهرداری سازمان کارشناسی خوبی است ولی نه سازمانی که توانمندی تحرک داشته باشد. لذا برای چابکی و حرفه ای شدن این سازمان تلاش می کنیم. بحث سوم ما، علمی تر کردن نحوه اداره شهر است. اکنون، ۱۳ منطقه به ۱۵ منطقه افزایش یافته است. ۱۳ مهندس مشاور برای مطالعه طرح تفصیلی هر منطقه تعیین کرده ایم.

اولین موضوع مورد نظر ما، محیط زیست است که زیرمجموعه های متعددی مثل احیای زاینده رود، جلوگیری از تغییر محیط زیست، کنترل حمل نقل و توسعه فضای سبز را دربر می گیرد. اولویت دیگر، توسعه جدی گردشگری است که در شرایط فعلی، چون استقرار صنعت و کشاورزی به حد اشباع رسیده است، می توانیم مقصد بسیاری از گردشگران خارجی باشیم. این صنعت می تواند به رشد اقتصادی و توسعه و تقویت مشاغل گردشگری مثل صنایع دستی کمک کند.

❖ **نوسان:** بالاخره اولویت و محور توسعه اصفهان چیست؟ اصفهان شهری صنعتی است یا سنتی؟ اولویت در شهری با ویژگی های اصفهان، مدرن سازی است و یا نگاه سنتی حاکمیت دارد؟

■ **فتح اله معین:** این موضوع در همه جای دنیا وجود دارد. شهرهایی مثل پاریس و رم با ساختارهای تاریخی، مانع از توسعه بعنوان یک شهر مدرن نشده اند. باید عناصر توسعه شهری را بخوبی بشناسیم و جایگاه آن را تعریف کنیم.

❖ **نوسان:** اگر مبنای توسعه اصفهان را گردشگری بگذاریم، تکلیف ما در سایر محورها چه می شود؟

■ **محمد علی مهدی پور:** این را ناشی از نگاه پوپولیستی سیاست مداران و سیستم اجرایی کشور می دانم. امروز مدیران با نگاهی پوپولیستی، در جایی، اصفهان را شهری صنعتی می نامند، و در جایی دیگر، به تاریخی بودن شهر اصفهان اشاره می کند. باید بدانیم بر اساس کدام اولویت ها این تعاریف مطرح می شود.



سراغ سازمان های مردم نهاد و تشکل ها رفته ایم و اعلام آمادگی کرده ایم تا صحبت های لازم را داشته باشیم. نکته دیگر، مطالعه چندین نشریه و مراجعه شخصی خود برای درج مصاحبه و مطلب درباره موضوعات شهر بود که هیچکدام از نشریات، حاضر به چاپ مطالب اینجانب نشدند. مثلاً راجع به بحث مترو، قرار بود که خط دو مترو از شمال میدان امام عبور کند.

شهردار قبلی، تمام تدارکات را مهیا کرده بود. اما در سفر رئیس جمهور به اصفهان، به تبع درخواست سازمان های مردم نهاد و اعتراض به عبور مترو از میدان، بلافاصله ابلاغ شد که این کار انجام نشود و حتی تا از فاصله یک کیلومتری از میدان امام، پروژه متوقف شد.

❖ **نوسان:** اکنون نگرانی ما از این است که در این دوره با پدیده الهه راستگو در شورا مواجه شویم. برای مصونیت از این موضوع چه باید کرد تا درگیر آثار و تبعات آنچه که در تهران اتفاق افتاد، نشویم؟

■ **فضل اله صلواتی:** با توجه به مسائل خاص سیاسی و جناحی و افرادی که در جریان لابی های مختلف قرار می گیرند، باید دقت کنیم که از اصل هدف که کار برای مردم است، دور نشویم. از کسانی که موضع عوض می کنند و ثباتی ندارند، کسانی که افراد و گروه ها را نردبان خود قرار می دهند، اجتناب کنیم. مسائل زیادی وجود دارند ولی منظورمان باید، اصل هدف، یعنی کار برای مردم انجام بشود. همچنان که خود رئیس جمهور مورد حمایت اصلاح طلبان بود، ولی ایشان، چندان عنایتی به اصلاح طلبان نداشت و سهمیه



محمدعلی مهدی پور: می خواهم این نقد را به آقای معین بعنوان یک عضو فراکسیون وارد کنم که اگر تشکل ها و مطبوعات به سراغ شما نیامدند، چرا شما از اعضای فراکسیون برای آشنایی با مسائل شهری دعوت نکردید



جباری: به جای
نق زدن و با
دیدگاه منفی
حساب در آمد
دیگران را
کردن، باید به
دنبال تغییر در
جامعه باشیم تا
شهر در مسیر
توسعه قرار
گیرد

نخبه کشی اقتصادی

■ تمام عدم موفقیت ها به دلیل فرستادن سیگنال های ناامیدی است

اصفهان به عنوان یکی از کلانشهرهای مهم کشور پتانسل بسیاری برای سرمایه گذاری در بخش های مختلف دارد. پتانسیل هایی که اغلب در همان اندازه باقی مانده اند و لاقط در سال های اخیر بالفعل نگردیده اند. آیا اصفهان دچار "سندروم تفاخر" گردیده است؟ شهری که توهم اول بودن در بسیاری از حوزه های اقتصادی و صنعتی کشور را دارد، اما در بسیاری از شاخصه های اقتصادی از طرف سایر استان ها کنار گذاشته شده است. "سندرم غرور" یا خودشیفتگی که نتیجه آن در جازدن، بازماندن از توسعه یا ورود به دور باطل خروج منابع، کاهش قدرت رقابت پذیری و توسعه نیافتگی بوده است. سهم اصفهان از GDP کشور، ۱۲ سال است که حدود هفت درصد باقی مانده است. هر چند طی سه دهه گذشته سهم بسیار بزرگی از جذب سرمایه های بخش خصوصی و عمومی داشته، اما نرخ رشد اقتصادی اصفهان در ۱۳ سال گذشته در حد متوسط و بلکه پائین تر از سطح متوسط ملی بوده، که نتیجه خروج جمعیت کیفی و متخصص، تخریب منابع زیست محیطی. و تضعیف جدی نظام مدیریت در این استان است. اما نقش مدیریت شهری برای خروج از بن بست فعلی چیست؟ آیا فرش قرمز مدیریت شهری، هدایتگر خوب جذب سرمایه گذاران داخلی و خارجی، به اصفهان بوده است؟ و آیا اساسا بخش خصوصی از عملکرد شورا و شهرداری اصفهان رضایت دارند؟ مجموعه این موارد بهانه ای برای میزگرد سه نفره با حضور قاسمعلی جباری، رئیس کمیسیون حمایت از سرمایه گذاری اتاق اصفهان، مسعود جمالی از کارآفرینان برتر و شناخته شده و بهروز نیکبخت، دکترای مدیریت استراتژیک بود.

ما حاضر نیستند در اصفهان سرمایه گذاری کنند. بنابراین چطور می توان انتظار داشت که از خارج استان و یا کشور بخواهند در حوزه استان و شهر اصفهان سرمایه گذاری کنند. این در حالی است که از نظر تئوری و کاغذی بسترهای سرمایه گذاری در اصفهان فراهم است. اما این مشکل فرهنگی در شهر ما ایجاد شده است. ما در عمل نشان دادیم که اصفهان جایگاه مناسبی برای سرمایه گذاری نیست و با وجود فراهم بودن بسترهای فنی به دلیل مسائل نرم افزاری این شرایط مهیا نمی شود. مثلاً یک سری ادارات و کارمندانی وجود دارند که درگیر مسائل کار آفرینی و اکوسیستم اقتصادی اصفهان هستند. بر خوردهای این ادارات موجب شده اصفهان، شهری سرمایه گریز شود.

از سویی دیگر، من عامل "اصفهان سستیزی" را نیز برجسته می دانم. استان ما بیشترین پرداخت مالیات را به خزانه دارداماز نظر دریافتی به دلیل عنوان بر خوردار بودن کمترین بهره را از خزانه کشور دارد. همچنین در محیط آب و زاینده رود تمام کاسه کوزه ها سر اصفهانی ها شکسته می شود و این شهر به سبیلی برای نشانه گرفتن تبدیل شده است. وقتی که صنایع فولاد به اصفهان آمد، آن زمان نمایندگان حس می کردند طرحی را که مطابق آمایش سرزمین قرار بود در جنوب و حاشیه خلیج فارس باشد به این استان آورده اند، خدمتی به مردم این شهر کرده اند اما این صنعت با بار گذاری و از بین بردن منابع آب، آلودگی های بسیاری را به مردم تحمیل کرده است.

■ **نیکبخت:** معتقدم که ما کسری قانون نداریم؛ بلکه در نحوه اجرا، دچار کاستی هایی هستیم. باید دید مثلاً وقتی وارد دفتر جذب سرمایه گذاری شهرداری می شویم آیا پروتکلی برای برخورد با سرمایه گذاران وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت: خیر، متأسفانه هر کسی با دید و نگرش خاص و متفاوت با سرمایه گذاران برخورد می کند. این یک فاجعه است که ما قضاوت در مورد کارآفرینان و ایده پردازان را به کارمندان و کارشناسان دستگاه ها واگذار می کنیم. به اعتقاد بنده، کارمندان این دستگاه ها اگر ایده ای داشتند؛ در بخش های دولتی و شبه دولتی مشغول به کار نمی شدند. امروزه شهرداری ها به دلیل جایگاه و قدرت ساخت و ساز وارد بازی می شوند. اما در مقابل مجموعه سیتی سنتر به عنوان پروژه ای که کاملاً توسط بخش خصوصی در خارج از شهر پیاده شده، موفق هستند؛ پروژه ناموفق برج جهان نماد بهترین نقطه شهر اصفهان نمایانگر خوابیدن میلیاردها ثروت شهرداری است و کسی پاسخگوی این وضعیت نیست. متأسفانه دخالت بخش های مختلف شهرداری و ارگان های ذی ربط در اقتصاد شهری به عنوان رقیب، بسیار تأثیرگذار است. از سوی دیگر باید دید که آیا سرمایه گذارانی که برای توسعه شهر پیش قدم می شوند، می توانند به ادبیات مشترک و یا پروتکلی خاص سرمایه گذاری با شهرداری اصفهان دست یابند و در بازه زمانی مشخص، رابطه ای نظام مند ایجاد کنند.

■ **جباری:** مرکز سرمایه گذاری های خارجی وابسته به سازمان امور اقتصادی قوانین خوبی تنظیم کرده است. اما باید نقشه را در یک مکان اجرا کرد. متأسفانه ما قوانین و نقشه های خوبی داریم ولی مکانی برای اجرا نداریم. ما سال هاست که ارتباطات بین المللی و مهارت های ضعیفی داریم و چون دادوستد نمی کنیم، تنها برخی سرمایه گذاری ها بر مبنای دوستی ها و اعتمادات شخصی شکل می گیرد. در شرایط کنونی اگر ما از گریز سرمایه ها جلوگیری کنیم این خود نوعی سرمایه گذاری است. اما اینکه تحت شرایط خاص ما، دیگران سرمایه گذاری کنند، شاید بعید باشد.

■ **نوسان:** علاوه بر فقدان پروتکل های سرمایه گذاری و اجرای کامل و جامع قوانین، مشکل بزرگتر فقدان آمار و اطلاعات درست و صحیح از میزان ورود و خروج سرمایه از استان یک عامل تعیین کننده به شمار می رود. زمانی که این آمار در داخل کشور به درستی استخراج نمی شود؛ با باز خورد و واکنش خوبی نیز از سرمایه گذاران خارجی روبرو نمی شویم.

■ **جباری:** آمار و اطلاعات جهانی به دلیل عدم حضور ما در عرصه های بین المللی، معمولاً بدون حضور ما منتشر می شود. ممکن است آمارهای ارائه شده توسط آن ها، برای ما قابل قبول نباشند. بسیاری از گروه های سرمایه گذاری خارجی در بازدید از اصفهان اعلام می کنند که آنچه قبلاً در اندیشه و پندار آن ها بوده با شرایط مشاهده شده کنونی آن ها، متفاوت است. این عدم شناخت باعث اختلال در ارتباطات می شود. بهترین راهکار برای بهبود جایگاه واقعی ایران در آمارهای جهانی، رشد و توسعه ارتباطات ایران است تا ظرفیت ها بیشتر معرفی و پتانسیل ها شناخته شود. در غیر این صورت کسی در جایی که وضعیت اقتصادی خوبی ندارد و یا ریسک سرمایه گذاری در آن بالا و GDP آن پایین است، سرمایه گذاری نمی کند. بنابراین در رده بندی آمارهای جهانی اقتصاد، نیاز به رشد و ارتقا داریم تا شرایط بهتری از ایران در برابر جهان قرار گیرد. همچنین آمارهای ارائه شده ما باید مطابق با حقیقت و نوع ارائه آن باید همراه با جاذبه باشد. قوانین مانیا به پشتیبانی دارند و سرمایه گذاران برای اطمینان بیشتر، بیمه سرمایه خود را طلب می کنند. نبود این ها منجر به عدم جذب سرمایه گذاری شده است. رتبه نامناسب در رنکینگ جهانی باعث عدم توازن میان سخن و اقدام ما در این حوزه گردیده که سبب نوعی خود زنی می شود.

■ **جمالی:** سرمقاله چند روز قبل روزنامه دنیای اقتصادی تأکید کرده بود که طی چهار سال فعالیت

■ **نوسان:** به نظر می رسد که رشد کیفی اصفهان در سال های اخیر متوقف گردیده است. حتی گفته می شود که نظام مدیریتی اصفهان در دهه اخیر به جای آنکه این شهر را مدیریت کند، اصفهان را مصرف کننده کرده است. واژه هایی مانند زوال زیست محیطی، خروج نخبگان، سرمایه گریزی، سرخوردگی اجتماعی و توسعه نیافتگی، مدیریت شهری اصفهان را تهدید می کند. به نظر شما مدیریت شهری در رفع این مشکلات مثرم ثمر بوده است؟

■ **جباری:** ریشه سؤال شما این است که چرا اصفهان و ایران آن طور که انتظار می رود، نیست. از دیدگاه من این اتفاق ریشه تاریخی دارد. ما در طول تاریخ همواره به دنبال یک کپی برداری بوده ایم بنابراین موفقیت چندانی کسب نکردیم. مثلاً اگر به تاریخ نگاه کنیم که چرا عباس میرزا، امیرکبیر، مصدق و یا نخبگان ما ... موفق نشدند و یا خیل عظیمی که باید برای مردم مثرم ثمر باشند، کشور را ترک می کنند، دلایل آن را باید در ریشه های تاریخی جستجو کرد؛ همچنان که اگر ما پنجاه سال قبل نتوانستیم پیکان را منطقه ای و یا بین المللی کنیم باید دلایل آن را در تاریخ کنکاش کرد. مطلب دیگر نیز مربوط به آینده شهرمان است و اینکه چرا فکر می کنیم عقب افتاده ایم و باید جایگاه بالاتری داشته باشیم. به اعتقاد بنده اگر شایستگی لازم موجود بود، باید اکنون در آن جایگاه بالا قرار می گرفتیم. هر چند افرادی ظهور کردند که عاقلانه تر و سریع تر از مدیران شهری ما عمل کرده اند، اما به دلیل همان ویژگی های فرهنگی و تاریخی با کپی برداری نادرست از کار درست، عامل زمین زدن و از بین بردن آن ها نیز گردیده ایم. بی شک کپی نخبگانی مانند مسعود صرامی، ردی را از اصفهان درمان نمی کند. مدیریت شهری اصفهان باید فکری به حال ترفیع جایگاه فرهنگی و اجتماعی اصفهان داشته باشد تا نه تنها نخبگان خود را نگهداری کند، بلکه امکان ظهور و بروز ایده های جدید را در این شهر فراهم سازد. به جای نق زدن و با دیدگاه منفی حساب درآمد دیگران را کردن، باید به دنبال تغییر در جامعه باشیم تا شهر در مسیر توسعه قرار گیرد و بتواند سر نوشت جمعی را در گون سازد. اینکه تصور کنیم با آمدن چند نفر نخبه در شورای شهر مشکلات اصفهان حل می شود، تاریخ گواه بر این موضوع نیست. بنابراین باید شوراها از جامعه ای که اکثریت را دارد انتخاب شوند تا تضاد کمتری پدید بیاید و نخبه کشی کمتری در شهر اتفاق بیفتد.

■ **جمالی:** به اعتقاد من بزرگترین ایراد در سطح کشور و اصفهان، مشکلات فرهنگ اقتصادی است. به عنوان مثال اصفهان در صنعت پلاستیک زمانی بعد از تهران، در قطب دوم کشور قرار داشت. اما امروز از بیش از دو هزار واحد تولیدی صنعت پلاستیک در اصفهان، تنها حدود ۳۰۰ واحد فعالند؛ چرا که همه می خواستند قالب هایی را که تهران و یزد ساخته بودند، کپی برداری کنند و کسی در اصفهان به دنبال ایده های جدید نبود. اما در خصوص مشکل دیگر اصفهان در جذب سرمایه گذاران، باید قبول کرد که اصفهان شهری سرمایه گریز است و حتی همشهریان



جمالی: وقتی اصفهان شهری سرمایه گریز است و حتی همشهریان ما حاضر به سرمایه گذاری نیستند، چطور می توان انتظار داشت که از خارج استان و یا کشور سرمایه گذاری کنند



شاید انتظار ما کمتر از چیزی است که توقع آن را داشته ایم. بنابراین برای رسیدن به ایده آل ها، باید برنامه ریزی کنیم. در مورد سرمایه گذاری در ایران به طور کلی برخی موضوعات باید اصلاح شوند. همه معتقدند که پرداخت های مالیاتی عادلانه نیست و در این فضا شاهد فرار مالیاتی هستیم. اما اگر مالیات ها را مطابق استانداردهای جهانی پیش برده و ضرایب آن را کاهش دهیم، مالیات گریزی از بین می رود و مردم بیشتر تمایل به پرداخت آن می کنند و سرمایه گذاری رونق می یابد.

❖ **نوسان:** علاوه بر جذب سرمایه گذاری خارجی ما در اجرای پروژه های کلان شهری نیز چندان موفق نبوده ایم. اگر بپذیریم که ریشه عدم موفقیت پروژه هایی مانند برج جهان نما، میدان امام علی (ع)، بازار حکیم و یا شهر رؤیاها در ساخت و بوم فرهنگی و تاریخی مردم اصفهان است در مقابل با پروژه موفق سیتی سنتر و آکواریوم روبرو می شویم که بسیار بیشتر از حد انتظار رونق و شکوفایی داشتند. چرا یک جا این سرمایه گذاری ها موفق است و در جای دیگر به شکست می انجامد؟

❖ **جباری:** پاسخ این سؤال درون آن نهفته است. چرا که اقتصاد دولتی و نیمه دولتی نمی تواند موفق شود اما بخش خصوصی قادر است. بنابراین دولت باید تصدی گری خود را حذف کند. در شهرداری نیز شرایط همین گونه است. باید اقتصاد را به بخش خصوصی واگذار کنیم چرا که دولت در هیچ کجای دنیا اقتصاددان خوبی نیست.

دولت تدبیر و امید، سنگین تر بودن وزنه امید موجب شده که دید مردم و خواسته های آن ها تغییر کند و بال امید بر بخش تدبیر برتری بیشتری داشته باشد. متأسفانه یکی از بزرگترین مشکلات سرمایه گذاری در اصفهان، ناامیدی فاحش در تمام اقشار جامعه است. ما از اول نگران دارایی و مالیات هستیم و همواره سعی داریم خود را ضعیف و کوچک جلوه بدهیم و متأسفانه فرهنگ بد بیان ناراضیاتی بسیار به چشم می خورد. از سویی دیگر وقتی سرمایه گذاران، بیزنس پلن خود را از کافی نت وزارت صنعت دریافت می کنند، نباید انتظار داشت که به سرانجام و مقصد درستی دست یابیم. وقتی مدیر و مالک واحد تولیدی بخش خصوصی یکی باشد و مالک از علم روز مدیریت اطلاعی نداشته باشد، دچار مشکل می شود. تمام این ها به ساختارهای اشتباه مدیریت بدنه شهری و اقتصادی بازمی گردد. تمام این ناموفقیت ها مربوط به فرستادن سیگنال های ناامیدی است. به اعتقاد من بیشترین اطلاعات اقتصادی دنیا از کف بازار و جامعه گرفته می شود و این اطلاعات و آمارها وارد رنکینگ های جهانی می شود. بنابراین معتقدم هنوز تبعات مثبت برجام، بروز پیدا نکرده است. البته در سطح اقتصاد کلان، قیمت نفت و شاخص GDP بالا رفته و اما رسیدن اثرات آن به اقتصاد خرد و حوزه اقتصاد شهری، کمی زمان بر است. ما اگر در سطح اصفهان مشکلات نرم افزاری را برطرف و مدیران معتدل تر و مردم نگرتر داشته باشیم شرایط برای جذب سرمایه گذار بهتر می شود. بسیاری از شاخص ها به محیط کسب و کار برمی گردد. مطابق آمارها و شاخص های اقتصادی، اصفهان نمره منفی را در کشور می گیرد. در حالی که مشهد و تبریز در شرایط اقتصادی موجود، امروز در رونق هستند و تحول شهری در این دو شهر، کاملاً مشهود است.

❖ **نیکبخت:** ما باید فضای روانی جامعه را تلطیف کنیم. اما این یکی از پارامترهاست. معتقدم که باید بخش اقتصادی کشور را بازنگری و سفیدنمایی کنیم. اما واقعیت این است که فضای موجود، محصول متقابل جامعه با حاکمان آن است. نمی توان فراموش کرد که نقش مدیران و باورهای فرهنگی و اجتماعی آن ها چیست. واقعیت این است که امروز نحوه برخورد و تعامل بین سرمایه گذاران با بدنه مدیریت شهری دچار تنش است و ما شاهد عدم تعامل بین مدیران و سرمایه گذاران هستیم. در این شرایط ما نمی توانیم از امثال آقای صرامی انتظار ماندن در شهر را داشته باشیم.

❖ **جباری:** ریشه این مسائل به مطالعه تاریخ اقتصادی و اجتماعی کشور باز می گردد. البته رسانه های عمومی و مجازی تا حدودی توانستند سطح فرهنگ را بالا ببرند. اما نباید انتظار جهش ناگهانی را داشته باشیم. اگر بتوانیم از گذشته درس بگیریم و برای آینده برنامه ریزی کنیم، می توانیم روی ریل توسعه حرکت کنیم. هم مرز بودن دو استان آذربایجان و خراسان با دو یا سه کشور یقیناً در توسعه و رشد بیشتر آن ها نسبت به اصفهان که هیچ مرز خارجی ندارد و حمل و نقل تجاری در آن گران تر است اثرگذار بوده. اعتقاد دارم که ما در اصفهان به اندازه خودمان تلاش کرده ایم و

گذاری پتانسیل بالایی دارد. اصفهان باید به حوزه نرم افزاری و آی تی وارد شود. یکی از شعارهای اصفهان، شهر خلاق و شهر دانش بنیان محور است اما حرکت هایی که به این سمت انجام شده در عمل مطلوب نبوده است.

❖ **نوسان:** برخی معتقدند رویدادها و پروژه های اجرا شده در اصفهان به دلیل فقدان پیوست اقتصادی موفق نبوده اند؟ به عنوان مثال سال هاست یز برگزاری جشنواره فیلم کودک را در اصفهان داده ایم و با هزینه زیاد در حفظ آن تلاش کرده ایم؛ اما از رهاورد برپایی این جشنواره، نه یک سینمای خوب، نه یک هتل مناسب و نه سیستم حمل و نقل شایسته برای اصفهان پدید نیامده است! حتی این جشنواره منجر به توسعه صنعت سینمای کودک در اصفهان نیز نشده است! آیا این امر را ناشی از عدم پیوست اقتصادی برای یک رویداد فرهنگی نمی دانید؟

■ **نیکبخت:** این جشنواره ابتدا در اصفهان نبود اما به همت شهردار وقت این رخداد وارد اصفهان شد و قرار بود به جای تالار فرشیپان کنونی، کاخ جشنواره ساخته شود که حتی معماری آن همگون با آن موضوع بود. اما اختلاف سلیقه ها در مدیریت شهری موجب شد، این گونه نشود. ما باید در قالب یک رصدخانه شهری مسائل مختلف را رصد و نیازسنجی کنیم. زمانی بی ارزش ترین نقطه کالیفرنیا، "سیلیکون ولی" بود که امروز به یکی از گران ترین مناطق دنیا تبدیل شده است. این ها همه به سلیقه مدیران شهری و حمایت آن ها گره خورده و به متولیان برگزاری جشنواره بازمی گردد. اگر قبول کنیم جذب سرمایه گذاری و رفتار با سرمایه گذار خود یک تخصص است، نسبت به تغییر معاونت ها، اقدام نمی کنیم.

معضل بزرگ شهر، رصد نکردن شهر و مواجهه با پدیده اقتصاد شهرداری و نه اقتصاد شهری است. به نظر می رسد بررسی طرح ها بر اساس باورهای مدیران شهرداری شکل می گیرد نه اهل فن و اقتصاددانان. به این دلیل معتقدم، بهترین اقتصاددانان سرمایه گذاران بخش خصوصی هستند که همواره به دنبال موفقیت بیشتر هستند. مدیریت شهری باید بستر را فراهم کند تا طرح های ارائه شده توسط بخش خصوصی اجرا شود نه اینکه با بخش خصوصی رقابت کند. ما نیاز به فرهنگ توسعه تعامل بین سرمایه گذاران و ارگان های شهری داریم. بخش خصوصی ایده های ناب دارد که متأسفانه شهرداری ها با ابزار حاکمیتی آن را می گیرند و به صورت ناقص و ابتر آن را برگزاش می کنند و نتیجه درستی بر جای نمی گذارند. ما باید رصدخانه ای در شهر داشته باشیم تا مدیران پروژه ها براساس سلاقی تغییر ندهند. همچنین به جز سرمایه گذاران خارجی، روی مساعدت و همراهی اصفهانی های ساکن در خارج کشور نیز حساب ویژه ای باز کنیم. قشری که تاکنون هیچ دعوتی از آن ها برای سرمایه گذاری در طرح های شهری نشده است. این در حالی است که مسائل استراتژیک اصفهان نیازمند همکاری با تفکرات مختلف است.

❖ **نوسان:** اگر بخواهیم با نگاه جامعه اقتصادی و سرمایه گذار به مقوله انتخابات شورای شهر ورود کنیم، برای تعامل همه نیروها و جذب سرمایه گذار و در نهایت توسعه اقتصادی و افزایش کیفیت شهری اصفهان چه راهکاری را مناسب می دانید؟

■ **جباری:** هرچند که ما به تبع از حوزه اقتصاد ورود می کنیم، اما در ابتدا باید به جنبه فرهنگی و اجتماعی موضوع توجه داشته باشیم. از یک سو باید دید تبیین فرهنگ اجتماعی با چه کسی و چگونه است؟ از سوی دیگر اگر اقتصاد را بر مبنای فرهنگ و دیدگاه اجتماعی پیاده کنیم باید زیرساخت آن فراهم شود. تازمانی که ساختارها وجود نداشته باشند، ما به ایده آل های خود نخواهیم رسید. بنابراین فرهنگ توسعه اقتصادی لازم است، چرا که اقتصاد نیز تنها در پول خلاصه نمی شود. ما تنها ثروت را پول در نظر گرفتیم و به سرمایه توجه نکردیم و به نخبگان خوداراج نهادیم و به همین دلیل به نوآوری نرسیده ایم. متأسفانه در اصفهان نوآور پرور نیستیم در حالی که اندیشه اجتماعی و فرهنگی ما باید در راستای بهبود مسیر باشد.

■ **جمالی:** رسانه های این شهر می توانند در فرهنگ سازی اقتصاد شهری تأثیر گذار باشند. همچنین در حوزه سرمایه گذاری نیاز به مدیریت سرمایه ها، به شیوه استانداردهای جهانی برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی داریم. اعتقاد و باور عملی مدیران کلانشهر اصفهان در شورای شهر و شهرداری، پیش نیاز هر اقدامی در این زمینه است. از طرف دیگر باید به همسویی و هم افزایی برسیم. متأسفانه عدم همسویی موجب می شود تا اثری مجموعه کاسته شود. بنابراین همان طور که کشور هیچ راهی جز صادرات ندارد، اصفهان نیز به جز توجه به اقتصاد شهری، کار آفرینی و ایجاد رونق اقتصادی راه حلی در مقابل خود ندارد. البته این رونق از طریق صنایع سنگین نخواهد بود؛ چرا که اصفهان نیاز به خلاقیت، نوآوری و توجه به صنایع دانش بنیان و توسعه صنایع جدید همچون گردشگری دارد.

■ **نیکبخت:** معتقدم نیاز شهر، حمایت از کارآفرینان، نوآوران و کارآفرینان اقتصادی و نه رقابت با آن ها و همچنین حفظ ایده های آن ها و امانت داری ایده ها و حمایت های نرم افزاری است. از سوی دیگر نیز باید هزینه های سرمایه گذاری در بخش های تجاری و ... شهر کاهش یابد و اجازه دهیم مردم با سرمایه های کوچک خود، سرمایه گذاری کنند. شاید امروز اصفهان نیاز به رفتار صحیح دارد.



■ **جمالی:** وقتی از شهر مشهد و تبریز حرف می زنیم آن ها برای ما یک الگو هستند. اما اگر محصولات و تولیدات ما هایتک باشد فرقی نمی کند در جای کشور تولید می کنیم. اما در خصوص دلایل پیشرفت این دو شهر معتقدم که آن ها در حوزه اقتصاد شهری تخصصی تر عمل کردند. در حالی که ما در اصفهان نسبت به این دو شهر جو سیاسی سنگین تری داریم. در اصفهان اقتصاد شهری، سیاسی شده است؛ در حالی که مشهد و به ویژه در تبریز کمتر اجازه ورود سیاست به حوزه اقتصاد داده شده است. مشهد در مترو بعد از اصفهان شروع به کار کرد؛ پروژه را به اتمام رساند و امروز وارد فازهای بعدی آن شده است. اما هنوز این طرح در اصفهان به سرانجامی نرسیده است. اگر ما در جذب سرمایه گذار مشکل داریم شاید ما مشاوران سرمایه گذار خوبی نداشته ایم. قطعاً یک مدیر به تنهایی همه تخصص ها را ندارد. در حوزه شهری نیز مشاوران توانمند برای توسعه و رونق شهری خود انتخاب نکرده ایم. باید دید آیا در موقع ساخت شهر رؤیاها به مسائل روانشناسی آن توجه شده است؛ چرا که تنها مباحث اقتصادی آن مهم نیست. شاید یکی از دلایل شکست برخی طرح ها این است که می خواهیم همه چیز را در اقتصاد دولتی پیاده کنیم و تفکرمان دولتی و سفارشی است؛ اما اگر این پروژه ها به ذات خصوصی بودند شاید سرانجام بهتری پیدا می کردند. یکی از ویژگی های بخش خصوصی چابکی و به روز بودن آن است. هر چه شهرداری بزرگتر شود کار کردن در آن سخت تر و گریس کاری چرخ های آن و همچنین پیچ و خم های اداری آن بیشتر می شود. به اعتقاد من شهرداری اصفهان برای ارائه طرح ها باید همانند یک استارت آپ عمل کنند. اصفهان در حوزه سرمایه



نیکبخت: معضل بزرگ شهر، رصد نکردن شهر و مواجهه با پدیده اقتصاد شهرداری و نه اقتصاد شهری است



زیست شهر؛ سلامت شهر

■ همیشه می خواهیم صورت مسئله را پاک کنیم



شاخص های
آماري می
گویند که بیش
از ۱۱ میلیون نفر
حاشیه نشین
و بد مسکن،
از مهم ترین
آسیب ها در
حوزه شهری
است که جای
تأمل بسیار
دارد

فضای شهری در عین حال که سازنده روابط و مناسبات انسانی است می تواند از عوامل تسهیل کننده بروز انحرافات، جرایم و مسائل عدیده شهری نیز باشد. بدون تردید با بالا رفتن اندازه و وسعت شهرها میزان جرایم و آسیب های شهری نیز افزایش یافته و بر ابعاد کمی و کیفی آن افزوده می شود. میزان جرایم و آسیب های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی شهری با درجه توسعه شهری نیز رابطه دارد و به موازات افزایش جمعیت شهری، میزان جرایم و آسیب های آن نیز افزایش می یابد. اما نقش نهادهای شهری برای کاستن از عواقب زیان بار جامعه مدرن در قشرهای مختلف جامعه چیست؟ آیا هزینه کردهای مدیریت شهری در حوزه های اجتماعی و فرهنگی شهر راهگشا بوده است؟ و تا چه اندازه تصمیم گیری نادرست و نابخردانه برنامه ریزان شهری اصفهان، منجر به افزایش پدیده هایی همچون مهاجر پذیری، حاشیه نشینی، طلاق، دروغ، تخلفات رانندگی، تخریب اموال عمومی یا آزار رساندن به شهروندان گردیده است؟ گفت و گوی حوزه اجتماعی ما با دکتر رضا اسماعیلی، جامعه شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه و دکتر مرتضی پدیریان، استاد دانشگاه در رشته جامعه شناسی و با تخصص مسائل اجتماعی، به آسیب شناسی فضای اجتماعی شهر اصفهان اختصاص دارد.

بررسی کنیم، در این فرآیند با ساخت و سازهایی مواجه می شویم که در اولویت نبودند و به دلیل عدم اولویت شناسی باعث این بحران ها گردیدند! تأخیر در راه اندازی مترو در اصفهان، خسارت و هزینه های سنگینی را به شهر تحمیل کرد. در واقع، شورای شهر همواره تصمیماتی را بدون مطالعه اتخاذ کرده و شهرداری نیز مجری آن بوده است. از دیگر معضلات، مهاجرت پذیری اصفهان است که آمارها بالاترین میزان حاشیه نشینی را در شهرستان خمینی شهر در سراسر کشور اعلام می کنند.

حساسیت این موضوع وقتی بیشتر می شود که به دلیل نزدیکی خمینی شهر با اصفهان، می تواند تأثیراتی مانند شکل گیری آسیب های اجتماعی را در کلانشهر اصفهان به دنبال داشته باشد. همین طور در مناطقی مانند منطقه زینبیه، با تجمع مهاجران افغانی و عرب مواجه هستیم. هرچند در مواردی مانند تمیز بودن شهر و تفکیک زیاده از نکات مثبت احساس تعلق در حوزه های شهری اصفهان است. اما باید دید که در کدام زمینه ها، شورا، شهرداری، آموزش و پرورش و سایر نهادها می توانند ایفای نقش کنند. اما نقش شورای شهر به عنوان یک مرکز تصمیم گیری و تعیین کننده در توسعه کیفی و کمی شهر بسیار حائز اهمیت است.

❖ **نوسان:** استنباط ما این است که اجرای پروژه های کلان شهری هر چند بستر توسعه عمرانی را فراهم می سازد؛ اما می تواند بر بافت شهر تأثیرگذار باشد و هنجار ساز گردد. شاهد این مسئله توسعه عمرانی منطقه زینبیه است و عدم توسعه منطقه مفت آباد که به وضوح قابل مشاهده می باشد؛ به طور کلی تأثیر پروژه هایی که شورا تصویب و شهرداری اجرا می کند، بر فرهنگ شهر و آسیب های شهری را چگونه ارزیابی می کنید؟

■ **رضا اسماعیلی:** باید به چند نکته کوتاه اشاره کنم که توجه به منابع موجود و در اختیار شورا و شهرداری اهمیت فراوانی دارند. شهرداری از نهادهای ثروتمند شهر است و بر اساس گزارش های رسمی، روزانه ۳۰۰ میلیون تومان، صرف اعتبارات فرهنگی شهر می کند که رقم قابل ملاحظه ای است و با مدیریت صحیح و کارآمد می توان بیشترین بازدهی را از آن گرفت. لذا، مهم ترین نقش شورا و شهرداری، سیاستگذاری، همکاری و همفکری با نهادهای دیگر است که به نفع عموم باشد. به علاوه، با توجه به سهم جمعیتی استان اصفهان و ۴۰ درصد سرمایه جمعیتی استان در شهر اصفهان، با سیاستگذاری مناسب می توان به کاهش آسیب ها و افزایش سلامت جامعه نائل آمد.

در واقع باید سیاست ها و برنامه هایی را که مبتنی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی است تدوین کنیم تا آسیب ها را به حداقل برسانیم. شهرداری، به عنوان یک نهاد عمرانی، خدماتی و اجتماعی و کمیسیون های مختلف شورای شهر باید خط مشی و سیاست های حوزه اجتماع و فرهنگ را با محوریت و مبنای افزایش سلامت اجتماعی و کاهش معضلات تبیین کنند. یکی از کاستی های مهم نظام مدیریت شهری در دوران اخیر، بی توجهی به سیاست های آینده نگر و عدالت خواهانه بوده است. لذا، آسیب ها در فرآیند طبیعی خود به شدت افزایش یافته و باید برای کنترل آن ها هزینه های بیشتری را صرف کنیم. اگر از پنج سال پیش سیاست و خط مشی مدیریت را با رویکرد شهر خلاق، شهر انسان مدار، شهروندمدار و شهری با تأکید بر معنویت داشتیم، اکنون با این حجم از آسیب ها مواجه نبودیم. باید به اولویت بندی در سیستم شهری توجه داشت. شهر، علاوه بر کالبد و فضای فیزیکی خود، از فضای فرهنگی، اجتماعی، هنری، فراغتی، علمی، آموزشی و پژوهشی برخوردار است که اگر به حد کافی به این موضوعات توجه نداشته باشیم، مشکلاتی در ابعاد مختلف مواجه می شویم. به عنوان نمونه، خط مشی توسعه یا اولویت پیشرفت شهر باید مشخص شود و پدیده های زیستی، مثل آلودگی آب، هوا، خاک و تبعات آن را قبول کنیم. هرچند، سیاستگذاری در توسعه صنعتی شهر در سطح کشوری مطرح می شود اما بی توجهی به حوزه اجتماع و زیست شهر و سلامت شهر به عنوان یک عنصر مهم اولویت بیشتری دارد.

❖ **نوسان:** هزینه روزانه ۳۰۰ میلیون تومان در حوزه فرهنگ شهر که آقای دکتر گفتند بسیار قابل تأمل است؛ آیا اگر این اعتبار مثلاً ۴۰۰ یا ۵۰۰ میلیون تومان بشود می تواند در جلوگیری از افزایش آسیب های مختلف شهری تأثیرگذار باشد؟

■ **مرتضی پدربان:** من به این نتیجه رسیده ام که نکته مهم در مدیریت و اداره شهر این است که کشور ما دچار نوعی ملوک الطوائفی مدرن شده است. مثلاً در اجرای یک کنسرت باید سلسله مراتب خاصی طی شود، چون ما صرفاً با نگاه سلیقه ای و تک بعدی روبرو می شویم. ملوک الطوائفی مدرن یعنی سپردن امور شهر در دست افرادی خاص که چون در سیستم مدیریت شهری، اغلب نگاه سلیقه ای و ایدئولوژیک نیز در آن وجود دارد منجر به هزینه کرد نادرست در حوزه های فرهنگی و اجتماعی می گردد. از طرفی عوارض دریافتی از مردم مطابق با نیازهای شهروندان صرف امور شهر نمی شود. باید بررسی کرد که شورای شهر در تنظیم بودجه و نظارت بر تخصیص آن چه نقشی ایفا می کند و آیا رضایت شهروندان تأمین می گردد.

■ **دکتر اسماعیلی:** شاید بهتر باشد از زاویه دیگری به این موضوع نگاه کنیم. چون اصفهان،

❖ **نوسان:** اگر بخواهید شمایی کلی از فضای اجتماعی اصفهان و آسیب هایی که این شهر طی چند سال گذشته به خود دیده است ارائه کنید، چه مواردی مد نظر تان می آید؟

■ **رضا اسماعیلی:** با بررسی شاخص های آماری، می توان استنباط کرد که دهه ۹۰، دهه آسیب های اجتماعی در ایران است و اگر مدیریت و سیاستگذاری اجتماعی مؤثری در کنترل و پیشگیری از آسیب های اجتماعی نداشته باشیم، به روندی غیرقابل کنترل خواهیم رسید. با وضعیت فعلی می توان پیش بینی کرد که آینده خوبی نخواهیم داشت و مدیریت شهری، مستلزم تجدید نظر است. با بررسی آسیب ها از منظرهای مختلف مانند تعداد و توزیع زندانیان بر حسب جرائم، می بینیم نرخ آسیب ها به صورت صعودی روبه افزایش است. ضمن آنکه در نوع آسیب، شاهد تغییر و تحولاتی هستیم.

شاخص های آماری می گویند که بیش از ۱۱ میلیون نفر حاشیه نشین و بد مسکن، از مهم ترین آسیب ها در حوزه شهری است که جای تأمل بسیار دارد. گسترش مصرف مواد مخدر سنتی و ترکیبی و پائین آمدن سن مصرف مواد، مورد قابل توجه دیگر است؛ همچنین افزایش میزان درگیری های حقوقی که اکنون دستگاه قضایی را با ۱۵ میلیون پرونده روبرو ساخته و اگر ۲ نفر را درگیر هر پرونده بدانیم، بالغ بر ۳۰ میلیون نفر را درگیر پرونده های قضایی می بینیم؛ این نشان از عمق مشکلات اجتماعی و شهری دارد. شاخص های آسیب شناختی در چارچوب نظام خانواده و افزایش طلاق که ما را به طلاق کشیده شدن ۲۸ درصد ازدواج ها در اصفهان، مواجه ساخته است، نمود دیگری این آسیب ها است. جرائم دیگری مانند تخلفات رانندگی و تخریب اموال عمومی یا آزار رساندن به شهروندان متأثر از عوامل مدیریت شهری، انتخاب ناخردانه و تصمیم گیری نادرست در سطح مدیریت و برنامه ریزی است.

❖ **نوسان:** چقدر نهادهای اجتماعی مانند شورای شهر و شهرداری می توانند در مدیریت اوضاع و کنترل بی سامانی های اجتماعی مؤثر باشند؟

■ **مرتضی پدربان:** با توجه به روند افزایش جرائم قضایی، به نظر می رسد که جامعه ما به لحاظ آسیب شناختی دچار بحران شده است. فکر می کنم، باید نوعی تقسیم بندی از آسیب ها ارائه دهیم تا نقش هر کدام از نهادها در کنترل آسیب ها مشخص شود. آسیب های فرهنگی فراوان ما حاکی از این است که استان اصفهان، کمترین سرمایه اجتماعی را دارد.

ناهنجاری هایی مثل دروغ، در جامعه و به ویژه در اصفهان به شدت رواج یافته که براساس میانگین کشوری بیشترین رفتار دروغ را در اصفهان مشاهده می کنیم. بی اعتمادی اجتماعی و آسیب های محیطی پدیده هایی مهم و قابل تأمل در کشور هستند. آلودگی های زیست محیطی که نه تنها در سطح ملی، بلکه در سطح جهانی مطرح اند، اصفهان را تبدیل به دومین کلانشهر آلوده نموده است. اما اگر بخواهیم نقش شورا و شهرداری را



اگر از پنج سال پیش سیاست و خط مشی مدیریت را با رویکرد شهر خلاق، شهر انسان مدار، شهروندمدار و شهری با تأکید بر معنویت داشتیم، اکنون با این حجم از آسیب ها مواجه نبودیم



❖ **نوسان:** به مقوله فرهنگسراها و نهادهای فرهنگی شهر اشاره کردید؛ راستی چرا نهادهای مختلف شهرداری آن کارکرد مؤثر را ندارند؟

■ **مرتضی پدریان:** چون در سیستم ما به شدت موازی کاری وجود دارد. اگر تصمیم سازان بتوانند همسویی و یکپارچگی در مدیریت واحد شهری داشته باشند، انتظارات شهروندان تأمین می شود و کارکرد خواهد داشت. باید از فضای شهر به نفع عموم مردم استفاده شود.

■ **رضا اسماعیلی:** در شهر اصفهان زمانی کارخانه های نساجی متعددی راه اندازی شدند ولی چون مطابق با استانداردهای روز رشد نکردند، تعطیل شدند که نشان دهنده عدم تفکر و آینده نگری در استفاده از منابع شهری است. زیرا کارخانه ها را تعطیل کردیم و حتی در جای دیگر هم، آن ها را مستقر نکردیم. دلایل دیگر در عدم کارکرد مؤثر، استفاده نامناسب از فضای شهر است. فضایی که نه تنها به اصفهان و ایران، بلکه به کل جامعه و حتی جهان تعلق دارد. همین طور، به جای آنکه فضای اطراف رودخانه را به کل جامعه اختصاص دهیم، آن ها را به املاک خصوصی تبدیل کرده ایم و فقط تعداد معینی می توانند از حاشیه و چشم انداز رودخانه استفاده نمایند.

❖ **نوسان:** اما این عدم توزیع متناسب فضای شهری به تصمیم گیری مدیران شهری و شورای شهر مربوط نمی شود و ریشه در بسیاری مسائل دیگر دارد. اما در حوزه نرم افزاری شهر با محدودیت های زیادی روبرو هستیم.

■ **مرتضی پدریان:** معتقدم که اگر امروز شاهد ناامیدی جامعه و دومین کشور غمگین جهان هستیم، به خاطر این است که در تصمیم گیری ها، اجازه بروز شادی و نشاط به مردم داده نشده و حتی به نوعی منع شده است. یک مصداق بارز در شهر اصفهان، بسته شدن ناژوان در عصرهای پنج شنبه است. در حالی که برای وسایل تفریحی این مکان مانند تله سیژ، بیش از ۵۰ میلیارد تومان هزینه شده است؛ ولی کسی پاسخگوی علت بسته شدن ناژوان نیست. از طرفی بسته شدن مکان های تفریحی به زیرزمینی شدن تفریحات ناسالم و رفتارهای ناپسند دیگر می انجامد که این حاکی از تصمیم نادرست است.

زمانی که فضای باز و آشکاری را به بهانه های مختلف می بندیم، رفتارهای ناپسند در جای دیگری بروز می کنند. از طرفی به جای آنکه ساختار مبارزه و استراتژی منع را در قالب پیشگیری تقویت کنیم، می خواهیم صورت مسئله را پاک کنیم. آنچه در پیشگیری قابل توجه

شهری چند فرهنگی با اقوام و گروه های مختلف قومی و مذهبی است، اگر سیاستگذاری فرهنگی درستی داشته باشیم، همه این تنوعات فرهنگی، قومی و دینی طبق شواهد تاریخی، می توانند همزیستی مسالمت آمیزی در کنار هم داشته باشند. اصفهان شهری برای زیست توأم با صلح و آرامش ادیان مختلف است که با توزیع عادلانه فضا و امکانات شهری به همه اقوام، همواره یک الگو در کشور بوده است. بی شک حضور پانزده خواهرخوانده در سراسر جهان، نشان از جایگاه فرهنگی اصفهان و اعتبار علمی و تاریخی و ظرفیت عظیم این شهر دارد. اگر بتوانیم هفته های فرهنگی خواهرشهرها را در اصفهان داشته باشیم، قومیت های مختلف ساکن شهر می توانند از این فرصت ها بهره مند شوند. با این دیدگاه می توان اولویت توسعه صنعتی را به توسعه گردشگری، فرهنگی، اجتماعی و کیفی شهر تسری داد. نکته دیگر مربوط به هزینه فرهنگی این است که شاید نظام برنامه ریزی و مدیریت فرهنگسراها از پوشش فراگیر برخوردار نیست که در نتیجه، بخش قابل توجهی از جمعیت، محروم از برنامه های تدارک دیده شده هستند. عامل دیگر، توجه به مقتضیات سنی جمعیت است. همینطور، در حوزه ورزش باید بدانیم که نهادهای مختلف، چقدر می توانند فضای ورزشی مورد نیاز مردم را فراهم کنند.

امروزین بوده است؟ آنچه برای داشتن شهری سالم و خلاق، با نشاط و آینده نگر ضروری است، برخورداری اعضای شورا از افق های فکری و علمی توسعه شهر اصفهان، به عنوان یک جهان شهر است که ما با نگاه محدود خود، آن را در مقایسه با سایر شهرهای کشور محدود کرده ایم.

اصفهان با سابقه دیرین خود، از ظرفیت های بالا و جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است و افرادی که وارد شورا می شوند، باید اصفهان را نه تنها در ۱۴۰۴، بلکه در افق سال ۲۰۰۰ شمسی ببینند تا آیندگان ملاحظه کنند که نسل گذشته و پدران آن ها، شهری استوار و ماندگار را برای آن ها طراحی کرده اند. اگر این نگاه و رویکرد را نداشته باشیم، شهر پیوسته در وضعیت قفل شدگی قرار می گیرد. باید از دانش و تجربیات عقلای شهر با تجربه زیست محیطی موفق و آینده نگر استفاده کنیم تا در شهر، حیات، نشاط، اعتماد و انگیزه را ببینیم و برنامه های شهروندمدار، کالبدی، ترافیکی و خدماتی شهر را متناسب با شان و جایگاه اصفهان در سطح ملی و بین المللی اجرا و توسعه دهیم.

«نوسان: به جلب اعتماد شهروندان اشاره کردید؛ آیا این کنش شهری - اجتماعی که باعث اعتماد مردم در انتخابات ها به هنرمندان و ورزشکاران می شود ناشی از عدم اعتماد و اعتبار آن ها نسبت به متخصصان و مدیران شهری نیست؟ چون به هر حال این قشر را از خود و نزدیک به خود احساس می کنند؛ اما قشر متخصص و مدیر شهری هرگز این قربانت را در عموم جامعه ایجاد نکرده است؟»

■ مرتضی پدريان: من ریشه آن را در سیستم انتخابات در کشور می دانم که در چند سال اخیر، وابسته طلب بوده است. ما هنوز در مرحله تمرین دموکراسی و تمرین انتخاباتی قرار داریم. شاید بعد از حادثه پلاسکو، مردم به این آگاهی رسیدند که در انتخابات با خردورزی کاندیدای خود را انتخاب کنند. اینکه چرا مردم به ورزشکار اعتماد می کنند ولی اعتماد آن ها به یک کنش گر سیاسی جلب نمی شود، به این دلیل است که بیشتر کنش های ما عاطفی است و کنش های عاطفی در جامعه ما بر کنش های عقلانی غالب اند و مبتنی بر خردورزی نیست. نکته دیگر که من می خواهم به آن اشاره کنم، نداشتن نماینده ای از اقلیت های مسیحی یا مذهبی دیگر در شورای شهر است؛ به ویژه در اصفهان که لازم است نیازها و نگرش های اهالی منطقه جلفا را در نظر بگیریم.

باید اذعان داشت که غالباً سیستم متولی گری در مدیریت شهری ما حاکم است. مثلاً با توسعه فروشگاه های کوثر، خرده فروش ها را از دور خارج می کنیم. در حالی که کشورهای پست مدرن به این نتیجه رسیده اند که تقویت خرده فروشان به افزایش تعاملات اجتماعی کمک می کند.

«نوسان: با این اوصاف، تغییر نسلی در مدیریت شهری را راهکار مناسبی برای کاهش آسیب های اجتماعی قلمداد می کنید؟»

■ رضا اسماعیلی: شهر به عنوان یک موجود زنده و پویا از ترکیبات مختلف جنسیتی، سنی، شغلی و حرفه ای، قومیتی و فرهنگی، سواد و دانش برخوردار است. اصفهان، همانند یک رنگین کمان بزرگ فرهنگی و اجتماعی است؛ همان گونه که به عناصر پویا و جوان نیاز داریم که در عین حال باید تمرین مدیریت بکنند و وارد عرصه ها شوند، به نمایندگانی نیاز داریم که از تجربه بالایی نیز برخوردار باشند و از تفکر و علم سازمانی و دانش روز مناسبی نیز داشته باشند. در حوزه های مدیریتی و اجرایی باید فضا را برای حضور جوانان باز بگذاریم.

ولی در حوزه تصمیم ساز، باید ترکیبی از اقشار و سنین مختلف حضور داشته باشند و نسلی که از دانش و تجربه بیشتر برخوردار است، تدریجاً جای خود را به نسل جدیدتر بدهد. با توجه به آنکه جوانان ما از دانش فنی و تخصصی بالاتری برخوردار هستند، باید فضا برای ورود آن ها فراهم شود. اما لازم است که برای اداره شهری کارآمد و توانمند، باید ترکیبی متعادل از مؤلفه های متفاوت داشته باشیم. پدیده جوان گرایی در بسیاری از کشورها وجود دارد، که در جامعه ما نیز مستلزم فضای مناسب و طراحی بدنه مدیریت شهری متناسب برای حضور جوانان متخصص و با انگیزه است.

■ مرتضی پدريان: در جمع بندی عرایض خود، می توان از پدیده هایی که در حوزه سیاسی تحت عنوان چرخش نخبگان داریم، سخن راند که کمتر در جامعه ما اتفاق افتاده است. عدم چرخش نخبگان باعث فرسودگی جامعه می شود. در فرآیند تغییر نسلی، اگر در کنار مدیریت های سالمند، از نیروهای جوان با دانش روز استفاده کنیم و به نوعی، کادر سازی کنیم، قطعاً نتایج مطلوب تری خواهیم داشت.

می باشد، این است که یک واحد پول هر کشور در پیشگیری، نتیجه ای معادل صرف ۱۲ واحد پول آن کشور در درمان را خواهد داشت. نکته دیگری که شایان توجه است، بررسی سرانه ورزش در استان است که تصمیم گیری درستی برای این امر مهم اتخاذ نشده است. باید به این عامل توجه کنیم که باید همواره جایگزینی مناسبی برای مردم اوقات فراغت و شادی مردم در سنین مختلف و طبقه های متعدد جامعه داشته باشیم.

«نوسان: ریشه این مسئله را ناشی از تصمیمات نادرست در سیاستگذاری های کلان می دانید و یا فکر می کنید نوع اجرا و سلیقه مدیران اجرایی باعث این تناقض ها می شود. جالب است که گاه نحوه اجرا، قانونگذار شورا را با تحیر روبرو می کند.»

■ مرتضی پدريان: از آنجایی که ما نگاهی یک بعدی و غالباً ایدئولوژیک به مسائل داریم، لذا شهروند محوری بر اساس نیازهای مخاطبان شهری نیست. در تصمیم گیری ها به عده ای مخاطب خاص توجه داریم که تصمیم گیری و برنامه ریزی بر اساس عقاید و احتمالاً منافع آن ها صورت می گیرد و کل جامعه را پوشش نمی دهد. لذا نوعی تناقض در سیاستگذاری و نیازهای جامعه پدیدار می شود.

«نوسان: چطور می توان به مردم تضمین داد که اتفاقاتی که در این دوره از شورا تحقق می یابد به کاهش معضلات شهری کمک خواهد کرد؟»

■ رضا اسماعیلی: باید اذعان داشت که در همه ابداعات و نوآوری هایی که بشر بدست آورده، شهر به عنوان پیچیده ترین پدیده اجتماعی است و شورای شهر باید در جایگاه پارلمان شهری از پتانسیل علمی اندیشمندان، ظرفیت های فرهنگی، حوزوی، اجتماعی - اقتصادی و زیست محیطی و گروه های مختلفی که در جامعه ذی نفع هستند، فارغ از جهت گیری های سیاسی استفاده کند. مشارکت در توسعه شهر، استراتژی و راهبرد پیشرفت و توسعه شهری است. مثلاً با بررسی و مطالعه در احداث امکانات و مبلمان شهری، می توان وابستگی شهروندان را به شهر تقویت کرد. اتکا به تفکرات محدود و ظرفیت های محدود، پیامدهای نامطلوبی دارد که اکنون شاهد آن هستیم. مصداق آن را می توان در مقایسه دو خیابان چهارباغ عباسی در صدها سال گذشته و خیابان میرداماد در چند سال اخیر که با پیروی از الگوی چهارباغ ساخته شده است، مشاهده کرد. چهارباغ بعد از صدها سال هنوز می تواند پاسخگو باشد. لذا این نکته مطرح می شود که آیا مدیریت صفویه در سطح بالاتری از مدیریت

اینکه چرا مردم به ورزشکار اعتماد می کنند ولی اعتماد آن ها به یک کنش گر سیاسی جلب نمی شود، به این دلیل است که بیشتر کنش های ما عاطفی است و کنش های عاطفی در جامعه ما بر کنش های عقلانی غالب اند



آنچه ضرورت دارد برخورداری اعضای شورا از افق های فکری و علمی توسعه شهر اصفهان، به عنوان یک جهان شهر است که ما با نگاه محدود خود، آن را محدود کرده ایم



شهر خلاق شهر اخلاق

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، آینده اقلیم و ظرفیت اکولوژیکی و زیست محیطی اصفهان به نقطه ای بسیار شکننده رسیده است. آنها معتقدند که با روند فعلی، آینده اصفهان، آینده خوبی نخواهد بود. این شهر خیلی وقت است که متحمل بارگذاری بیش از اندازه شده و سرریز ظرفیت هایش را پشت سر گذاشته است. ساختن پل ها، جاده ها، تراکم فروشی و توسعه شهرکهای پیرامونی، اگرچه با محوریت توسعه عمرانی باعث تحول پوسته شهری می شوند اما در عین حال باعث بارگذاری بیشتر و جذب مهاجران جدید به اصفهان خواهد بود؛ مهاجرانی که با ورود خود ظرفیت های محدود اکولوژیک اصفهان را با تهدیدی جدی روبرو خواهند ساخت.

ظرفیت های اکولوژیکی شهر اصفهان را می توان از دو منظر تقابل زیست محیطی و شهرسازی و از بُعد آمایش سرزمین بررسی کرد. موضوعی که در میزگرد سه نفره با حضور دکتر احمد خاتون آبادی، عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی اصفهان و پژوهشگر شهری، حمید ربیعی، دکترای برنامه ریزی فضایی و توسعه شهری و پژوهشگر و مدرس دانشگاه، و شهرزاد ضرغام، پژوهشگر برنامه های اجتماع محور و مدیریت محله محوری مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

به محلات شایسته اهدا شود. البته در شکل بندی جدید باید مرز محلات را تعریف کرد.

❖ **نوسان:** یعنی به دنبال تعریف مدلی از مشارکت محلات، برای اداره مناسب تر شهر هستید؟

■ **خاتون آبادی:** بله و البته همه این موارد را می توان شاخص بندی کرد. در گام نخست، شورای شهر باید به تعریف جدید از محله برسد. شورای شهر می تواند از محلات بخواند هیأت مدیره ها را به آنها معرفی کند. مشارکت یعنی بدون کنترل جامعه مدنی، وارد جزئیات شدن. یکی از تعریف های توسعه پایدار این است که هم مسئول و هم پاسخگو باشیم. این بهترین شاخص پایداری است. از سوی دیگر شاخصی برای تعریف جدید محله از شورای شهر لازم داریم. شورای شهر باید میزان مصرف را در محلات مشخص کند. یعنی شورای شهر باید معیار به وجود بیاورد و این جاست که این نهاد، نیاز به مشاور توانمند پیدا می کند.

❖ **نوسان:** در نگاه فعلی، برنامه ریزی شورای شهر را چطور ارزیابی می کنید؟ و چطور این برنامه ها مبتنی بر ظرفیت اکولوژیک و توسعه پایدار است؟

■ **ربیع:** به اعتقاد بنده مسائل محیط زیستی چند سالیست که مهم شده و پیش از این وقتی مطرح می شد همه آن را مبحثی لوکس و مربوط به اروپا، غرب و آمریکا می دانستند. مثلاً تا همین پانزده سال پیش همه در ایران خواهان سدسازی بودند؛ در حالیکه سدهای بزرگ در همه جای دنیا با شکست مواجه شده بودند. مشکلی که هست ما هنوز فرق بین مدرنیته و تجدد را نمی دانیم و مردم ما هر چیز شیک، جدید و لوکس را دوست دارند. اما اگر به اروپا سفر کنند متوجه می شوند که برخی چیزهای بنیادی در این کشورها، کهنه و قدیمی هستند. اینکه چرا مردم ما سیتی سنتر را دوست دارند؟ ریشه در این احساس "محیط لوکس را دوست داشتن" دارد. چون جدید است. مردم ما در جامعه هر آنچه لوکس، شیک، تمیز و با آهن و شیشه ساخته و هر آنچه تکنولوژی در آن دخیل است را دوست دارند. متأسفانه هنوز مردم ما مشکلات زیست محیطی را باور ندارند و تمایلی به استفاده از حمل و نقل عمومی ندارند؛ چرا که ساختار ما اینگونه است، کما اینکه اعضای شورای شهر ما از دل همین مردم هستند. مهمترین موضوعی که در رفتار مردم نمایان است، داشتن یک خودرو شیک و لوکس است. اعضای شورای شهر نیز همین گونه عمل می کنند. برخی انتقاد می کنند چرا نخبگان در شورای شهر حضور پیدا نمی کنند؟ از یک لحاظ همین ورزشکاران و هنرمندان نشان دهنده انتظار واقعی مردم هستند و از لحاظ دیگر حضور آنها آسیب هایی را به همراه دارد. ما باید برای رفتار مردم سازوکاری تعریف کنیم.

به بحث محله اشاره شد. اخیراً سازمان ملل شعار "دنیا را بسازیم، محله به محله" را مطرح کرده است. یک زمانی برنامه ریزی ها از بالا به پایین بود و سازمان مدیریت برای شهرها برنامه ارائه می داد. متأسفانه ما علم واقعی را قبول نداریم. در همین شهر اصفهان بسیاری از مدیران شهری، تخصص فنی و مهندسی دارند. مشکل موجود در شهر این است که

پانویشت

شهر اخلاق

مانباید الزام بگذاریم، کسی که وارد شورا می شود کاملاً متخصص باشد. شورا باید ساختار بسیار مستحکم، قانونمند و قوی در بحث قانونی خود داشته باشد. فکر می کنم، همین که کسانی را برای شورا انتخاب کنیم که اعتقاد به این داشته باشند که نمی دانند و نیاز به مشورت دارند"، بسیار اهمیت دارد. اینک اصفهان پایتخت فرهنگ و تمدن و شهر خلق است، بسیار مهم و بالارزش است؛ اما تاکید دارم که باید شهر اخلاق مدار را بنیان نهاد. معتقدم شورای شهر باید اصفهان را پایتخت اخلاق کند. بگذارید برای اولین بار بجای اینکه بگوئیم اصفهان پایتخت صنعت ایران، این شهر را به عنوان پایتخت اخلاق مداری معرفی کنیم. البته نه در شعار بلکه در واقعیت؛ برای تحقق شهر اخلاق مدار، باید شاخص های کیفی و سنجشی مدیریت شهری را از کالبدی و عمرانی به شاخصه های اخلاقی تغییر دهیم.

❖ **نوسان:** به نظر می رسد مدیریت شهری اصفهان مسیر توسعه را از بستر عمرانی و در توسعه زیر ساختها دنبال می کند. تا چه اندازه این مدل از توسعه پایدار را در شهر اصفهان موفق می دانید؟ و در این میان نقش مشارکت مردم را در دستیابی به ظرفیت های واقعی شهر چگونه ارزیابی می کنید؟

■ **خاتون آبادی:** آنچه ما به عنوان توسعه شهری دنبال می کنیم، بیشتر ظاهری از توسعه است و البته یکی از موارد مغفول در اصفهان و کل ایران این است که تاکید بیشتر آن بر نگاه سخت افزاری از توسعه قرار دارد. همچنین آنچه در بحث های مشارکتی مطرح است، بیشتر جنبه شعاری دارد. مشارکت، زمانی محقق می شود که ساختارهای آن به وجود بیاید. یکی از مولفه های مشارکت، سازمان های مردم نهاد هستند که خود آنها باید مدیریت شوند و این نهادها در صورت عدم آموزش، دچار شکست می شوند. همچنین برای توسعه مشارکتی، نیازمند ساختاری هستیم که مردمی ترین آنها محلات هستند و باید توسعه پایدار محله ای را ایجاد کنیم. پیش از این در گذشته نیز محلات وجود داشته و به شکل بازارچه ها دیده می شدند. مثلاً در میدان نقش جهان، مسجد و سکونتگاه شاه در حداعلا و در کنار آن بازارهای بسیاری بوده که زرگری ها، عطاری ها و سقش فروش ها نمونه هایی از آنها هستند که در این بین، یک فرد نیز به عنوان بزرگ محله وجود داشت. اما اکنون بافت شهری ما از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دگرگون شده و مانوکیسه هایی داریم که از لحاظ فرهنگی از منطقه ای پایین هستند، و به دلیلی پول دار شده اند و به مناطق دیگر یا بالا شهر رفته اند. در این فضا ما تعین محله را در شرایط فعلی، در شاکله برج ها و ساختمان های چند طبقه با داشتن مدیر ساختمان و سرایدار می بینیم که افراد باهم زندگی می کنند. بنابراین ما به محله تاکید می کنیم، هر چند که افراد بسیاری از این محلات با یکدیگر ارتباطی ندارند. در بحث پایداری نیز می توان گفت مجموعه منابعی که یک فرد، سازمان، گروه، محله، شهر و کشور مصرف می کند به اضافه پسماندی که بر جای می گذارد، که نشان از رد پای زیست محیطی فرد دارد، مورد بررسی قرار می گیرد. ما معتقدیم تشکیل شورا در توسعه محله ها به مناطق پیشرفته موثر است و می تواند مرزهایی داخل منطقه بندی های شهری را، را تشکیل بدهد تا از دل این محلات داده هایی استخراج شود که برای مدیریت بهتر، موثر باشند. بطور مثال اگر بیشتر از میزان مشخصی آب، برق، پسماند و... مصرف شد، نه تنها هزینه، که اخذ جریمه در دستور کار خود قرار دهد و اگر از میزانی کمتر بود، پاداش



پانوش

رصدخانه
شهری

ما باید یک رصدخانه شهری برای مدیریت شهر داشته باشیم. متأسفانه در این خصوص نیز اختلاف نظر ایجاد شد. از یک سو شهرداری خود را متصدی و از سوی دیگر شورا خود را متصدی رصد و پایش می‌داند. اما به اعتقاد من، این رصدخانه باید با ترکیبی از هر دو نهاد تشکیل گردد تا مدام شاخص‌ها را در حوزه‌های تدوین و اجرا رصد کند. به نظر من باید با خودمان روبرو باشیم. یکی از راهکارها شفاف سازی است. واقعا مسائل محیطی زیستی و اقتصادی باید پایش شود. امروز از جمعیت دو میلیون نفری اصفهان، یک میلیون آن مهاجر هستند و ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر آنها نسل دومی هستند که پدرانشان مهاجر بودند. حال باید دید ما برای آنها برنامه داشته ایم. یقیناً نمی‌توانیم جلوی مهاجرت مردم از شهرهای دیگر را بگیریم و برنامه‌ای برای آن نداشته باشیم.

اعتقاد ما به رشته‌های مهندسی، بیشتر از سایر رشته‌هاست در حالیکه نه مردم، نه جغرافیا و نه اقتصاد را نمی‌توان مهندسی کرد. ما می‌خواهیم تمام مشکلات را از طریق ادبیات مهندسی حل کنیم که این خود معضل بزرگی است. برخی مشکلات این سیستم پیچیده را می‌توان با یک تغییر کوچک حل کرد. متأسفانه مدیران ما اکثرالجبازی خاصی دارند و وقتی طرحی ارائه می‌دهند مفسر به اجرا و پیاده‌سازی آن هستند؛ به عنوان مثال سوال اینجاست که چند پژوهش ساده در مورد پیاده‌راهی و سه‌شنبه‌های بدون خودرو در اصفهان انجام شده است. معمولاً یک طرحی در کشور و یا شهری مد می‌شود و مردم ما از مد شدن یک سوژه خوششان می‌آید. شورای شهر و مدیران مانیز همین‌گونه هستند و البته متخصصین برنامه‌ریزی مانیز اینگونه عمل می‌کنند.

نوسان: یعنی معتقدید برنامه‌های اجرایی در بدنه شهر، بدون مطالعه توسعه پایدار انجام می‌شود؟

ربیع: قطعاً همین‌گونه است. به عنوان مثال در مرکز پژوهش‌های شورای شهر، برنامه اصفهان ۱۴۰۰ نقد می‌شد و بنده نیز جزو نقدکنندگان این طرح بودم. جالب اینکه این برنامه که با تمام بضاعت شورای شهر تدوین شده بود؛ در کارگروهی با حضور اساتید و متخصصان دانشگاهی، از بدنه علمی شهر، امتیاز خوبی دریافت نکرد. این برنامه با اصول برنامه‌ریزی و آمایش هماهنگی نداشت و با ادبیات مهندسی تدوین شده بود. در حالیکه شهر کارخانه نیست و با علم دیروز، نمی‌توان افراد امروز را برنامه‌ریزی کرد. تأکید دارم که برنامه استراتژیک مرحله به مرحله است و نهایتاً سه یا چهار چشم‌انداز را در درون خود تعریف می‌کند. در شهرهای بسیار موفق تنها دو چشم‌انداز در برنامه استراتژیک شهر تدوین شده است. به عنوان نمونه ۲۰ سال پیش میلان تصمیم گرفت روند توسعه خود را از شهر صنعتی و پر از کارخانه و دود، به گونه‌ای دیگر تغییر دهد. بنابراین شاخص‌های خود از جمله شهر هنر و نقاشی و لئوناردو داوینچی را پررنگ کرد و با توجه به علاقه مردمان آن به فشن و مد، محور توسعه خود را به این سمت برد و شعار "فشن اند دیزاین" را انتخاب کرد. بر این اساس، تمام اقشار و گروه‌های مختلف آن واقعا به این چشم‌انداز پایبند بودند و حتی از نقد نیز هراسی نداشتند. همچنین در راستای این چشم‌انداز، در تمام سال برای آن برنامه‌های مختلفی از جمله هفته مد، هفته غذا، اکسپو ۲۰۱۵ و ... را برنامه‌ریزی کردند. مشابه این امر در مورد اصفهان، بهره‌برداری از مدل شهر خلاق است که کپی‌برداری از طرح "ریچارد فلوریدا" است که برخی شاخص‌های آن



با شاخص‌های فرهنگی اصفهان و ایران در تناقض است.

نوسان: اساساً مسیر حرکت مدیریت شهری را به سمت توسعه پایدار ارزیابی می‌کنید؟

ضرغام: مگر ما توسعه پیدا کردیم که بخواهد پایدار نیز باشد. فقط شهر ما بزرگ و جمعیت آن زیاد شد و آرام آرام تکنولوژی آمد. در این فضا خیابان‌ها، خودروها و سبک و سیاق زندگی‌ها تغییر کرد. البته بخشی از این پیشرفت‌ها خوب بود. اما در بخش دیگر متأسفانه دانش بومی خود را از دست دادیم. اول از همه معتقدم که از کلمات به گونه‌ای سطحی همانند حباب استفاده می‌کنیم. اول به سمت توسعه عمرانی حرکت می‌کنیم، اما بعد از آن که محیط زیست از بین رفت با اضافه کردن شاخص محیط زیستی، سعی داریم آن را پایدار کنیم. در حالیکه در واقع تمرکز اصلی ما هنوز رشد اقتصاد و صنعت در اصفهان است. از سوی دیگر در مسیر توسعه، ابعاد فرهنگی، کیفی و روح‌شهروندی، تعاملات و کنش‌های بین‌شهروندان و تعلق خاطر افراد به محلات از بین رفته است. ما با توسعه شهرها موجب افزایش جمعیت شدیم و با وجود اینکه، اغلب ساخت و سازها مشکل دارند، شهرداری برای جبران کسری بودجه خود، تنها با یک راهکار، با ارائه تخفیف مردم را تشویق به ساخت و ساز می‌کند. متأسفانه مدیریت شهری حوزه تصمیم‌گیری شهری را رصد نمی‌کند که در کدام مناطق باید ساخت و ساز شود؛ و در کدام نشود. بنابراین معتقدم که ما توسعه مدار نشده ایم، چرا که روح‌شهروندی و احساس تعلق خاطر در شهروندان و تغییر فرهنگ و نگرش در این حوزه در آنها روی نداده است.

خاتون آبادی: البته همین مردم زمانیکه از کشور خارج می‌شوند، سعی دارند به روح حاکم بر آن جامعه احترام بگذارند و در آن جامعه درست عمل کنند. به اعتقاد من شورای شهر باید میثاقی برای فردی که کاندیدا و در نهایت انتخاب می‌شود، تدوین کند و افراد منتخب باید در دوره‌های آموزشی شرکت کنند تا به آنها بگوییم یکی از رسالت‌های شمایحی توجه به رسالت‌های شهری، قانونمند کردن شهر است. اگر باب قانونمندی و سازوکارهای آن ایجاد شود، افراد مسئول و پاسخگو تربیت خواهند شد. اگر این مولفه‌ها در شورای شهر در قالب قانون تدوین شود باید به شکل تعهدآمیزی در بیاید. مثلاً در این فضا هنر، تولید کارخانه‌های جدید پسماند نیست و اگر کسی ضوابط شهری را رعایت نکرد و پسماند تولید کرد باید جریمه شود. ما باید به سمت معیارهای تازه برویم و بگوییم که ساکنان شهر در شکل‌گیری یک محله، مسئول هستند. ما باید افراد را به صورت اجتماع ببینیم. اگر آن اجتماع جریمه و پاداش بگیرد، اعضای آن جامعه به یکدیگر تذکر می‌دهند. حریم ما عدم تجاوز از منابع شهری است. ما نمی‌توانیم منابع آب را بی نهایت مصرف کنیم و بعد بگوییم از محل دیگری آب منتقل شود. استنباط من این است برنامه‌ریزی‌های شورای شهر باید به سمت قانونمند کردن مردم برود. مردم را نمی‌توان به شکل احاد جامعه دید؛ بلکه آنها باید به صورت گروه‌ها در نظر گرفته شوند. از طرف دیگر محلات، شخصیت حقوقی پیدا کنند و همزمان باید فرمانداری، استانداری، شورای شهر

■ **ریعی:** بحث پاسخگویی نیاز به مانیتورینگ و پایش دارد. سوا از وعده هادر برنامه ریزی نیازمند پایش هستیم. البته اینکه ما اعداد و ارقام را تغییر می دهیم، بحثی دیگر است. ما باید یک رصدخانه شهری برای مدیریت شهر داشته باشیم. متاسفانه در این خصوص نیز اختلاف نظر ایجاد شد. از یک سو شهرداری خود را متصدی و از سوی دیگر شورا خود را متصدی رصد و پایش می داند. اما به اعتقاد من، این رصدخانه باید با ترکیبی از هر دو نهاد تشکیل گردد تا مدام شاخص ها را در حوزه های تدوین و اجرا رصد کند. به نظرم باید با خودمان رو راست باشیم. یکی از راهکارها شفاف سازی است. واقعا مسائل محیطی زیستی و اقتصادی باید پایش شود. امروز از جمعیت دو میلیون نفری اصفهان، یک میلیون آن مهاجر هستند و ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر آنها نسل دومی هستند که پدرانشان مهاجر بودند. حال باید دید ما برای آنها برنامه داشته ایم. یقینا نمی توانیم جلوی مهاجرت مردم از شهرهای دیگر را بگیریم و برنامه ای برای آن نداشته باشیم.

❖ **نوسان:** بیشتر تاکید ما بر این امر استوار است که چطور می توان شورای شهری پاسخگو در حوزه های زیست محیطی و آسیب های اجتماعی تشکیل دهیم؟

■ **خاتون آبادی:** تصور می کنم این به محله ها برمی گردد. اگر از مدیریت بالا به پایین شروع کنیم و کارخانه باز یافت را زیاد کنیم و کاری به افزایش زیاده نداشته باشیم مشکل همچنان باقی می ماند. معتقدم باید وارد خانه های مردم شویم و محلات را توسعه و به آنها شخصیت حقوقی بدهیم که این امر به شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت پذیری مردم کمک می کند. معتقدم شورای شهر باید از مردم برای اجرای برخی طرح ها سوال کند. همچنین باید بداند که برای اتفاقاتی که در شهر تصویب می کند، باید به جامعه پاسخگو باشد.

❖ **نوسان:** این گونه کنش ها نیازمند تخصص است بنابراین باید برای افرادی که وارد شورا می شوند شاخص هایی داشته باشیم تا بعدا آنها بتوانند پاسخگوی ما باشند. این شرایط چگونه ایجاد می شود؟

■ **خاتون آبادی:** ما نباید الزام بگذاریم، کسی که وارد شورا می شود کاملا متخصص باشد. شورا باید ساختار بسیار مستحکم، قانونمند و قوی در بحث قانونی خود داشته باشد. فکر می کنم، همین که کسانی را برای شورا انتخاب کنیم که اعتقاد به این داشته باشند که لایمی دانند و نیاز به مشورت دارند، بسیار اهمیت دارد. اینکه اصفهان پایتخت فرهنگ و تمدن و شهر خلاق است، بسیار مهم و با ارزش است؛ اما تاکید دارم که باید شهر اخلاقی مدار را بنیان نهاد. معتقدم شورای شهر، باید اصفهان را پایتخت اخلاق کند. بگذارید برای اولین بار بجای اینکه بگوییم اصفهان پایتخت صنعت ایران، این شهر را به عنوان پایتخت اخلاق مداری معرفی کنیم. البته نه در شعار بلکه در واقعیت؛ برای تحقق شهر اخلاق مدار، باید شاخص های کیفی و سنجشی مدیریت شهری را از کالبدی و عمرانی به شاخصه های اخلاقی تغییر دهیم. اگر این نگرش در شورای شهر تبلور یافت، دیگر برای پل سازی ها و طرح های عمرانی شهرداران، دست نمی زند و تشویق نمی کند. همچنین نکته دیگر در بحث توسعه پایدار، اولویت های غلط است. همه این ها زمانی حل می شود که یک منشور اخلاقی استوار و محکم، توأم با مانیتورینگ داشته باشیم و کانال های آن به طور واضح و شفاف در اختیار مردم قرار گیرد.

پانوش

برنامه ریزی اجتماع محور

محله محوری به معنای توسعه پایدار و درون زاست؛ این توسعه از بالا به پایین نیست و برنامه ریزی و برنامهریزی آن در واقع به وسیله مردم و برای خود مردم است. ما باید برای محلات برنامه ریزی داشته باشیم. متاسفانه ما برای تمام محلات خود از بالای شهر تا پایین شهر، تنها یک برنامه داریم که این بسیار غیر اصولی است. یعنی بدون اینکه بافت فرهنگی محلات را در نظر بگیریم، برنامه نوشته ایم. متاسفانه برنامه ریزی ما اجتماع محور نبوده است. در برنامه ریزی اجتماع محور باید به محلات به صورت مستقل نگاه کند چرا که این محلات در کنار هم هستند و شهر را شکل می دهند؛ در غیر این صورت شهر از بیرون بزرگ و از درون تهی خواهد شد که موجب ناامنی، آسیب های اجتماعی و آسوب های زیست محیطی می شود. در این شرایط سرمایه گذاران اصفهانی از این شهر دفع می شوند و در شهرهای دیگر سرمایه گذاری می کنند.

و ... محلات را به رسمیت بشناسند و هر محله ای کدی داشته باشد. متاسفانه ما هنوز در اصفهان کار اساسی در این خصوص نکرده ایم.

■ **ضرغام:** اکنون موضوع محله محوری در برخی تبلیغات شهری به چشم می خورد، درحالیکه محله محوری به معنای توسعه پایدار و درون زاست؛ این توسعه از بالا به پایین نیست و برنامه ریزی آن در واقع به وسیله مردم و برای خود مردم است. ما باید برای محلات برنامه ریزی داشته باشیم. متاسفانه ما برای تمام محلات خود از بالای شهر تا پایین شهر، تنها یک برنامه داریم که این بسیار غیر اصولی است. یعنی بدون اینکه بافت فرهنگی محلات را در نظر بگیریم برنامه نوشته ایم. متاسفانه برنامه ریزی ما اجتماع محور نبوده است. در برنامه ریزی اجتماع محور شهری، باید به محلات به صورت مستقل نگاه کرد چرا که این محلات در کنار هم شهر را شکل می دهند؛ در غیر این صورت شهر از بیرون بزرگ و از درون تهی خواهد شد که موجب ناامنی، آسیب های اجتماعی، آسوب های اقتصادی و زیست محیطی می شود. در این شرایط سرمایه گذاران اصفهانی از این شهر دفع می شوند و در شهرهای دیگر سرمایه گذاری می کنند. امری که در اصفهان رخ داده و سرمایه گذاران از آن فراری هستند. مثلا در تهران موضوع محله محوری از سال ۸۰ آغاز شد و خود شهرداری، شورایارها را ایجاد و محلات را تقسیم کرد؛ این رویکرد خوبی بود، متاسفانه در اجرا دچار تنش و نوسان شد و فضای مشارکتی بیشتر رنگ و بوی سیاسی به خود گرفت. متاسفانه در اصفهان این خلا وجود دارد. ما امروز در اصفهان به نقطه بحرانی رسیده ایم، اما جای خوشبختی است که به نقطه غیر قابل برگشت نرسیده ایم. چرا که ساختار اجتماعی و روح شهروندی خود را حفظ کرده ایم. تنها راهی که می تواند اصفهان را نجات دهد مشارکت سمن های مختلف است. اگر هر محله ای سمن کوچکی در حوزه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، محیط زیستی و ... داشته باشند بیشتر به موفقیت دست می یابند.

❖ **نوسان:** با توجه به نزدیکی انتخابات شوراها، چگونه می توان رویکرد پاسخگویی در حوزه های محیط زیست و آسیب های اجتماعی را به نهاد پارلمان تصمیم گیر القا کرد؟



مدیران دو گانه سوز

■ موجودیت اصلاح طلبی با تحول خواهی شکل می گیرد



سید محمد حسن طاهری معتقد است که اگر به شورای شهر تنها نگاه بومی داشته باشیم و مانند اکنون از حضور افراد غیر متخصص بهره می گیریم که آشنا با فرهنگ سازی و مدیریت کلان شهر سازی نباشند و صرفاً هدف آن ها حضور در نهادهای باشد که از آن پلکان به مراحل بعدی صعود کنند شاهد فرست سوزی تاریخی و غیر قابل اغماضی خواهیم بود.

"فرزند آیت الله طاهری"، تأکید کرد: متأسفانه برخی احساس نمی کنند شورای شهر مسئولیتی سنگین دارد که در بعضی موارد تأثیرات آن از حضور در مجلس ملی نیز بیشتر و به همین دلیل مسئولیت عضویت در آن نیز سنگین تر و حساس تر خواهد بود. وی تأکید کرد: اگر نگاه به آینده نداشته باشیم شاهد فاجعه ای همانند چهل سال گذشته خواهیم بود که تنها خواستیم در همان مقطع مردم را راضی نگه داریم و موجب شد امروز زاینده رود به این وضعیت دچار شود و یا صنایع سنگین و آبخوار عامل آلودگی های زیست محیطی و تغییرات اکوسیستمی شوند. وی با تأکید بر اینکه مردم در این فضا باید مسئولانه عمل کنند و برای شورا افراد را براساس شخصیت و محبوبیت آن ها انتخاب نکنند، تصریح کرد: متأسفانه اصفهان در زمینه های مختلف از جمله زیست محیطی و مدیریت شهری افول فراوانی داشته است. وی ادامه داد: اصفهان در دهه ۶۰ با وجود جنگ، شهری مدرن بود و توسعه مدنی و شهری همزمان با وظایف انقلابی و اجتماعی در آن به خوبی پیاده می شد؛ اما بعد از آن حرکت کند و در برهه ای از زمان با تصمیمات نادرست متوقف شد؛ مخصوصاً تصمیماتی که در خصوص زاینده رود و تقسیمات حقایق آن و ... گرفته شد. وی یادآور شد: تمام این اتفاقات موجب افول شهر شد تا جایی که امروز ما شاهد ناامیدی، کاهش انگیزه های فرهنگی و اجتماعی و حتی مهاجرت از این شهر هستیم. امروز سهم اصفهان در دولت و مدیریت کشور پائین است چرا که روح سرخوردگی مدیریتی در شهر حاکم شد.

طاهری، اما در خصوص ضرورت حضور جوانان در شورای شهر و اینکه آیا فضا در این دوره مهیا شده، گفت: حضور جوانان در هر مقطعی انگیزه ها را مضاعف می کند؛ اما خطری بی تجربهگی ما را تهدید می کند؛ چرا که کشور دیگر ظرفیت آزمون و خطا را ندارد و این ظرفیت دیگر در اجتماع، اقتصاد و حتی در بنیان های زیست محیطی و ... وجود ندارد.

عضو هیئت امنای دانشگاه آزاد استان اصفهان در خصوص کارکردهای حزبی و آثار آن در شوراهای

، معتقد است: ساختار احزاب در ایران، در روزهای نزدیک به انتخابات شکل می گیرد، به این معنا که احزاب نقش واقعی خود را که در قانون اساسی عنوان شد، ایفا نمی کنند. وی افزود: در مقطعی حزب جمهوری اسلامی با تمام قوا و با شخصیت های بزرگی وارد عرصه کار شد و تنها حزبی بود که توانست حدود ۵ سال مقاومت کند اما سرانجام منحل شد. وی با اشاره به پارادوکسیکال بودن بعضی از بندهای قانون اساسی که می تواند مانع وجود احزاب با دوام و کارساز در تشکیل نهادهای سیاسی و اجتماعی باشد، گفت: متأسفانه ساختار سیاسی ایران حزب پذیر و حزب گرا نیست و احزاب تنها در زمان انتخابات وارد می شوند و مثل رودخانه های فصلی تا بهار بعدی ناپدید می شوند. البته مردم نیز به احزاب نگاه جدی ندارند و بیشتر شخصیت ها هستند که به لیست ها بافت و شکل می دهند. از سوی دیگر نیز احزاب برنامه های مدون و قابل اجرا و کلاً برنامه های کلان نگر برای بخش های ملی و منطقه ای و حتی جهانی ندارند.

طاهری با اشاره به بی تجربهگی بسیاری از احزاب از جمله اصلاح طلبان در عرصه و عرضه خود، گفت: اصلاح طلبی جریانی کاملاً فطری بوده که با شخصیت و شخص تعریف نمی شود و موجودیت آن با تحول خواهی شکل می گیرد و شرط دوام و بقای آن حضور و ثبوت در همه عرصه های کشور است.

وی با تأکید بر اینکه در بخش شوراها در این دوره نیز موانع فراوانی در اصفهان وجود دارد، تصریح کرد: متأسفانه دولت آقای روحانی نتوانست از اصفهان که می توانست یک پتانسیل بزرگ برای وی باشد، پشتوانه مناسبی برگیرد؛ به اعتقاد بنده، اقصای روحانی در دوره چهار ساله اصفهان را از دست داد چرا که در انتخاب مدیران اصلی اشتباهات مهلکی داشت و فرصت های انتخاباتی را به دلیل وجود مدیران دو گانه سوز بر باد داد. ما نمی دانیم بر سر کاندیداهای حامی دولت توسط هیئت ها چه خواهد آمد و آیا اتفاقات قبلی و مکرر باز هم تکرار خواهد شد؟

وی اما در خصوص حضور کمرنگ زنان در پست های بالای شهری، اظهار داشت: بخشی از این اتفاق به خود زنان برمی گردد؛ اگر آن ها این امکان را داشتند که توانایی های بالقوه خود را برای تصدی مناصبی که مناسب شأن و لیاقت آن ها باشد بیشتر عرضه کرده و به استانداردهای مناسب برای سمت های بزرگتر می رسیدند حتماً کمیت حضور آن ها بیشتر بود. کما اینکه امام (ره) مکرراً پیروزی انقلاب و تثبیت نظام را مدیون حضور آن ها می دانست اما به جز موانع موجود و قدرتمند برای حضور در نیمه جامعه انسانی، خود آن ها نیز در رسیدن به شاخص ها منفعل و کم تأثیر بوده اند. اگر توانایی های بالفعل این نیمه حیات بیشتر باشد مثل آب راه خود را می یابد. وی همچنین تأکید کرد: می توان زمینه های رشد و مسئولیت بخشی زنان در بخش هایی مانند مدیریت موضوعاتی همچون محیط زیست، هنر، ارتقاء فرهنگ و آموزش، درمان و ... را فراهم کرد. البته در بخش هایی شاهد مقاومت برای حضور آنان هستیم.

۹۹

روحانی در دوره چهار ساله اصفهان را از دست داد چرا که در انتخاب مدیران اصلی اشتباهات مهلکی داشت و فرصت های انتخاباتی را به دلیل وجود مدیران دو گانه سوز بر باد داد



عباس عبادتی

پوست اندازی در مدیریت

■ جوانان و انتخابات؛ چرا جوانان عقب ماندند؟

نوشتار زیر، مطلب عباس عبادتی در روزنامه ایران مورخ شانزده فروردین ماه جاری و کانال "آینده" است. "نوسان" با کسب اجازه از ایشان با توجه به مناسبت امر این مطلب را باز نشر می نماید.

به ظاهر و حتی به واقع چنین برداشت می شود که بیشتر جوانان اعم از اینکه طرفدار یا مخالف انقلاب یا نظام باشند و یا در میان طرفداران انقلاب جزو کدام جناح اصول گرا یا اصلاح طلب باشند، نسبت به موقعیت خود معترض و منتقد هستند و چنین برداشتی دارند که نسل پیش از ما، به ویژه آنان که در انقلاب بوده اند راه را بر حضور آنان بسته اند. در سال های اخیر دولت پیش کوشید که از این زمینه استفاده کند و بخشی از جوانان را به خود جذب نماید؛ ولی چون در اجرای این کار هدف دیگری داشت، بخشی از بی صلاحیت ترین آنان را مصدر امور کرد و چنان کلاه گشادی بر سر جوانان گذاشت که برخی را نسبت به اعتراض به حق جوانان بدبین کرد. اکنون که در آستانه دو انتخابات ریاست جمهوری و شوراها هستیم مسئله جوانان و حضور آنان در رده های مدیریتی دوباره مطرح شده است. در انتخابات شوراها در قالب نامزدهای جوان تر و در انتخابات ریاست جمهوری، در ذیل سیاست جوان گرایی در کابینه نامزد پیروز.

همچنین هر گاه کفگیر مدیریت جامعه به ته دیگ می خورد؛ برخی از دست اندر کاران به عنوان یک راه حل، باز کردن راه را برای حضور جوانان توصیه می کنند در حالی که به نظر بنده مشکل اساسی همین باز کردن راه برای جوانان است؛ یعنی تا هنگامی که اختیار باز و بسته کردن راه برای حضور مردم از جمله جوانان، در عرصه سیاست دست یک عده افراد معدود باشد، مشکل کشور حل نخواهد شد؛ چون همان کسی که راه را برای حضور جوانان باز کند، فردا می تواند این راه را ببندد؛ ضمن اینکه معلوم نیست به جوانان لایق اجازه ورود دهد و از این نظر حضور جوان لایق بهتر از پیر نالایق نیست. در واقع مشکل ما حضور یا عدم حضور جوانان در مناصب مدیریتی نیست، بلکه مسئله اصلی این است که توزیع پست ها بر اساس لیاقت صورت گیرد. اگر چنین شود، به نظر بنده به طور طبیعی جوانان لایق بالا خواهند آمد.

جوان گرایی به معنای امتیاز ویژه داده به جوانان نیست، بلکه باز بودن راه برای حضور هر کسی است که صلاحیت عهده دار شدن کاری را دارد. چرا این اتفاق به جوان گرایی منجر خواهد شد؟ و چرا در

ایران چنین اتفاقی رخ نداده است؟ وضعیت متحول فناوری و دانش و سرعت تحولات به گونه ای است که نیروهای پا به سن گذاشته کمتر قادر هستند که خود را با تحولات دانش و فناوری ها انطباق دهند؛ لذا در صورت وجود رقابت، بسیاری از جوانان پیروز خواهند شد؛ ولی در ایران و برخی جوامع مشابه به دلایل خاصی این راه بسته است. یک علت اصلی آن موانع غیر معقول برای حضور در یک پست مدیریتی و سیاسی است. موانعی که فراتر از رقابت و صلاحیت های عمومی است؛ این موانع نه فقط در ساختار رسمی قدرت، بلکه در نهادهای مدنی و غیر رسمی نیز دیده می شود. نهادهایی که به صورت ساختارهای پدرسالار و مبتنی بر اعتبار افراد مؤسس آن شکل گرفته اند، و اجازه حضور آزاد به دیگران را نمی دهند. علت دیگر مربوط به جوامعی می شود که انقلاب کرده اند. در هر انقلابی نیروهای جوان حضور مؤثرتری دارند. این حضور در مبارزه پیش و پس از انقلاب وضعی را ایجاد می کند که آنان خود را صاحب و به قول معروف دارای حق نسق یا حق آب و گل در انقلاب تصور می کنند و حفظ انقلاب را معادل با حضور خود تلقی می کنند و چون از جوانی روی کار می آیند تا پایان عمر و برای مدت زیادی همچنان کرسی های مدیریتی را به انحصار خود می آورند. برای نمونه میانگین سنی هیئت دولت ایران در اوایل انقلاب حدود ۳۸ سال بود که اکنون به حدود ۶۳ سال رسیده است. به عبارت دیگر در ۳۵ سال گذشته ۲۵ سال بر میانگین سنی آنان اضافه شده است، گویی که همان ها همواره در مسند امور بوده اند و این به تعبیر دیگر یعنی شکست آنان. چرا که نتوانسته اند محیطی را فراهم کنند که افرادی بهتر از خودشان پرورش پیدا کنند و اگر آنان دویست سال هم عمر کنند، همچنان خود را لایق ترین فرد می دانند!!

با این ملاحظات در مورد مسئله جوان گرایی در دو انتخابات پیش رو باید تجدید نظر اساسی کرد. اگر چه بالا بودن سن دولت فعلی در زمان روی کار آمدن به دو دلیل قابل فهم بود؛ اول اینکه باید از مجلس اصول گرا و تندروی قبلی رأی اعتماد می گرفت. به همین دلیل افراد به نسبت شناخته شده ای را پیشنهاد کردند تا رأی لازم را بیاورند و اگر افراد جدیدی که کمتر شناخته شده اند، معرفی می شدند به احتمال قوی رأی اعتماد به آنان نمی دادند. علت دوم این است که در ۸ سال دولت احمدی نژاد شکافی جدی در عرصه مدیریت کشور ایجاد شد که امکان ارتقای جوانان با نگرشی متفاوت از آن دولت، حداقل به مدت ۸ سال از میان رفته بود و جوانی که رأی آور هم باشد برای معرفی به نظر نمی رسید. از این رو بالا بودن میانگین سن این دولت قابل فهم بود، ولی برای دولت بعدی باید قول روشن و دقیقی داده شود. پیشنهاد می شود به طور صریح گفته شود که میانگین سنی دولت آینده برای مثال به حدود ۵۰ سال خواهد رسید. این یکی از مهم ترین اقداماتی است که برای یک پوست اندازی اساسی در امور مدیریتی داریم، در مورد نامزدهای انتخاباتی شوراها نیز، پیشنهاد می شود که لیست نامزدهای هر حوزه، ترکیبی از نسل جدید و قبلی که حداقل نیمی از آنان افراد جدید که زیر ۴۰ سال سن دارند، باشند. بدون چنین تحولی ممکن نیست که نیروهای سیاسی از پله های خود ساخته بیرون بروند. البته مسئله اصلی سن نیست، صلاحیت است که باید در قالب سن و جوانی متبلور شود.



پیشنهاد می شود که لیست نامزدها، ترکیبی از نسل جدید و قبلی که حداقل نیمی از آنان افراد جدید زیر ۴۰ سال باشند

نسل اول باید پاسخگو باشد

■ باید از آن انباشت تجربه ها، میوه چینی می کردیم

اینکه آیا اکنون این گونه است یا نه، بحث دیگری می طلبد. مدیریت شهری باید بخشی از دپارتمان فعالیت احزاب باشند و بر اساس این ظرفیت باید شورای سیاستگذاری، برنامه ریزی، کمیسیون های تخصصی در حوزه های مختلف داشته باشند. احزاب تقویت کننده کار گروهی، شوراهای محلی و پاسخگو بودن قدرت هستند. تأکید می کنم احزاب عقلانیت و تجربه انباشته شده در بخش های مختلف را به بدنه جامعه، مدیریت و... تزریق می کنند؛ همه این مباحث و سایر بحث ها که مجال آن در این گفتگو نیست نشان می دهد که رکن اساسی مدیریت شهری بر پایه احزاب است.

❖ راهکار مناسب برای نقد و بررسی، همچنین تبیین عملکرد شورای شهر توسط احزاب برای مردم به نظر شما چاره روشی باید صورت پذیرد؟
با تشکیل کمیته ها و کارگروه های مدیریت شهری (که جزئی از برنامه احزاب هستند) در ارائه برنامه ها، شاخص ها و مصداق ها، امکان نقد و پایش وجود دارد و گرنه بحث ها عمدتاً سلیقه ای، فردی، جناحی و شانس می شود. باید گفت در صورتی امکان نقد توسط احزاب وجود دارد که ساختارهای یاد شده را در خودشان دیده باشند و بر اساس آن چارچوب اقدام به شفاف سازی و نقد نمایند.

❖ با توجه به مشکلات دولت و ضرورت رونق و توسعه شهرها چقدر می توان این ادعا را درست دانست که شوراهای توانمند و برنامه می توانند با اتکا به ظرفیت و پتانسیل شوراهای و شهرداری، جریان رونق و توسعه شهرها بویژه کلان شهرها را رقم بزنند؟

اگر مدیریت شهری را نقش اصلی شوراهای بدانیم و از کارکرد مدیریت شهری آگاهی داشته باشیم، قطعاً شوراهای و شهرداری ها می توانند به عنوان بازوی اصلی تولید، اشتغال، رونق اقتصادی و توسعه پایدار باشند و دولت و مجلس به عنوان اتاق فکر و استراتژیک کلان مدیریتی، به این روند کمک می کنند.

❖ به نظر شما چرا شاهد حضور زنان در اصفهان و سایر کلانشهرها در پست های معاون شهردار، شهردار یا شهردار منطقه نیستیم؟ این امر نشانه چیست؟

بنده با تفکیک جنسیتی خیلی موافق نیستیم. اگر در احزاب کمیسیون های تخصصی، مدیریت شهری، شورای سیاستگذاری و... وجود داشته باشد، آن گاه هر انسانی فارغ از جنسیت در چارچوب برنامه ها ورود می کند، مهم آن است که برنامه، محور و مبنای توسعه پایدار قرار گیرد، نگاه جنسیتی در میان مدت و بلندمدت زیاد معلوم نیست که به نفع زنان باشد.

❖ و کلام آخر؟

به اعتقاد بنده اصفهان نیاز به توسعه پایدار بر مبنای آمایش سرزمین، ظرفیت های زیست محیطی، نگاه قرن بیست و یکمی و مدرن بر اساس فناوری های نو و مدرن دارد. اگر می خواهیم این استان تولید کننده، توزیع کننده و صادر کننده در بخش های مختلف از جمله مدیریت شهری باشد، نیاز به تعریف اولویت های ذکر شده دارد و باید در همین راستا اقدام و عمل کند.

نسل اول باید پاسخگو باشد و اگر امکان اصلاح وجود دارد، اصلاح کنند



مهدی تر کاشوند، معتقد است که نسل اول باید پاسخگو باشد و اگر امکان اصلاح وجود دارد، اصلاح کند. عضو شورای مرکزی کارگزاران سازندگی استان اصفهان، در عین حال تأکید دارد که دهه اول انقلاب نیست که بخواهیم دوباره هزینه تجربه اندوزی کنیم؛ ما باید از آن انباشت تجربه، اکنون میوه چینی می کردیم. گفت و گوی ما را با مشاور مدیر کل محیط زیست استان اصفهان می خوانید.

❖ به نظر شما اولویت های مهم شورای شهر کدام است. آیا این اولویت ها به درستی شناخته شده است؟

به اعتقاد بنده مباحث زیست محیطی، گردشگری، توسعه فناوری و اطلاعات نو، توسعه بر مبنای آمایش سرزمین و در یک کلام توسعه پایدار بر اساس ظرفیت های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی با محوریت مباحث زیست محیطی باید از اولویت های اصلی شورای شهر باشد که متأسفانه آن ها به دلیل عدم آگاهی عمومی و محافل تصمیم ساز و تصمیم گیر، عدم انباشت تجربه مدیریتی در حوزه های زیست محیطی، گردشگری، توسعه پایدار و آمایش سرزمین و تفکر و مدیریت قرن بیستم در استان به درستی شناخته و پیاده نشده است.

❖ با توجه به حضور پررنگ نسل دوم و سوم نسبت به نسل اول، دو قطب سنی موجود در این دوره شوراهای تاجچه حد در صه بروز و ظهور قشر های متعدد و خواهان تغییر و تحول خواهد بود؟
این موضوع کاملاً جدی و پررنگ است؛ اما ای کاش ارتباط نسلی وجود داشت و تجارب به صورت درست انتقال پیدا می کرد. متأسفانه اکنون با سبیلی از نسل دوم و سومی روبرو هستیم که کمتر آموزش دیده و کمتر تجربه دارند و در عین حال بعضاً پرخاشگر هستند. نسل اول باید پاسخگو باشد و اگر امکان اصلاح وجود دارد، اصلاح کنند. دهه اول انقلاب نیست که بخواهیم دوباره هزینه تجربه اندوزی کنیم. ما باید از آن انباشت تجربه، اکنون میوه چینی می کردیم. توصیه ام به هم نسلی ها این است که تکرار گذشته در بخشی از موارد را نداشته باشیم و هزینه های گزاف به جامعه تحمیل نکنیم.

❖ شوراهای ناماد توزیع قدرت و تحکیم جمهوریت هستند. اگر این تعریف را قبول داشته باشیم، نقش احزاب در تشکیل شورای کار آمد چیست؟ و با چه روشی می توانند این وظیفه را به سرانجام برسانند؟

احزاب نماد دموکراسی، قدرت، مدیریت، مردمی بودن، تصمیم سازان و تصمیم گیران باید باشند،



با تشکیل کمیته ها و کارگروه های مدیریت شهری در ارائه برنامه ها، شاخص ها و مصداق ها، امکان نقد و پایش وجود دارد و گرنه بحث ها عمدتاً سلیقه ای، فردی، جناحی و شانس می شود

پانوش

حذف نگرش سنتی

تفاوت در مفاهیم، اهداف و آرمان های بین نسلی، امری طبیعی است و به روز بودن نسل جدید با رویکرد توسعه ای در شهرها ضرورت حضور در مبحث انتخابات شورای شهر و تصاحب کرسی های بیشتر را ضروری می کند. حذف نگرش سنتی در اداره شهر و پرداختن به مدیریت علمی و استفاده از توان تخصصی پژوهشگران و کارشناسان مدیریت شهری از ضروریات اداره کلانشهرهای بزرگی همچون اصفهان است. حذف نگرش سنتی در اداره شهر و پرداختن به مدیریت علمی و استفاده از توان تخصصی پژوهشگران و کارشناسان مدیریت شهری از ضروریات اداره کلانشهرهای بزرگی همچون اصفهان است.

های بین نسلی، امری طبیعی است و به روز بودن نسل جدید با رویکرد توسعه ای در شهرها ضرورت حضور در مبحث انتخابات شورای شهر و تصاحب کرسی های بیشتر را ضروری می کند. حذف نگرش سنتی در اداره شهر و پرداختن به مدیریت علمی و استفاده از توان تخصصی پژوهشگران و کارشناسان مدیریت شهری از ضروریات اداره کلانشهرهای بزرگی همچون اصفهان است. انتخاب جوانان متخصص، نخبه و حضور آنان در قانونگذاری شهری از موارد مهمی است که باید در دوره پنجم شورای شهر اصفهان تحقق یابد.

شوراها نهاد توزیع قدرت و تحکیم جمهوری است، به اعتقاد شما نقش احزاب در تشکیل شورای کارآمد چیست؟ و با چه روشی این وظیفه به سر انجام می رسد؟

مهم ترین مشکل در انتخابات شوراها پرداختن به مسائل قومی، محله ای و دسته بندی هایی از این نوع است و در مدت کم تبلیغات انتخاباتی هیچ مکانیزم مناسبی برای شناسایی نامزدهای انتخابات شورا که مسئولیت امر مهم شوراها را بر عهده می گیرند و در جهت وظایف آن عمل می کنند، وجود ندارد. البته یکی از مکانیزم های کارآمد می تواند احزاب و تشکلات سیاسی باشند که به شهروندان برای انتخاب اعضای ذی صلاح، صاحب تجربه، توان و بینش کمک می کند، حزب سیاسی ما اگر به دنبال شوراها کارآمد است، نباید الزاماً سیاسی ترین افراد را برای این نهاد نامزد کند بلکه باید کارآمدترین افراد را به مردم معرفی کند. شورا یک نهاد مدنی است و باید در انجام فرایند معرفی از میان احزاب مختلف و همفکران خود، "بازترین، مجرب ترین و کارآمدترین" افراد را در ارتباط با وظایف شورا که همان مدیریت شهری است، معرفی نماید. مردم انتظار دارند اعضای شوراها نه به دلیل تعلقات سیاسی، بلکه با داشتن تخصص حرفه ای و کارشناسی، بتوانند معضل ترافیک، میلان شهری، محیط زیست، بهداشت و مناسبات سالم اجتماعی را مطرح و با برنامه های کارشناسی مشکلات آن ها را مرتفع کنند.

به نظر شما نقد و بررسی و همچنین تبیین عملکرد شورای شهر توسط احزاب برای مردم با چه روشی باید صورت گیرد؟

معتقد مشارکت مردم و نظارت عمومی مؤثر می تواند در دو مرحله راهگشا باشد. نخستین مرحله در بررسی سوابق نامزدهای انتخاباتی و انتخاب شایستگان با حضور حداکثری و سپردن سرنوشت چهار ساله شهر خود به دست افراد توانمند و مرحله دوم اینکه نمایندگان منتخب خود را همیشه در خصوص مسائل مربوط به شهر مورد سؤال قرار دهند. یکی از اشکالات بعد از انتخاب شدن این است که پاسخگویی نمایندگان شورا در مقابل مردم به حداقل می رسد؛ چرا که حضور مردم صرفاً تا انتخابات معنا پیدا می کند. باید نقش مسئولیت پذیری و جوابگویی در مقابل جامعه را احزاب به صورت برنامه ریزی شده دنبال کنند.

با توجه به ضرورت رونق و توسعه شهرها چقدر شوراها می توانند و با برنامه می توانند با اتخاذ به ظرفیت و پتانسیل شوراها و شهرداری جریان توسعه شهرها و یژه کلانشهرها را رقم بزنند؟

پرداختن به اقتصاد شهری در شورای پنجم یک از موارد اولویت دار است. یکی از موارد مهم در اجرای پروژه های شهری اقدام برای فاینانس و جذب سرمایه گذاری خارجی و روش های مختلف سرمایه گذاری و مشارکت است که در سال های اخیر، شهرداری اصفهان گام های خوبی در این راستا برداشته است.



کارآمدترین به جای سیاسی ترین

■ احزاب باید کارآمدترین ها را به مردم معرفی کند

محمد مجیری، معتقد است که مردم انتظار دارند اعضای شوراها نه به دلیل تعلقات سیاسی، بلکه با داشتن تخصص حرفه ای و کارشناسی، بتوانند معضل ترافیک، میلان شهری، محیط زیست، بهداشت و مناسبات سالم اجتماعی را مطرح و با برنامه های کارشناسی مشکلات آن ها را مرتفع کنند. این فعال سیاسی، اقتصاددانی، تأکید دارد که تغییرات نسلی در شورای پنجم اصفهان امری حتمی است. مطابق قانون شوراها و اهداف آن، تشکیل این مهم در راستای پیشبرد سیر برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی و آموزشی است و قطعاً اولویت های این نهاد در این محدوده جای دارد. در این راستا شورای شهر نیاز به افراد شاداب، قوی و توانمند با انگیزه خدمت به مردم دارد و اگر افرادی با دید این که مردم ولی نعمت انقلاب هستند و خدمت به آنان عبادت است وارد شورا شوند، می توانند منشأ اثر واقع شوند. گفتگوی ما را با محمد مجیری معاون بازرگانی سازمان صنعت، معدن و تجارت می خوانید.

اولویت های مهم شورای شهر از نگاه شما کدام است و آیا این اولویت ها به درستی شناخته شده است؟

به نظر بنده اولویت های شورا در محدوده اهداف آن جای می گیرد؛ یعنی شورایی با تمام تخصص ها شکل گرفته و برنامه ای منسجم برای پیاده سازی این اهداف به کار گرفته شود. یقیناً اولویت های شهری تنها عمرانی نیست و اعضای آن باید در تمام موارد، دارای تخصص و برنامه باشند. به طور قطع اصفهان تحمل جمعیت بیش از اندازه را ندارد و زندگی در چنین کلانشهری آسان نخواهد بود. باید دید در سال های اخیر آیا رشد و توسعه شهری متناسب با افزایش جمعیت شهری بوده است؟ به نظر می رسد سرعت افزایش جمعیت، حاشیه نشینی و دغدغه های کلانشهری در این شهر زیادتر شده است. معتقدم حمل و نقل مناسب و درخور شان مردم و حمل و نقلی سبز که دغدغه تمام مسئولان است می تواند مرهمی بر زخم های این شهر باشد. زیباسازی سیمای منظر شهری، انتقال اصناف آلاینده و مزاحم و ایجاد شهرک های صنعتی از دیگر ضروریات شهر اصفهان است.

با توجه به حضور پرنسپل نسل دوم و سوم نسبت به نسل اول، دو قطب سنی موجود در این دوره شوراها تا چه حد در صحنه بروز و ظهور و تغییر و تحول را خواهند داشت؟

به نظر می رسد تغییر نسلی در این دوره شورای حتمی باشد. ثبت نام چشمگیر و حضور نسل دوم و سوم در انتخابات پیش رو نشانگر تغییر میانگین سنی شورای اسلامی شهر اصفهان به سمت نسل دوم و سوم خواهد بود و حتی حضور پرنسپل سوم را شاهد خواهیم بود. تفاوت در مفاهیم، اهداف و آرمان

برنامه ریزی یکپارچه شهری

■ چرا اولویت دارترین نیازمندی شوراهای شهر پیگیری نشد؟

کدامین شورا به صورت فعالانه و پیش کنشگرانه در دوره چهار ساله خدمت خود، این اولویت را پیگیری نمود؟!



بهروز نصر آزادانی

تنها برنامه راهبردی شهرداری است که به شورای شهر تحویل می شود. شورای اسلامی شهر که وظیفه اول، ذاتی، ضروری و کلیدی اش «سیاست گذاری و خط مشی گذاری» برای توزیع متوازن و متعادل خدمات شهری است، غافل و ناتوان از تنظیم چنین برنامه ای است.

چون مدیریت شهری علی الاصول یک مدیریت افقی است نه مدیریت عمودی؛ برنامه همه سازمان ها و نهادهای درگیر در مدیریت شهر باید به صورت افقی و هماهنگ در کنار یکدیگر جای گیرند. هیچ شهری بدون برخورداری از یک استراتژی منسجم و فراگیر نمی تواند به مزیت های رقابتی دست یافته و مسیر رشد و شکوفایی را با مشارکت همگانی و به سرعت پشت سر بگذارد. هرگاه چنین برنامه ای نصب العین شورا و مدیران شهر نباشد، یکی دیگر از مهم ترین وظایف شورا نیز که عبارت است از «نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورا و طرح های مصوب در امور شهرداری و سایر سازمان های خدماتی»، ابتر می ماند و باز هم محدود به امور شهرداری می شود. آیا دیده اید شوراهای شهر نسبت به تدوین و انتشار شاخص های توسعه شهری اقدام نموده، سازوکاری برای رصد آن ها محفلی برای بازنگری برنامه های دستگاه های ذی ربط (به جز شهرداری) جهت بهبود و تسریع در تحقق شاخص ها و برنامه های برای پاسخگویی به مردم در قبال بهبود، پیشرفت یا افت شاخص ها داشته باشند؟! در این حوزه نیز بیشترین پاسخگویی شوراها در قبال شاخص های متناظر با خدمات شهرداری هاست.

همه به یاد داریم که پس از کوتاهی و ناتوانی دولت در استقرار «مدیریت واحد شهری» در برنامه چهارم توسعه، در ماده ۱۷۲ برنامه پنجم به منظور از میان بردن تعارض ها و ناکارآمدی برخی از فعالیت های سازمان های درگیر در اداره شهرها و نیز با هدف جامعیت بخشیدن به مدیریت امور شهرها در یک منظومه منسجم و بهره ور، قید شد دولت مجاز است نسبت به تهیه «برنامه جامع مدیریت شهری» به منظور دستیابی به ساختار مناسب و مدیریت هماهنگ و یکپارچه شهری در محدوده و حریم شهرها و ارتقاء جایگاه شهرداری ها اقدام نماید. تحقق این ماده قانونی، مستقیم به شوراهای اسلامی شهرها برمی گردد، اما کدامین شورا به صورت فعالانه و پیش کنشگرانه در دوره چهار ساله خدمت خود، این اولویت را پیگیری نمود؟! در این رهگذر، بارها در مقالات و محافل متعدد گفته شد که بای توچهی دولت به مهم ترین و اولویت دارترین نیازمندی شوراهای اسلامی شهرها که همان «مدیریت یکپارچه شهری» است، شوراها خود نسبت به «برنامه ریزی یکپارچه شهری» اقدام نمایند که به زعم نگارنده، از اولویت های ناشناخته شورا توسط اعضای شوراهای شهرهاست که به رغم وجود بستر قانونی، نادیده گرفته شده و به دست فراموشی سپرده شده است.

آیا در نبود مهم ترین عنصر مدیریت شهری و مهم ترین ابزار شورای اسلامی شهر می توان گفت شورا توانسته (یا خواهد توانست) در جهت بهبود کیفیت و استاندارد زندگی در شهر، خوب عمل کند؟! در نبود وفاق و چنین برنامه ای، هر سخنی درباره عملکرد اعضای شوراها و اهداف نامزدها با هدف تخریب احزاب، گروه ها، افراد سیاسی و حتی نامزدهای مستقل توسط دیگر رقبای آن ها به منظور جلب توجه مردم و گردآوری رأی آن ها گرافه خواهد بود.

همیشه با فرارسیدن خزان هر دوره خدمتی از شوراهای اسلامی شهرها، کسانی هستند که از یک سو به بزرگنمایی کاستی ها و مشکلات شهرها و ارزیابی عملکرد شورا و اعضای آن با رویکرد بدبینانه پرداخته و از سوی دیگر نوید نوبهاری متفاوت را برای شهر در دوره بعدی شورا با حضور نامزدهای متخصص و متعهد خود می دهند.

سوی از سوگیری های حزبی و جناحی، بیان کاستی ها و سنجش عملکردها باید مبتنی بر برنامه ها و اولویت های توسعه شهری باشد. چرا که بدون در نظر داشتن این دو، مردم قادر به تشخیص درستی و نادرستی تحلیل ها و تجویزهای احزاب و گروه ها نخواهند بود. اما فارغ از مشکلات تاریخی و چالش های عینی شهرها که نقل هر محفلی است، بگذارید ببینیم برنامه ها و اولویت های هر شهری از دیدگاه وظایف و اختیارات شورای اسلامی شهر چیست؟ برای پاسخ به این مهم باید به تعریف مدیریت شهر رجوع کنیم.

بهترین تعریف از مدیریت شهری این است: فرآیند ایجاد، اجرا، هماهنگی و ارزیابی راهبردهای یکپارچه به کمک مقامات شهری با در نظر گرفتن اهداف عملیاتی بخش خصوصی و منافع شهروندان، در چارچوب سیاستی که در سطوح بالاتر حکومت برای تحقق پتانسیل توسعه اقتصادی پایدار تدوین می شود. بنا بر این تعریف، مدیریت شهری باید برای شهر برنامه ریزی کرده، فعالیت های شهری را سامان دهد، بر انجام فعالیت ها نظارت کند و حتی برای انجام بهینه امور، انگیزش لازم را در سازمان خود و دیگر سازمان ها و شهروندان به وجود آورد. اما نقش شورای شهر در این فرآیند چیست؟

مهم ترین و با اولویت ترین عنصر در تعریف یادشده، تنظیم یک برنامه راهبردی یکپارچه در بین دستگاه های ذی ربط در نظام مدیریت شهری برای توسعه شهر است که این مهم طبق قانون وظایف و اختیارات شوراها، بر عهده شورای اسلامی شهر گذاشته شده است. چرا که «بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی حوزه انتخابیه و تهیه طرح ها و پیشنهادهای اصلاحی و راه حل های کاربردی در این زمینه ها جهت برنامه ریزی و ارائه آن به مقامات مسئول ذی ربط» بر عهده این نهاد می باشد. طبق همین قانون، «واحدهای شهرستانی کلیه سازمان ها و مؤسسات دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی که در زمینه ارائه خدمات شهری وظایفی را بر عهده دارند، موظف اند برنامه سالانه خود را در خصوص خدمات شهری که در چارچوب اعتبارات و بودجه سالانه خود تنظیم شده به شورا ارائه نمایند». ولی متأسفانه تاکنون اکثریت مطلق شهرها از چنین برنامه ای بی بهره بوده اند و اگر باشد، تنها و



از مهم ترین وظایف ذاتی، ضروری و کلیدی شورای اسلامی شهر «سیاست گذاری و خط مشی گذاری» برای توزیع متوازن و متعادل خدمات شهری است

پانوش

جذب
سرمایه گذاران

ملت، بابیان اینکه در راستای تحقق توسعه شهری پایدار باید شرایطی فراهم شود تا امکان دسترسی توسعه پایدار روابط انسانی و رفاه اجتماعی و شهروندی به وجود آید، تصریح کرد: در این راستا می توان به برقراری عدالت اجتماعی، طراحی اقلیمی هماهنگ با محیط زیست، تقویت ساختارهای اجتماعی همچون تعهد و مسئولیت پذیری، تقویت بنیان های اجتماعی و ایجاد نظام ساختاری در فضای شهری و استفاده بهینه از ظرفیت های شهری و در نهایت افزایش رضایت شهروندی دست یافت. وی در ادامه با اشاره به اینکه به دلیل نبودن برخی بسترها در مدیریت شهری هیچ گونه سودی، عاید شهرها نشده و در بیشتر موارد شهرداری به عنوان رقیب بخش خصوصی عمل کرده است. به اعتقاد رئیس اتحادیه رستوران داران و تالارهای اصفهان، تقویت مرکز پژوهش شورای شهر اصفهان و نزدیک تر شدن این نهاد با مراکز دانشگاهی شهر اصفهان و همسویی شهر و شورا و نظریات علمی از شهر وندان به ویژه اصناف و جذب و جلب نظر آن ها در مدیریت شهری شاید بتواند بخشی از مشکلات فعلی در زمینه ساماندهی مشاغل را حل کند. وی با تأکید بر اینکه مسائل اقتصادی یکی از مهم ترین دغدغه های آحاد مردم اصفهان است، گفت: به نظر می رسد که مدیریت شهری و به ویژه شورای شهر اصفهان باید رویکرد جدیدی نسبت به اقتصاد شهری اتخاذ کند. ملت تصریح کرد: با توجه به سابقه طولانی حضور بنده در بخش اصناف و کسب و کار شهر اصفهان معتقدم باید از این ظرفیت در جهت تصمیم سازی برای مشاغل و بهبود فضای کسب و کار استفاده بهینه کرد. وی همچنین با اشاره به اینکه با توجه به بافت جمعیتی کشور و بازه سنی ۱۸ تا ۴۰ سال، فضای حضور جوانان در شورای شهر فراهم شده، معتقد است: حضور جوانان باعث می شود کشور در مسیر تغییر و تحول و نوگرایی حرکت کند تا برای آینده ای بهتر راه درست را انتخاب کند. رئیس اتحادیه رستوران داران و تالارهای اصفهان تصریح کرد: اکنون زمان آن رسیده که در مدیریت شهری، انتقال تجربیات افراد باتجربه و نسل اولی به نخبگان و تحصیل کردگان و تمام اقشار و گروه های جامعه انجام شود. وی با بیان اینکه اگر ملاک انتخاب ها و انتصاب ها در مدیریت شهری تخصص و توانمندی باشد، جنسیت نیز نباید مانعی برای تصدی پست ها در مدیریت شهری باشد، گفت: بانوان از ظرفیت ها، تعهد، حوصله و دقت و آینده نگری برخوردارند؛ بنابراین می توان با بهره گیری از این ظرفیت ها در احراز پست های مدیریتی از آنان استفاده کرد. ملت تصریح کرد: تجربه شخصی بنده و بسیاری از مدیران در طول سالیان گذشته نشان دهنده این است که در بسیاری از امور حضور و مدیریت بانوان به مراتب عملکرد بهتری داشته است.

توانمندی شهرداری ها برای خدمت به مردم، باعث بهبود شرایط زندگی شهروندان نیز خواهد شد؛ زیرا همان طور که بیان شد دستیابی به درآمدهای پایدار، توسعه پایدار شهری را نیز به دنبال خواهد داشت. ملت، با بیان اینکه در راستای تحقق توسعه شهری پایدار باید شرایطی فراهم شود تا امکان دسترسی توسعه پایدار روابط انسانی و بهبود رفاه اجتماعی و شهروندی به وجود آید، تصریح کرد: در این راستا می توان به برقراری عدالت اجتماعی، طراحی اقلیمی هماهنگ با محیط زیست، تقویت ساختارهای اجتماعی همچون تعهد و مسئولیت پذیری، تقویت بنیان های اجتماعی و خانوادگی و ایجاد نظم ساختاری در فضای شهری و استفاده بهینه از ظرفیت های شهری و در نهایت افزایش رضایت شهروندی دست یافت.

وی در ادامه با انتقاد از اینکه بسترهای مورد نیاز برای جذب سرمایه گذاران بعد از آمدن دولت آقای روحانی فراهم نشده است، اظهار داشت: متأسفانه طی چهار سال گذشته به دلیل آماده نبودن برخی بسترها در مدیریت شهری هیچ گونه سودی، عاید شهرها نشده و در بیشتر موارد شهرداری به عنوان رقیب بخش خصوصی عمل کرده است.

به اعتقاد رئیس اتحادیه رستوران داران و تالارهای اصفهان، تقویت مرکز پژوهش شورای شهر اصفهان و نزدیک تر شدن این نهاد با مراکز دانشگاهی شهر اصفهان و همسویی شهر و شورا و نظریات علمی از شهر وندان به ویژه اصناف و جذب و جلب نظر آن ها در مدیریت شهری شاید بتواند بخشی از مشکلات فعلی در زمینه ساماندهی مشاغل را حل کند.

وی با تأکید بر اینکه مسائل اقتصادی یکی از مهم ترین دغدغه های آحاد مردم اصفهان است، گفت: به نظر می رسد که مدیریت شهری و به ویژه شورای شهر اصفهان باید رویکرد جدیدی نسبت به اقتصاد شهری اتخاذ کند.

ملت تصریح کرد: با توجه به سابقه طولانی حضور بنده در بخش اصناف و کسب و کار شهر اصفهان معتقدم باید از این ظرفیت در جهت تصمیم سازی برای مشاغل و بهبود فضای کسب و کار استفاده بهینه کرد. وی همچنین با اشاره به اینکه با توجه به بافت جمعیتی کشور و بازه سنی ۱۸ تا ۴۰ سال، فضای حضور جوانان در شورای شهر فراهم شده، معتقد است: حضور جوانان باعث می شود کشور در مسیر تغییر و تحول و نوگرایی حرکت کند تا برای آینده ای بهتر راه درست را انتخاب کند.

رئیس اتحادیه رستوران داران و تالارهای اصفهان تصریح کرد: اکنون زمان آن رسیده که در مدیریت شهری، انتقال تجربیات افراد باتجربه و نسل اولی به نخبگان و تحصیل کردگان و تمام اقشار و گروه های جامعه انجام شود. وی با بیان اینکه اگر ملاک انتخاب ها و انتصاب ها در مدیریت شهری تخصص و توانمندی باشد، جنسیت نیز نباید مانعی برای تصدی پست ها در مدیریت شهری باشد، گفت: بانوان از ظرفیت ها، تعهد، حوصله و دقت و آینده نگری برخوردارند؛ بنابراین می توان با بهره گیری از این ظرفیت ها در احراز پست های مدیریتی از آنان استفاده کرد.

ملت تصریح کرد: تجربه شخصی بنده و بسیاری از مدیران در طول سالیان گذشته نشان دهنده این است که در بسیاری از امور حضور و مدیریت بانوان به مراتب عملکرد بهتری داشته است.



حسین ملت

نوگرایی
در مدیریت شهر

جنسیت مانعی برای تصدی پست ها در مدیریت
شهری نیست

با توجه به تجربه ۱۵ ساله فعالیت شوراها در شهرها و روستاها، سطح انتظارات و توقعات مردم از شوراها بسیار متفاوت شده و این نهاد نوپا در طول فعالیت، تجربیات مثبت و منفی بسیاری برای مردم باقی گذاشته است. برخی کارشناسان معتقدند عملکرد نه چندان موفق شوراها در عدم عمران و آبادانی شهرها بی تأثیر نبوده است. بنابراین اگر خواهان پیشرفت، عمران و آبادانی روستا، شهر و استان خود و همچنین برقراری عدالت در پیشرفت و آبادانی کشور هستیم باید با حضور در انتخابات شوراها، نمایندگان شایسته ای برای شوراهای اسلامی شهر و روستا و بالتبع شورای استان و شورای عالی استان ها انتخاب کنیم. در این راستا با شناخت اولویت های شورای شهر باید نمایندگانی انتخاب کنیم تا اهداف این بخش را در حوزه مدیریت شهری محقق کنند.

از دیدگاه حسین ملت، ایجاد فضای مساعد برای بروز و ظهور ایده ها و طرح ها و افراد خلاق و نوآوری، تشکیل کارگروه هایی در شورا به منظور تدوین پروتکل هایی برای جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی، بهبود سطح کمی و کیفی خدمات رسانی به شهروندان در حوزه های مختلف شهرداری، تدوین سند گردشگری شهر و ایجاد درآمد پایدار، مهم ترین اولویت ها در شورای شهر است و نمایندگان باید با توجه به این اهداف انتخاب شوند.

رئیس اتحادیه رستوران داران و تالارهای اصفهان با تأکید بر اینکه یکی از مهم ترین مسائل شهرداری ها در کشور ایجاد منابع کافی درآمد برای تأمین هزینه خدمات ارائه شده است، اظهار داشت: رشد سریع شهرنشینی، معضلات و پیچیدگی های شهرهای امروزی، موجب گستردگی و تنوع وظایف و خدمات شهرداری ها شده است به طوری که امروز این نهاد به سازمانی پیچیده تبدیل شده اند.

وی با تأکید بر اینکه وجود درآمد پایدار برای شهرداری، شهر را از نابسامانی و عدم توازن و تعادل نجات خواهد داد و این خود مسیر توسعه شهر را هموار می کند، افزود: درآمد پایدار، علاوه بر افزایش

سیگنال پوست اندازی نسلی

■ قدیمی ها با فرش قرمز به استقبال جوانان بروند



زنان اصفهانی می توانند نیروی محرک شهر برای توسعه و ارتقای پایدار باشند

قطعی بیان کرد؛ مثلاً تأثیر احزاب در انتخابات ملی و منطقه ای با یک انتخابات محلی متفاوت است؛ میزان قومی گرایی و عوامل این جنبی نیز تأثیرات خاص خود را دارند و البته قانون و شکاف های قانونی نیز می توانند در این تأثیر متقابل مؤثر باشند. البته انتخابات شورای اسلامی شهر اصفهان با عنایت به کلاتشهر بودن مؤلفه های یک انتخاب محلی مطلق راندار دامانابیداز نظر دور داشت که فشار عوامل تأثیر گذار در این نوع انتخابات، ممکن است از تأثیر مطلق تصمیم گیری های احزاب بکاهد و شاهد آن نتیجه ای که مثلاً در انتخابات مجلس بودیم، نباشیم. همچنین توزیع قدرت قطعاً با ورود نیروهای داخل و خارج از احزاب شکل می گیرد و همین نکته ماهیت انتخابات شورای شهر را از یک انتخابات صرفاً حزبی دور می کند.

نوسان: با توجه به مشکلات دولت و ضرورت رونق و توسعه شهرها چقدر می توان این ادعا را درست دانست که شوراهای توانمند و با برنامه می توانند با اتکا به ظرفیت و پتانسیل شوراهای و شهرداری جریان رونق و توسعه شهرها به ویژه کلان شهرها را رقم بزنند؟

شوراهای شهر یکی از ساختارهای تصمیم گیر است که اتفاقاً قوه ی اجرایی مرتبط با خودش را - با انتخاب شهردار - خودش تعیین می کند. در وظایف شورا اشتراکات فراوانی با قوه ی مجریه وجود دارد، به نحوی که می توان این اشتراکات را تفویض بخشی از اختیار و مسئولیت دولت به شوراها - بر اساس قانون - دانست. مثلاً از وظایف شوراها بررسی و شناخت کمبودهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و ... حوزه ی انتخابیه ذکر شده و بر همکاری با سازمان ها و مسئولان مملکتی تأکید شده است؛ همچنین وجود مباحثی مانند گسترش گردشگری، نظارت بر کارکرد مراکز فرهنگی مثل شهر بازی ها و سینماها، افزایش نشاط اجتماعی، ورزش همگانی، فرهنگ سازی، اقدام در جهت تشکیل مؤسسات و بررسی مسائل بهداشتی حوزه انتخابیه، مؤید گرهِ خورده گی فعالیت شوراهای با فعالیت دولت است و البته در شهری مانند اصفهان با عنایت به پتانسیل های فراوان گردشگری و صنعتی نقش شورای شهر برای ارتقای سطح تصمیم گیری و اجرا برترنگ تر جلوه می نماید.

نوسان: به نظر شما چرا شاهد حضور زنان در اصفهان و سایر کلاتشهرها در پست های معاون شهردار، شهردار یا شهردار منطقه نیستیم؟ این امر نشانه چیست؟

اول باید گفت که این مشکل مخصوص شهرداری اول نیست، بلکه مفهومی است که در همه ی سازمان ها وجود دارد و از آن به عنوان "سقف شیشه ای" یاد می کنند که نشان دهنده ی نابرابری در رشد و توسعه جنسیتی است. در شهرداری اتفاقاً با توجه به اهمیت که حوزه ی اشتغال دارد و گستردگی و تنوع مشاغل که با آن مرتبط اند، توجه در به کار گیری نیروی شایسته به دور از توجه جنسیتی به آن می تواند در ارتقای سطح منابع انسانی شهرداری کمک کند. مشکلاتی در این راه وجود دارند که می شود به عنوان نمونه از وجود یک شبکه ی استعدادی سستی، تعصبات رایج در پیشرفت زنان، وجود مسئولیت خانوادگی برای زنان و عوامل فرهنگی جامعه مثل محدودیت های ارتباطی و در اقلیت بودن زنان نام برد و البته راهکارهایی هم در مسیر حل این مشکلات وجود دارد. معتقدم که زنان اصفهانی با توجه به آمارهایی که مؤید سطح علمی و میزان بالای مهارت های آن هاست و همچنین شاخص های کارآفرینی، می توانند نیروی محرک شهر برای توسعه و ارتقای پایدار باشند.

پرویز سلیمانپور، جریان جوان رازم بقای ساختار سیاسی می داند که اگر نباشند نفس سیستم ها به شماره می افتد. قائم مقام ستاد روحانی در اصفهان تأکید دارد که تغییر باید در نهایت آرامش و دور از اضطراب روی دهد؛ در غیر این صورت نیروهای هر دوسوی این تغییر، متضرر و سوخته خواهند داشت. گفت و گوی ما با وی می خوانید:

نوسان: به نظر شما اولویت های مهم شورای شهر کدام است. آیا این اولویت ها به درستی شناخته شده است؟

اولویت اصلی در هر شورای شهر به نظر بنده باید تحقق هدف تمرکز زدایی، محلی گرایی و کمک به تحقق اهداف حکومت در قالب تصمیم گیری و کار کرد محلی باشد. این همان هدفی است که به رغم تأکید بنیانگذار انقلاب اسلامی تا کنون با گذشت قریب به چهار دهه از عمر این انقلاب نه تنها محقق نشده که سطح کار کرد شورای شهر را از جایگاه تصمیم گیر و برنامه ریز، به سطح یک نهاد نظارتی بر عملکرد شهرداری ها تقلیل داده است. این تغییر و اصلاح هم، با چیزی غیر از تزریق نیروی تازه وارد جوان و ایجاد ساختار تصمیم سازی و تصمیم گیری جدید توسط مجربین این عرصه امکان پذیر نیست. به زعم من اولویت شورای شهر باید اصلاح ساختار خودش برای برطرف کردن چالش های موجود شهر اصفهان مثل بحث آب زاینده رود، مسئله ی آلودگی هوا، ترافیک، فساد اداری در شهرداری ها، تخلفات مرتبط با امور شهرداری و مسائل این چنینی باشد.

نوسان: با توجه به حضور پررنگ نسل دوم و سوم نسبت به نسل اول، دو قطبی سنی موجود تا چه حد در این دوره شوراهای عرصه بروز و ظهور قشر های متعدد و خواهان تغییر و تحول است؟

تغییر و تحول با کنش یک سویه اتفاق نمی افتد. لازمه ی تغییر، کنش و واکنش دو سمت یک تغییر است. نیروهای کنشگر حامی "وضعیت مطلوب" اعمال فشار می کنند و نیروهای حاکم بر "وضع موجود" واکنش نشان می دهند؛ تغییر نسل در یک زمین بازی سیاسی هم از همین مدل پیروی می کند. نکته ی مهم اینجاست که در شرایط فعلی این تغییر باید در نهایت آرامش و دور از اضطراب اتفاق بیفتد که در غیر این صورت نیروهای هر دو سوی این تغییر، متضرر و سوخته خواهند داشت. انتخابات مجلس سال گذشته و انتخابات دوره ی پیشین شورای شهر با توجه به انتخاب چند جوان در میان منتخبین مردم، سیگنال یک پوست اندازی نسلی را صادر کرده و چشم پوشی از این سیگنال یک خطای راهبردی است. نیروهای جوان که غالباً از سطح دانش برابر و حتی بیشتر و انرژی چند برابر نسبت به نسل های قبل برخوردارند و اگر قرار به برنامه ریزی و اجرا و پیگیری باشد مناسب ترین گزینه هستند و اتفاقاً خوشایه حال قدیمی ترهایی که با فرش قرمز به استقبال این جوانان می روند.

نوسان: شوراهای نماد توزیع قدرت و تحکیم جمهوریت می باشند؛ اگر این تعریف را قبول داشته باشیم، نقش احزاب در تشکیل شورای کارآمد چیست؟ و با چه روشی می توانند این وظیفه را به سرانجام برسانند؟

نقش احزاب در فرآیند دموکراسی و انتخاب مفهوم گسترده و پیچیده ای است که نمی شود در یک حکم



تغییر و اصلاح، با تزریق نیروی تازه وارد جوان و ایجاد ساختار تصمیم سازی و تصمیم گیری جدید توسط مجربین این عرصه امکان پذیر است

دایره محدود ساختارها

■ شعاری بودن باعث انفعال زنان در سمت های مدیریتی است

در عین حال به قدرت های حاکم نیز وابستگی نداشته باشد، افزود: متأسفانه ما تنها در زمان انتخابات، به دنبال دگرگونی در ساختار شوراهای هستیم، در حالی که باید همواره ساختار شوراهای بر اساس اهداف ایمانی و برای رسیدن جامعه به کمال تغییر و پی ریزی نماییم.

هدایتی با اشاره به اینکه آسیب شناسی مشکلات و معضلات جامعه و اصلاح و بهبود آن، منوط به درک و فهم بالای هر جامعه است، گفت: اگر جامعه از رشد لازم برخوردار باشند شاید به نتیجه مطلوب برسیم؛ اما اگر این مهم وجود نداشته باشد رشد عمومی در جامعه و افراد کاندیدا، پدید نخواهد آمد. وی با بیان اینکه معمولاً در شوراهای ستادها برای آسیب شناسی مشکلات شهر تشکیل می شود، تصریح کرد: متأسفانه این ستادها با جهت گیری خاصی تشکیل می شود و با توجه به اینکه تنها به دنبال یک سلسله اهداف مشخص است و گاه فقط برنامه های حزب و گروه خود را تأمین می کند؛ بعضاً به نتیجه نرسیده است.

این مدرس دانشگاه با طرح این سؤال که باید دید شوراهای اگر میدان داشته باشند چطور می توانند از پتانسیل های موجود بهره گیرند، افزود: به طور قطع وقتی از افراد منتخب برای تغییرات اساسی سؤال می شود، آن ها عنوان می کنند که تنها می توانند در یک دایره محدود حرکت کنند؛ چرا که ساختار شورا، اختیارات و امکانات محدودی داده و آن ها تنها در دایره محدود خود می توانند فعالیت کنند. وی با تأکید بر اینکه امروز تنها شاهد شکل گیری ظاهری شوراهای هستیم که به دلیل موانع موجود بر سر راه، نمی توانند محتوای کامل و جامعی ارائه کنند، گفت: البته اگر شوراهای بتوانند جایگاه صحیح و شایسته خود را پیدا کنند، علی القاعده در رفع مشکلات و رشد و پیشرفت کشور و در رفع نگرانی های نظام و دولت می توانند قدم های مؤثری بردارند.

وی تأکید کرد: تمام صحبت ها در این اگرها نهفته است؛ امروز اقتضا برای شوراهای وجود ندارد و همچنین موانع متعددی بر سر راه فعالیت آن ها وجود دارد که اگر برطرف بشوند، نقش شوراهای در پیشبرد اهداف دورنمای نظام مؤثر خواهد بود.

نماینده مجلس شورای اسلامی در دوره سوم در خصوص عدم حضور بانوان در پست های مهم شورا و شهرداری، گفت: آنچه اکنون باعث حالت انفعالی برای ارتقای زنان در سمت های مدیریتی است، جنبه شعاری بودن این حضور و بروز است. و آلا چنانچه معیار عقلانی بودن را در زن و مرد در نظر بگیریم، به طور قطع می توان از حضور زنان متخصص و متعهد و پتانسیل آن ها که می تواند باعث پیشرفت، ترقی و هدایت جامعه شود، استفاده کرد.



سیدعباس هدایتی، معتقد است که موضوع مردمی بودن شوراهای نظام جمهوری اسلامی بسیار اولویت دارد؛ به طوری که در انتخابات شوراهای محلی و سایر انتخابات دیگر کشور ما، بیشتر جنبه مردمی بودن آن نمایان است و این موضوع بسیار قابل اهمیت است. نماینده دوره سوم مجلس شورای اسلامی، تصریح می کند که آنچه امروز در شوراهای محلی و سیستم فعلی شوراهای بروز و ظهور یافته، تنها نام شورا را به دنبال خود دارد و کارکرد آن بدون محتواست.

وی با تأکید بر اینکه جهت گیری شوراهای باید اصلاح شود، گفت: جهت گیری شوراهای باید در صدد جمع بندی افکار مردم، آن هم بر محوریت یک اعتقاد و عقیده باشند و اگر این اعتقاد سالم نباشد علی القاعده شورا جهت گیری صحیحی نخواهد داشت.

نماینده مجلس شورای اسلامی در دوره سوم تأکید کرد: برای اثر گذاری بیشتر شورای شهر و روستا، باید نگاه و دیدگاه اصلاح طلبی و اصول گرایی، را که یک تقسیم بندی ظاهری است، کنار گذاشت و با نیت تأثیر گذاری و خدمت واقعی به جامعه، همانند یک مجموعه واحد به صورت ستادی و یا شورایی کار کرد. وی تأکید کرد: اگر اصلاح جهت گیری این مجمع ها تحت عنوان ستادها و شوراهای بر مبنای ایمان و اعتقاد صورت می گرفت فعالیت آن ها می توانست مفید باشد، اما اینکه امروز از مجموعه شوراهای نتیجه مطلوبی نگرفته ایم، به دلیل خالی بودن آن ها از محتوای ایمانی و علمی است. البته با رزبانی نتایج مفید و غیر مفید می توان به این نتیجه رسید که چه اهداف و خطوطی باید تحت لوای شوراهای دنبال می شد و چرا امروز به آن جایگاه دست نیافته ایم.

هدایتی، با اشاره به ثبت نام و حضور جوانان در این دوره شورای شهر و اینکه آیا شرایط برای تغییر و تحول مهیا است، گفت: به طور قطع انگیزه و تلاش نیروی جوان برای حضور در شوراهای قابل توجه بوده و باید لحاظ شود؛ اما جایگاه تجربه در زندگی و تصمیم گیری ها بسیار بالاست. وی تصریح کرد: اگر تنها به تحریک جوان بودن جوانان بپردازیم، شاید مسئله غرور پیش آید اما چنانچه تجربه را ضمیمه جوانگرایی، نیروی بدنی تازه و ایده های جدید کنیم، به نتایج خوبی خواهیم رسید. به اعتقاد بنده تجربه باید در کنار جوانگرایی در شورا مورد لحاظ قرار گیرد.

دادستان سابق انقلاب اسلامی، در خصوص نقش احزاب در شوراهای کار آمد، اضافه کرد: به طور قطع سمت و سوی شوراهای باید بر اساس دیدگاه های حاکمیت صورت گیرد و در همین راستا رشد و نمو کند؛ اما لازم است جهت گیری های دیگری از سمت احزاب، و به غیر از نماد حاکمیت صورت گیرد؛ که البته نیاز به استقلال فکری، ایمانی، اعتقادی و خود ساختگی در شوراهای دارد تا همسو با دیدگاه های حاکمیت و به عنوان مکمل آن عامل پیش برنده و توسعه شهر قلمداد گردد.

وی با تأکید بر اینکه محوریته شوراهای باید را در راستای ساماندهی برنامه های نظام و مکمل آن باشد، اما



چنانچه تجربه راضیمه جوانگرایی، نیروی بدنی تازه و ایده های تازه کنیم، به نتایج خوبی خواهیم رسید

احزاب در جامی زند

■ جوانان اصفهان مسیر های متداول را کنار بگذارند



علی محمدنمازی، اعتقاد دارد که آستانه انتخابات شوراهای برای نسل دوم و سوم انقلاب، عرصه کنار گذارن مسیر های متداولی است که تاکنون جواب نداده و تمرین اصلاح، تحول و رسیدن به دستاوردهای جدید برای آنان می باشد. عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران، تأکید دارد که نسل دوم، نسلی توانمند، علاقمند و خواهان آبادی کشور است و هیچ انگی به آن هانمی چسبید؛ چرا که آنان وطن دوست اند و نباید یادگاه های امنیتی و طردی به این قشر، راه را برای حضور آنان مسدود کرد. آنچه در ادامه می خوانید گفت و گوی ما با نماینده رئیس مجمع نمایندگان ادوار است.

❖ تا چه اندازه به تحول و تغییر در حوزه مدیریت شهری و حضور و مشارکت جوانان در این عرصه ها اعتقاد دارید؟

به اعتقاد من، اساس پیشرفت جوامع بشری، اراده افراد برای ایجاد تحول، رشد، ترقی و تکامل است. در این بستر همه از ابتدای کار نقش آفرین نیستند و افرادی آشنا به نیازها و موقعیت موجود و هدفی که باید به آن برسند، معمولاً پرچمدار هستند و بقیه بعداً از آن ها تبعیت می کنند. اینکه جمعی از جوانان تحصیل کرده شهر فرهنگی اصفهان، که سابقه درخشانی در علم، دانش، فن، تخصص و تمدن در شهر دارند، امری طبیعی است که آن ها حرکت کنند و در آستانه یکی از رویدادهای مهم کشور همچون انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای شهر و روستاها بخواهند مسیر های متداولی را که تاکنون جواب نداده را کنار بگذارند و به سمت اصلاح، تحول و رسیدن به دستاوردهای دیگر بروند.

❖ چقدر حضور جوانان نسل دوم و سوم در شوراهای راهبردی می کنید و این مهم تا چه اندازه می تواند موجب تغییر مسیر حرکت فعلی و توسعه فضای شهری گردد؟

موفقیت نسل دوم برای تحول خواهی و ایجاد نقش برای اداره محل، شهر، استان و کشور نیازمند چند عامل است؛ اول اراده خودشان، دوم داشتن انگیزه قوی، سوم برخورداری از اطلاعات لازم، چهارم برخورداری از تخصص های مورد نیاز، پنجم آگاهی از وضعیت موجود، مشکلات، موانع، استعدادها و توانمندی های موجود در شهر و ششم اینکه نسل های اول انقلاب نباید خود را همه کاره و عقل کل ببینند. باید باور داشته باشیم که فرزندانمان از ما پیش تر و جلوتر هستند و نه تنها مانعی برای آن ها ایجاد نکنیم و انحصار طلبی نکنیم بلکه با تشویق شان، در مواقع مورد نیاز آن ها را راهنمایی کنیم. این موارد اگر رعایت نشود نسل دوم، نسلی توانمند، علاقمند و همچنین خواهان آبادی کشور هستند. بنابراین باید فرهنگ همزیستی تقویت و ایثار و فداکاری در بین مردم به فرهنگ تبدیل شود و منافع خود را در راستای منافع دیگران و منافع جمع را بالاتر نسبت به منافع

پانوش

دوره انتقال

یکی از مشکلات موجود کشور این است که به کارکرد حزبی در انتخابات، هنوز اهمیت داده نمی شود و این موجب درجا زدن احزاب و در نهایت عدم عضوگیری آن هائی می شود. بنابراین بدنه حزب فریه نمی شود و جوانان به بدنه آن راه پیدا نمی کنند. حال اگر روزنه ای پیدائی شود همانند انتخابات امروز، تعارضی بین جوانان و سران احزاب پیدائی شود و جوانان تصور می کنند که سران احزاب، تمایل به بازی دادن آن هاندارند. این جریانات ناشی از آن است که هنوز نیاز به کارکرد حزبی در نزد حاکمان احساس نمی شود. اگر احزاب انتخابات را بر گزار می کردند هزینه کمتری به حاکمیت پرداخت می شد. ما اکنون در دوره انتقال هستیم و برای اینکه از ظرفیت های موجود در شهر و کشور استفاده کنیم می طلبد که سران احزاب، با بازکردن این روزنه ها، افراد را در حزب سازمان دهی کنند و زمینه را برای حضور افراد خاص به ویژه جوانان فراهم کنند. بنده نیز این آمادگی را در حزب کارگزاران می بینم که زمینه ای را برای میدان دادن و استفاده از جوانان و نیروهای بالنده فراهم کنیم. بقیه احزاب نیز باید عرصه را برای جوانان فراهم کنند.

فردی خود بدانیم. من این آمادگی را در نسل دوم می بینم و هیچ انگی به آن ها نمی چسبید! چرا که آنان وطن دوست اند و نباید دیدگاه های امنیتی و طردی به این قشر داشته باشیم؛ بلکه آن ها باید از کارزار کار و تلاش وارد شوند و ما نیز راه را باید برای آنان هموار کنیم.

❖ مطابق آنچه در کشور شاهدیم نقش احزاب در انتخابات ایران به گونه ای بوده که در یک دوره چهار ساله کنار می روند و تنها در زمان انتخابات فعال می شوند. شما نقش نظارتی احزاب را در انتخابات شوراهای چطور ارزیابی می کنید؟
به اعتقاد من دغدغه جوامع بشری داشتن حکمرانی خوب بر مدار خاص آن ملت است که خود را موظف به تحقق نیازهای کشور کند. همچنین رسیدن به حاکمیت مطلوب نیازمند این است مردم سازمان پیدا کنند. باید پرسید چه کسی این سازمان را به وجود می آورد؟ و آیا همه چیز باید دولتی باشد؟ جواب منفی است. آنچه در کشورهای پیشرفته شاهدیم احزاب و تشکلات این سازماندهی را به هنگام انتخابات انجام می دهند. همچنین حاکمیت در رأس انتخابات موجب می شود که انتخابات هدفمند برگزار شود و انتخاب ها بی هدف و توده وار نباشد. یکی از مشکلات موجود کشور این است که به کارکرد حزبی در انتخابات، هنوز اهمیت داده نمی شود و این موجب درجا زدن احزاب و در نهایت عدم عضوگیری آن ها می شود. بنابراین بدنه حزب فریه نمی شود و جوانان به بدنه آن راه پیدا نمی کنند. حال اگر روزنه ای پیدائی شود همانند انتخابات امروز، تعارضی بین جوانان و سران احزاب پیدائی شود و جوانان تصور می کنند که سران احزاب، تمایل به بازی دادن آن ها ندارند. این جریانات ناشی از آن است که هنوز نیاز به کارکرد حزبی در نزد حاکمان احساس نمی شود. اگر احزاب انتخابات را بر گزار می کردند هزینه کمتری به حاکمیت پرداخت می شد. ما اکنون در دوره انتقال هستیم و برای اینکه از ظرفیت های موجود در شهر و کشور استفاده کنیم می طلبد که سران احزاب، با بازکردن این روزنه ها، افراد را در حزب سازمان دهی کنند و زمینه را برای حضور افراد خاص به ویژه جوانان فراهم کنند. بنده نیز این آمادگی را در حزب کارگزاران می بینم که زمینه ای را برای میدان دادن و استفاده از جوانان و نیروهای بالنده فراهم کنیم. بقیه احزاب نیز باید عرصه را برای جوانان فراهم کنند.

❖ با توجه به مشکلات دولت و ضرورت رونق و توسعه شهرها چقدر می توان این ادعا را درست دانست که شوراهای توانمند و برنامه می توانند با اتکا به ظرفیت و پتانسیل شوراهای و شهرداری جریان رونق و توسعه شهرها به ویژه کلان شهرها را رقم بزنند؟

شوراهای می توانند بدون آزمون و خطا و هزینه های بی مورد، راه را به شهردار که مجری مصوبات است و دیگر مسئولان شورای شهر و استان، نشان دهند و حتی به مجلس طرح ارائه دهند. انتخابات شوراهای خاکریز اول نهادینه کردن دموکراسی است. اگر انتخابات شوراهای در رقابتی سالم برگزار شود دموکراسی، بسیار سریع تر در کشور نهادینه می شود و این ویژگی به دیگر بخش های جامعه نیز سرایت پیدا خواهد کرد.

یادداشت

باز خوانی یک واقعه به راستی تاریخ تکرار می شود؟



بهرام کاروان

درست سه دهه قبل، در آستانه انتخابات مجلس سوم شورای اسلامی، جمعی از فعالین سیاسی شهر، موسوم به جوانان چپ، از انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان و جهاد دانشگاهی، دست به کار حضوری پر رنگ تر در صحنه سیاسی اصفهان شدند و قصد داشتند تا یک چهره از هم طیفی ها و هم نسلان خود به راه عنوان کاندیدای مجلس شورای اسلامی معرفی نمایند.

جوانان جریان چپ در دهه شصت، با انگیزه و انرژی بالایی سعی داشتند تا حضوری پررنگ از خود در عرصه های تصمیم گیری نشان دهند و سهمیه ای از میان خود برای مجلس سوم معرفی نمایند.

سید محمود حسینی و دوستان دیگری به نمایندگی از این جمع، با حاج شیخ عباسعلی روحانی و عبدالله نوری، روحانیون اصلی تصمیم گیر در جریان چپ اصفهان، وارد مذاکره شدند. در جریان مذاکرات که در مدرسه امام صادق (ع)، برگزار شد؛ گفتگوهای صریح و شفافی اتفاق افتاد و در نهایت حاج شیخ عباسعلی روحانی با پاسخ های تندی دوستان را از دخالت و ادامه این کار، بر حذر داشتند.

علیرغم توصیه ها و تذکرات در خصوص مخاطرات و هزینه هایی که در صورت اصرار دوستان، متحمل جریان چپ می شد و علیرغم گفتگوها و مذاکرات پیاپی، پافشاری و اراده مصمم دو طرف در برنامه ها و اهداف خود ادامه یافت و با وجود حضرت آیت الله طاهری، پدر معنوی و محور جریان چپ در اصفهان، در نهایت "مرتضی مبلغ" کاندیدای جوانان و انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان، خارج از لیست جریان چپ، به عنوان کاندیدای مستقل وارد صحنه شد و این آغازی بر فاصله گرفتن نیروهای جوان از تصمیم گیران سیاسی این جریان در اصفهان بود.

ضرورت بازخوانی این خاطره از آن روست که به راستی اگر آن روز چنین اتفاقی از منظر دوستان درست تلقی می شد، آیا چنین حقی امروز نیز برای جوانان نسل دوم و سوم وجود ندارد؟ که نه تنها ارزش های نسل اول را به رسمیت می شناسند، بلکه در صدد پیش از آن که دیر بشود و به سرانجام تقابل نسلی بینجامد، در چارچوب فهم و درک یکدیگر، راهکاری ارائه دهند. امید است این بازخوانی و یادآوری، سبب گردد تا تحول خواهی نسل نو، از سوی بزرگان امروز و جوانان دیروز که راهی مشابه، البته با روشی به مراتب موجه تر را می پیمایند، به رسمیت شناخته شود و از آن استقبال و با آن همراهی گردد.

شورای پاسخگو

■ مسئولیت شرعی و شهری متوجه احزاب تاثیر گذار است



به نظر می رسد بحث بر سر نسل اول، دوم و سوم بی فایده است. آنچه مسلم است کسی باید مسئولیت را بپذیرد که اولاً یمان به خدمت داشته باشد و اگر وارد این منصب شد، شورا را سکوی پرش برای رسیدن به اهداف شخصی نداند؛ ثانیاً از نیروی جسمانی خوبی برخوردار باشد و توان کار و تلاش در او دیده شود و هم به مردم و هم به خدای مردم پاسخگو باشد



وی درباره راهکار مناسب برای تبیین عملکرد شورای شهر توسط احزاب برای مردم، گفت: شاید تا امروز شورای شهر به احزاب و یا دیگر مسئولان پاسخگو نبوده اند و یا بسیار کم و در مقاطع جزئی مورد نقد قرار گرفته و نسبت به مطالبات مردم جوابگو بوده است.

عضو انجمن محققان و مدرسان روحانی اصفهان، در ادامه در خصوص ارزیابی عملکرد شورای هماهنگی اصلاح طلبان اصفهان، گفت: این شورا متشکل از احزاب، انجمن های رسمی و قانونی سطح شهر است و حضور قانونی آنها در این شورا به آنان شخصیت حقوقی می دهد. معتمدی تاکید کرد: با توجه به اینکه شورای هماهنگی اصلاح طلبان با افراد مدیر و مدیر آشنایی بیشتری دارند و می توانند با همفکری خوب با یکدیگر در سطح شهر و انتخابات پیشروی شورای شهر و ریاست جمهوری و نمایندگان مجلس تاثیر گذار باشد.

معتمدی همچنین در خصوص ضرورت حضور نسل دوم و سوم در شوراهای و تغییر و تحول در بدنه آن، معتقد است: به نظر می رسد بحث بر سر نسل اول، دوم و سوم بی فایده است. آنچه مسلم است کسی باید مسئولیت را بپذیرد که اولاً یمان به خدمت داشته باشد و اگر وارد این منصب شد، شورا را سکوی پرش برای رسیدن به اهداف شخصی نداند؛ ثانیاً از نیروی جسمانی خوبی برخوردار باشد و توان کار و تلاش در او دیده شود و هم به مردم و هم به خدای مردم پاسخگو باشد. وی ادامه داد: آنچه مسلم است شورای شهر باید از تخصص و تعهد لازم برخوردار باشند چرا که تخصص و تعهد دو بال موفقیت برای انجام وظیفه است و اگر کسی تخصص نداشته باشد و مسئولیت را بپذیرد نشانگر عدم تعهد او است.

علی معتمدی، معتقد است که کشف دغدغه های مردم به عنوان مقدمه کار، لازم و ضروری است و اعضای شورای شهر باید همانند آحاد مردم رفت و آمد وزندگی کنند و همچون آنها دستمزدها دریافت کنند تا با دغدغه اصلی مردم به طور کامل آشنا شوند. سپس برای رفع آن دغدغه ها برنامه ریزی کرده و دستگاه های مربوطه را موظف کنند تا مطالبات مردم را مرتفع کنند

نماینده انجمن محققان و مدرسان روحانی اصفهان در شورای هماهنگی اصلاح طلبان اصفهان با اشاره به اینکه اعضای شورای شهر باید در اولویت نخست وقت خود را در اختیار مردم بگذارند، گفت: به بیانی ساده، اعضای شورای شهر باید با وسایل نقلیه عمومی همچون اتوبوس، تاکسی، مترو تردد کنند تا علاوه بر آشنایی با مشکلات مردم، با مطالبات دستگاه های مربوطه نیز آشنا شود. وی اضافه کرد: اعضای شورای شهر باید در پیاده روها تردد کنند تا با سبب مغازه داران آشنا شود؛ بنابراین اولویت نخست آنها باید دغدغه مردم و در میان مردم بودن باشد.

وی با تاکید بر نقش تعیین کننده احزاب، گفت: نقش مردم تنها حضور در انتخابات است. لذا مسئولیت شرعی و شهری متوجه احزاب تاثیر گذار است.

نماینده انجمن محققان و مدرسان روحانی اصفهان در شورای هماهنگی اصلاح طلبان اصفهان تصریح کرد: احزاب باید به دور از مسائل جناحی و سیاسی کاندیدای واجد شرایط را به مردم معرفی کنند و شورای منتخب مردم نیز باید فارغ از مسائل سیاسی و جناحی در پیشبرد اهداف و انتظارات مردم تمام سعی و کوشش خودشان را بکار گیرد و با تهدید و تطمیع تغییر روش ندهند.



تفکر سیستماتیک

■ لابی‌گری و سیاست‌بازی پاشنه آشیل اعضای شورا است

سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی و سایر امور شهری تشکیل می‌شود. لذا توانمندی‌های یادشده به نظر لازمه‌ی اعضای شورا است تا بتوانند با درک وضعیت موجود جامعه از ابعاد مختلف کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی، تصویری واقعی از جامعه‌ای که نمایندگی آن را به عهده گرفته‌اند برای خود و اعضای جامعه ایجاد کنند.

برنامه‌مندی نیز همینطور است. آیا منظور برنامه حذف رقبا و کسب بیشتر قدرت است؟! قطعاً هر عقل سلیمی با این پدیده مقابله می‌کند. هر چند که طی ادوار گذشته برخی (اگر نگوئیم اکثر) اعضای شوراها با چنین برنامه‌ای (حذف رقیب و کسب بیشتر قدرت و سهم‌خواهی و به دنبال آن استفاده از منافع مادی) روزگار عضویت خود در شورای شهر را سپری کرده‌اند.

منظور از بابرنامه بودن برای اعضای شورای وجود تفکر سیستماتیک برای سیاست‌گذاری کلان در راستای ابعادی از زندگی جوامع می‌باشد که به رشد و ارتقاء و در یک جمله اساسی به افزایش کیفیت زندگی آنان منجر بشود.

این نوع برنامه داشتن در راستای همان توانمندی در درک وضعیت جامعه از ابعاد مختلفی است که در ابتدای مطلب بیان شد و اعضای شورا بایستی توانمندی تشخیص آینده مطلوب جامعه از ابعاد یادشده را داشته باشند ولی متأسفانه به جای پیگیری برنامه‌ها، اعضا به دلیل ناتوانی در برنامه‌ریزی کلان به نقد سطحی اوضاع جاری رو می‌آورند. شوربختی آنست که گاهی بخش قابل توجهی از جامعه هم از کسانی تبعیت می‌کنند که دچار همین سطحی‌نگری‌ها و روزمرگی‌ها هستند.

این دوگانگی خود سبب می‌شود که یا در صحنه انتخابات، افراد برای اداره مسائل اجتماعی خصوصاً صحنه انتخابات شورای شهر شرکت نکنند و یا چنانچه شرکت کنند در یک شرایط احساسی، با دقت و صحت به انتخاب گزینه مناسب برای رفع مشکلات جامعه اقدام ننمایند. شاهد این مدعا هم انتخاب مجریان برنامه‌های تلویزیونی، هنرپیشه‌گان، ورزشکاران و برخی چهره‌های سیاسی (حتی در لیست احزاب) است که در ذهن تاریخی افراد جامعه به هر دلیلی جا خوش کرده‌اند.

بدین ترتیب ضرورت آگاه‌سازی جامعه از توانمندی‌های مورد نیاز اعضای شورای شهر و پایبندی آنها به برنامه‌ها، به دور از فضاهای باندی و جناحی و دلالتی سیاسی احساس می‌شود. مردم در انتخاب نمایندگان خود باید به نوع توانمندی آنها در شناخت مسائل و اولویت‌های شهر، راه‌حلیابی آنها برای بهبود کیفیت زندگی شهری، و نقشه راه و تراز برنامه‌ریزی آنها برای ایجاد تغییرات در محیط شهر، شهرداری و از همه مهمتر در نظام مدیریت شهری آگاه شده و مسلط باشند. بی‌شک این آگاه‌سازی به ارتقای سطح مشارکت هدفمند جامعه در حل مسائل خود از طریق پرهیز از انتخاب احساسی، بهره‌مندی از توانمندی‌ها، جامع‌نگری و دیگر شرایط لازم برای برخورداری از یک انتخابات سالم و تأثیرگذار کمک خواهد کرد.

وقتی درباره خصوصیات مثبت یک شورا صحبت به میان می‌آید، یکی از گزاره‌هایی که حتماً بر جسته می‌شود، شورای توانمند و برنامه‌مند است. این گزاره عامه‌پسند و حتی خاصه‌پسند است. اما نکته بسیار مهم درباره این دو کلمه، نوع توانمندی و همچنین نوع برنامه‌ریزی است. طیف توانمندی‌هایی که برای شورای شهر و اعضای آن مدنظر قرار می‌گیرد، بسیار مهم است. شورا می‌بایستی در درک واقعیت‌های کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی جامعه‌ای که منتخب آن است، و همچنین ارائه راه‌حل و در نهایت خط‌مشی‌گذاری برای بهبود یا توسعه واقعیت‌ها توانمند باشد. در این بین، باید بینش و نگرش سیاسی، به معنای همسویی با سیاست‌های کلان نظام و مدیریت کشور را هم داشته باشد.

به‌رغم این که در هدف و تعریف اولیه، شورا یک نهاد اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود تا یک سازمان سیاسی، گزینش اعضای شورای شهر با ساز و کار سیاسی و برگزاری انتخابات همراه است. بنابراین در کلان‌شهرها معمولاً گزینش‌ها بر اساس سابقه کار اجرایی و تشکیلاتی اعضای آن، رنگ و بوی سیاسی می‌گیرد و منتخبین، بیشتر از دو طیف اصلی کشور و تعدادی هم به علت شهرت فردی، وارد شورا می‌شوند. هر چند نمی‌توان مدعی شد که افراد سیاسی نباید در شورای شهر باشند، ولی صحبت بر سر این است که شورا وقتی کارایی واقعی خود را دارد که از افراد متخصص و توانمند بهره بگیرد. امروز متأسفانه اکثر اساتید، کارشناسان و متخصصان در قالب احزاب سیاسی نمی‌گنجند و یا هزینه انجام تبلیغات مستقل ندارند و معمولاً عطای مقام‌ها را به لقایش می‌بخشند! لذا نبود امکان برای حضور مجامع تخصصی و نمایندگان آنها در انتخابات شورای شهر سبب شده تاکنون با کمبود نمایندگان تشکلهای تخصصی و حرفه‌ای، هم در فرآیند تصمیم‌گیری و هم تصمیم‌سازی‌ها مواجه شویم.

اینکه عضو شورا، استاد لابی‌گری و سیاست‌بازی باشد به نظر نه تنها نقطه قوت نیست، بلکه پاشنه آشیل اعضای شورا در سطح جامعه خواهد شد. بنابراین باید با پدیده «دلالتی سیاسی» که از طریق سیاست‌بازی، جهت‌دستی‌یابی به قدرت، با هدف صرفاً کسب و حفظ آن و سپس استفاده باندی و شخصی از قدرت مقابله جدی کرد. شورای اسلامی شهر جای سیاسی‌کاری نیست. هر چند در ایران سیاست به اکثر مناصب تنه می‌زند، اما شهرداری که کارش ارائه خدمات اجتماعی است کاملاً غیرسیاسی است. چرا که طبق اصل یکصدم قانون اساسی، شورای شهر برای پیشبرد



متأسفانه اکثر اساتید، کارشناسان و متخصصان در قالب احزاب سیاسی نمی‌گنجند و یا هزینه انجام تبلیغات را مستقل ندارند و معمولاً عطای مقام‌ها را به لقایش می‌بخشند

انتخاب نخبگان

■ سوگیری سیاسی اعضای شورا آسیب زاست

پانوش

سیاست گذاری
صحیح


سعيدة عشاغي

دقت در استفاده از کلمه سیاست گذاری در سطح کلان و موضوع انجام کنترل های لازم جهت اطمینان از اجراء سیاست ها بسیار مهم است. به عبارتی شورای شهر نباید در مسائل جزئی وارد شود، بلکه وظیفه یک شورای نخبه، سیاست گذاری صحیح برای افزایش کیفیت زندگی شهروندان از نقطه نظر ابعاد مختلف زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی می باشد. اما در جوامعی که در یک سطح علم اجتماعی مناسب قرار نگرفته اند، طبیعتاً امکان انتخاب نخبگان جامعه که بتوانند بهترین تصمیم ها را برای افزایش کیفیت زندگی مردم بگیرند کم رنگ تر می شود

شوراهای اسلامی شهر با توجه به قانون، وظایفی را به عهده دارد که اعضای آن با توجه به اینکه منتخب مستقیم مردم هستند، با توجه به پشتوانه اعتماد مردم به آن ها و حق نمایندگی که از مردم به اعتبار قانون دریافت کرده اند بایستی به دنبال انجام این وظایف باشند. اما شاید مهم ترین اولویت شورای اسلامی شهر را باید در همین موضوع نمایندگی مردم شهر و روستا جستجو کرد.

در یک جامعه با سطح علم اجتماعی مناسب و روبه بالا، انتظار از مردم جامعه در فرایند انتخاب اعضای شورای شهر که نمایندگی مردم را به عهده می گیرند، این است که به نوعی نخبگان جامعه که می توانند بهترین تصمیم ها را برای بهبود هر چه بیشتر کیفیت زندگی اعضای آن جامعه بگیرند برای حضور در چنین شورائی انتخاب کنند، آن گاه این اعضای در شورای شهر با توجه به استانداردهای مطرح علمی برای افزایش کیفیت زندگی در شهر به سیاست گذاری در سطح کلان و انجام کنترل های لازم جهت اجراء این سیاست ها بپردازند.

دقت در استفاده از کلمه سیاست گذاری در سطح کلان و موضوع انجام کنترل های لازم جهت اطمینان از اجراء سیاست ها بسیار مهم است. به عبارتی شورای شهر نباید در مسائل جزئی وارد شود، بلکه وظیفه یک شورای نخبه، سیاست گذاری صحیح برای افزایش کیفیت زندگی شهروندان از نقطه نظر ابعاد مختلف زیست محیطی اقتصادی و اجتماعی می باشد.

اما در جوامعی که در یک سطح علم اجتماعی مناسب قرار نگرفته اند، طبیعتاً امکان انتخاب نخبگان جامعه که بتوانند بهترین تصمیم ها را برای افزایش کیفیت زندگی مردم بگیرند کم رنگ تر می شود.

در چنین جوامعی، یکی از اولویت های اصلی شورای شهر، باید تلاش در راستای استفاده از نخبگانی باشد که به هر دلیل، یا خود از حضور در صحنه انتخابات دور بوده اند و خود را در معرض انتخاب مردم قرار نداده اند و یا توسط مردم مورد اقبال قرار نگرفته اند تا فرایند استفاده از علم و نظرات کارشناسی برای سیاست گذاری در جامعه قوی تر و غنی تر گردد.

همچنین یکی دیگر از اولویت های مهم شورا باید تلاش برای ارتقای سطح علم اجتماعی جامعه در راستای مشارکت هدفمند مردم در فرایند افزایش کیفیت زندگی در آن جامعه باشد. در حال حاضر جامعه ما به یک دوگانگی در خصوص مشارکت در حل مسائل مبتلا به با خود روبرو است، از یک

طرف به دلایل مختلف تا حدودی میل آن چنانی به مشارکت در حل این مسائل نشان نمی دهد، و از طرف دیگر با انتقاد از وضع موجود جامعه به دنبال یافتن راهی برای برون رفت از این شرایط نامطلوب است. قطعاً جامعه ای که در شناسایی و رفع مشکلات خود به مشارکت اجتماعی رو بیاورد و معتقد به مشارکت جدی باشد، می تواند به رفع مشکلات خود امیدوار بوده و شرایط را در راستای بهبود مستمر وضعیت جامعه پیش ببرد. همین جاست که یکی دیگر از اولویت های شورا مشخص می گردد، اعضای شورای شهر بایستی در راستای افزایش دانش اجتماعی موکلین خود تلاش کرده و زمینه مشارکت آنان را در فعالیت های شهر فراهم آورند؛ به گونه ای که مردم برای ترسیم نقشه راه حرکت جامعه در ابعاد مختلف و به سمت اهداف مطلوب مشارکت داشته باشند.

اما نکته مهم این است که توانمندی های شورا و موضوع با برنامۀ بودن آن باید در این قالب ها مورد توجه قرار گیرد.

نکته کلیدی دیگر برای اعضای شورای شهر، این است که آنان نباید در هنگامی که مشغول به کار می شوند هیچ گونه سوگیری سیاسی و جنسیتی داشته باشند. به این دو مورد به صورت خاص اشاره کردم، چرا که سوگیری سیاسی اعضای شورا می تواند شورا را به یک حزب سیاسی تبدیل کند. اگر چه حزب سیاسی کارکردهای خود را برای جامعه و کشور دارد، اما شورای شهر نباید به یک حزب سیاسی و یا محفلی برای بروز و ظهور کارکردهای حزبی و سیاسی احزاب و گروه های مختلف تبدیل شود که این سم مهلک برای شورا می باشد و باعث از بین رفتن آن و سلب اعتماد جامعه از آن خواهد شد.

سوگیری جنسیتی نیز متأسفانه در جوامع مختلف می تواند باعث عدم استفاده از تمام ظرفیت های جامعه شود. مدنظر نگرفتن پتانسیل های زنان و یا مردان صرفاً به خاطر جنسیت آنان، ظلم آشکاری است به جامعه و به همین خاطر شورا بایستی زمینه استفاده از پتانسیل های مفید افراد جامعه، صرف نظر از جنسیت آن ها را برای بهبود کیفیت زندگی در شهر فراهم نماید. راهکار مناسب برای نقد و بررسی عملکرد شورای شهر توسط احزاب برای مردم، استفاده از اتاق های فکر تخصصی در موضوعات مختلف مرتبط با مسائل شهری است، احزاب بایستی با ایجاد دپارتمان مدیریت شهری در درون خود و با جذب نخبگان فنی در موضوعات مرتبط با مدیریت شهری بایستی به تحقیق و بررسی پرداخته و آخرین دستاوردهای علمی و عملی مربوط با این موضوعات را برای استفاده در داخل کشور بومی سازی کنند. سپس با صداقت مدیریت شهری و انجام عملیات سیاست گذاری و نظارت توسط شورای شهر در بازه های زمانی سه ماهه به مقایسه این عملکردها با استانداردهای یافت شده از تحقیقات اتاق های فکر تخصصی نتیجه ارزیابی های فنی خود را جدا از مسائل سیاسی برای بهره برداری مردم و دیگر نخبگان با برگزاری جلسات کارشناسی انتشار دهند.

ارزایی شرایط فعلی جامعه و افکار عمومی در حال حاضر نشان دهنده بیکی تفاوتی همراه با کنجکاوی در خصوص انتخاب پیش رو خصوصاً انتخابات شورای شهر است. و به نظر می رسد تمامی دلسوزان شهر بایستی تلاش کنند تا با تبیین اهمیت شورای اسلامی شهر و اینکه آینده شهر توسط مدیریت شهری و شورای شهر ساخته خواهد شد، به افزایش مشارکت آگاهانه در انتخابات کمک نمایند.



نکته کلیدی برای اعضای شورای شهر، این است که آنان نباید در هنگامی که مشغول به کار می شوند هیچ گونه سوگیری سیاسی و جنسیتی داشته باشند



نکته کلیدی برای تصمیم گیری در مورد بار گذاری جمعیت در یک منطقه آن است که ظرفیت اکولوژیک آن منطقه به درستی و با دقت محاسبه یا برآورد شود

در همایش تحول و توسعه در مدیریت شهری با رویکرد نقد و بررسی عملکرد شورای چهارم با حضور اعضای مجمع مشورتی توسعه اصفهان، مدیران شهری و فرهیختگان برگزار شد. در این نشست، دکتر عبدالحسین ساسان با اشاره به موقعیت جغرافیایی و سوابق تاریخی اصفهان، به تشریح ظرفیت اقلیمی این شهر و لزوم تغییر روند توسعه اصفهان از کمی به کیفی پرداخت.

اصفهان؛ شهر کیفیت ها

اصفهان قابلیت گسترش یا رشد پفکی را ندارد

بر اساس ضعیف ترین حلقه انجام شد، کل زنجیره گسیخته نمی شوند؛ اما وقتی بارگذاری بدون محاسبه گلوگاه های یک مجموعه انجام گردد، حلقه های ضعیف به سرعت گسیخته می شوند و ایجاد مصیبت می کنند. لذا در برنامه ریزی شهری، این خط مشی باید در نظر گرفته شود و در ارزیابی ظرفیت شهر، باید به ظرفیت ضعیف ترین حلقه توانایی های آن شهر توجه کرد. وی با تأکید بر اینکه ضعیف ترین حلقه توانایی های اصفهان، حلقه های اکولوژیکی و زیست محیطی هستند، ظرفیت زیست محیطی اصفهان را با توجه به شواهد تاریخی، فوق العاده شکننده اعلام کرد و افزود: باید این موضوع را به یک گفتمان همیشگی تبدیل کنیم.

دکتر ساسان، با اشاره تخصص خود در علوم اقتصاد، مرتبط شدن مفاهیم اقتصادی توسعه با سیاست را نه به دلیل تفکر سیاسی، بلکه ناشی از فرآیند تشریح علمی پدیده توسعه و مدیریت شهری عنوان نمود و در بیان مصائب شهر اصفهان با توجه به آمارها و مباحث تغییر اقلیم، مشکلات زیست محیطی و آب، آینده اقلیم اصفهان را به شدت نگران کننده توصیف کرد و افزود: اصفهان به وضعیت فشار بیش از ظرفیت خود رسیده است. وی ادامه داد: باید اذعان داشت که این شهر از مدت ها پیش ظرفیت رشد خود را پشت سر گذاشته است. ساسان، ادامه داد: نکته کلیدی برای تصمیم گیری در مورد بارگذاری جمعیت در یک منطقه آن است که ظرفیت اکولوژیک آن منطقه به درستی و با دقت محاسبه یا برآورد شود.

زمانی که برنامه ریزان شهری، بر روی پتانسیل ها حساب باز می کنند، نتایج این امر را دچار انحراف می کند و دستاورد آن، شهرهایی پر از مشکل و کلاف سردرگمی است که هیچ کس نمی تواند این کلاف را باز کند. لذا برنامه ریز شهری، دقیقاً باید مخالف آنچه تاکنون اجرا شده، بر روی نقاط ضعف متمرکز شود. وی با استناد به گفته های دکتر حسین عظیمی، اتکا به قدرت زنجیر را منوط به توجه به قدرت ضعیف ترین حلقه آن دانست و گفت: هنگامی که بارگذاری

پانوش

پارک قمیشلو

دکتر ساسان
همچنین به
پارک قمیشلو
در منطقه شمال
اصفهان، بعنوان
یکی از بزرگترین
بانک های
گیاهی و جانوری
جهان و بانک ژن
منطقه موزه که
از ذخایر عظیم
زیست محیطی
در جهان
هستند، اشاره
کرد و گفت: ما
اجازه نداشتیم
این زیستگاه
های طبیعی و
مهم را تبدیل به
گاراژ و کارخانه
کنیم. زیرا این
زمین ها متعلق
به ما نبودند.
متأسفانه، ما به
حرم گیاهان و
جانوران منطقه
و محیط زیست
تجاوز کرده ایم.
ما حق نداشتیم
در منطقه
جنوب اصفهان
که زمانی
محل زیست
آهوان بود،
تا این مرحله
حرکت کنیم.
خداوند سند
این زمین ها را
به نام گیاهان و
حیوانات نوشته
است ولی ما به
حرم آنها تجاوز
کرده ایم.

تصریح کرد: اصفهان، قابلیت گسترش یا رشد پفکی را ندارد. اصفهان شهر کوچک زیبایی مانند بسیاری از شهرهای کوچک جهان است که اگر خوب شناخته می شود، در حد ظرفیت اکولوژیکی خود حفظ می شود. وی اشتباهات صورت گرفته در توسعه این شهر را برشمرد و ادامه داد: اشتباه اول، احداث کارخانه ذوب آهن در پنجاه سال قبل در منطقه لنجان اصفهان بود که کشاورزی خوب این منطقه را متاثر ساخت. اشتباه دیگر، آوردن شرکت فولاد مبارکه از بندرعباس به اصفهان بود که باعث از بین رفتن دو نقطه از بهترین نقاط اکولوژیکی و کشاورزی اصفهان گردید. وی خاطرنشان کرد: هر چند فولاد، صنعت بسیار خوبی برای کشور است، ولی باید از خود پرسید آیا این صنعت بر جسته و پر خیر و برکت در جای مناسب مستقر شده است؟

استاد پیشین اقتصاد دانشگاه اصفهان در تبیین وضعیت این شهر، با اشاره به اینکه فرآیند دانش و علم، فرآیند آزمون و لغزش است، توصیه کرد: از این پس باید در راستای توقف رشد کمی و ارتقای رشد کیفی اصفهان گام برداشت. زیرا اصفهان، شهر کیفیت هاست. سرشت این شهر را خداوند این گونه خلق کرده است. وی در تشریح منظور خود از کیفیت، گفت: به جای آنکه دائماً در محدوده خدماتی و حوزه استحفاظی شهر، به احداث جاده، اتوبان و بلوار بپردازیم و همچنان، شهرها و روستاهای اطراف اصفهان را تخلیه کنیم و جمعیت این مناطق را به شهر بکشانیم که همان رشد پفکی کاذب است، درآمد شهر اصفهان را باید در دل محلات خرج کنیم و نگذاریم شهرهای توخالی که مشخصه کشورهای عقب افتاده و جهان سومی است، گسترش یابند.

دکتر ساسان از منطقه بهارستان نام برد که روزی محل حیات وحش اصفهان بوده است. وی همچنین به پارک قمیشلو در منطقه شمال اصفهان، به عنوان یکی از بزرگترین بانک های گیاهی و جانوری جهان و بانک ژن منطقه موزه که از ذخایر عظیم زیست محیطی در جهان هستند، اشاره کرد و گفت: ما اجازه نداشتیم این زیستگاه های طبیعی و مهم را تبدیل به گاراژ و کارخانه کنیم. زیرا این زمین ها متعلق به ما نبودند.

متأسفانه، ما به حریم گیاهان و جانوران منطقه و محیط زیست تجاوز کرده ایم. ما حق نداشتیم در منطقه جنوب اصفهان که زمانی محل زیست آهوان بود، تا این مرحله حرکت کنیم. خداوند سند این زمین ها را به نام گیاهان و حیوانات نوشته است ولی ما به حریم آن ها تجاوز کرده ایم.

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان، با تأکید بر استفاده از فضای موجود شهری برای رشد کیفی شهر، بیان داشت: در حالی که در برخی از محله های قدیمی شهر، خانه های اعتیاد و متروکه شکل گرفته اند و زمین های بسیاری رها شده اند، ما از توسعه کیفی شهر غافل مانده ایم و به توسعه ناآگاهانه کمیتهی شهر پرداخته ایم. وی داروی اصفهان را، اعلام آتش بس برای رشد جمعیت و رشد کمی شهر عنوان نمود و اظهار کرد: حال که می دانیم حداکثر ظرفیت اکولوژیکی اصفهان، ۵۰۰ هزار نفر است، جمعیتی بیش از ۴ برابر حد مجاز در آن مستقر کرده ایم؛ بیش از ۴ برابر ظرفیت، صنعت احداث نموده ایم و در نتیجه، بیش از ۴ برابر ظرفیت، آلودگی ایجاد کرده ایم. لذا باید به هشدار بی آبی که اصفهان را تهدید می کند، دقت کنیم. وی با اشاره به مشکلات عدیده شهرهای خوزستان و به ویژه اهواز و تحمل مردم این شهر پرداخت و افزود: طوفان گرد و خاک شرایط را برای آن ها غیرقابل تحمل کرده است.

ساسان، با ابراز نگرانی از اینکه اگر آب زاینده رود را برای شرب، صنعت و کشاورزی برداریم و سهم گاوخونی را نپردازیم، به زودی با طوفان گرد و خاکی مواجه می شویم که تمام مناطق مرکزی را غیر قابل سکونت می سازد، خاطرنشان کرد: باید این بحث را به عنوان گفتمانی رایج در همه جوامع و نهادها، از جمله دانشگاه ها و مدارس مطرح کنیم.

وی با توجه به نزدیک شدن به زمان انتخابات شورا، تصریح کرد: اگر افراد انتخابی، راهکارهای توقف رشد جمعیت اصفهان را نمی دانند، دوباره در خانه اول هستیم. اگر با احداث چند تونل، آب به اصفهان منتقل شود ولی کنترل رشد جمعیت و گسترش کمی شهر عملی نشود، مشکلات ما حل نخواهد شد. لذا، باید کاندیداهای شورای شهر را با این سؤال که ظرفیت اصفهان چقدر است، مواجه سازیم. شورای شهر باید برای حل مسئله آب و حقایق اصفهان تلاش کند و توقف رشد کمیت ها را در اولویت قرار دهد.

دکتر ساسان تأکید کرد: تنها راه نجات کشور را اصلاحات می دانم و همواره در شوراهای برنامه ریزی، سعی در مطرح نمودن این ایده کرده ام و زمانی که مخالفت خود را با احداث نیروگاه و پتروشیمی در اصفهان اعلام کرده ام، من را ضد توسعه اصفهان خواندند. وی اظهار کرد: من مخالف توسعه کمیت اصفهان هستم و اعتقاد دارم، اصفهان باید به شهر کیفیت ها تبدیل شود. همچنین، طرح مسئله، یافتن راهکار و تنوری، خان اول و گرفتن رأی مردم، خان دوم است. وی با تأکید بر ضرورت رأی آگاهانه دانشگاهیان و فرهیختگان، عقب نشینی آن ها از صندوق های رأی را، عقب گرد چند صدساله توصیف کرد و افزود: باید در خان سوم، کثرت را به وحدت تبدیل کنیم تا به نتایج مطلوب برسیم و به توسعه کیفیت ها بیندیشیم.

دکتر ساسان در بررسی مطالعات تاریخی و ژئوپلیتیک اصفهان، به انتخاب اصفهان بعنوان پایتخت ساسانیان اشاره کرد و افزود: طبق مستندات تاریخی، از همان زمان، مشکلات ظرفیت محدود محیط زیست اصفهان به زودی آشکار گشت. اما چون پادشاهان آن زمان بسیار هوشمند بودند، بلافاصله متوجه این نقیصه شدند و علیرغم موقعیت استراتژیک اصفهان به عنوان یک نقطه قوت، با مشکل بزرگتری که محیط زیست حساس این شهر بود، مواجه شدند و پایتخت خود را از اصفهان منتقل کردند.

زیرا پایتخت شدن، موجب بارگذاری جمعیتی می شود که اصفهان فاقد این ظرفیت بود. در تکرار این تجربه تاریخی، شاه عباس به عنوان یک نظامی، موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک اصفهان را برای پایتخت، مطلوب دانست و از قزوین، پایتخت خود را به اصفهان منتقل کرد که سپاه و قشون همراه او برای استقرار، نیازمند مسکن، بازار، مغازه و پادگان بودند و به زودی با کمبود آب مواجه شدند و اصفهان به شهر وارد کننده مواد غذایی تبدیل شد. زیرا ظرفیت اکولوژیکی این شهر توانایی تحمل توسعه بیش از حد آن زمان را نداشت. از طرفی، چون اروپائیان قصد تضعیف دولت عثمانی را داشتند، پادشاهان ایران را علیه عثمانی ها با استقرار صنایع نظامی تقویت می کردند که در این رفت و آمدها با مشکلات اصفهان آشنا شدند.

بعدها یکی از اروپائیان که فردی متخصص نیز بود، مسئول چاره اندیشی برای آب اصفهان شد. این مهندس اروپایی متوجه کوهی شد که اگر منفجر شود، آب کوهرنگ به اصفهان می رسد. شاه عباس دوم تصمیم گرفت که این اقدام را عملی سازد. اما شیخ علی خان، وزیر شاه که از فوئدال های بزرگ منطقه کرمانشاهان و همدان بود و از زمان پایتختی اصفهان، تمام ارزاق اصفهان از ولایات کرمانشاه و همدان توسط وی تأمین می شد، تجارت خود و عده ای دیگر از درباریان پرنفوذ را در خطر دید و لذا به شاه عباس این گونه وانمود کردند که کفار قصد دارند تا آب زاینده رود را نجس کنند. آن ها شایع کردند که آب کوهرنگ آلوده است و اگر وارد زاینده رود شود، این آب را رسمی می کند.

شاه عباس دوم نیز ساده لوحانه پذیرفت و وزرای دیگر هم که در تجارت مواد غذایی به اصفهان به منافع خود می اندیشیدند، همگی، مضر بودن آب کوهرنگ را تأیید کردند و اصفهان همچنان وارد کننده مواد غذایی باقی ماند.

دکتر ساسان در ادامه سخنان خود، به توسعه پفکی اصفهان در زمان شاه سلطان حسین پرداخت و افزود: این پادشاه خرافاتی و ترسو به دلیل ترس از حمله افغان ها به اصفهان، تلاش کرد تا جمعیت بیشتری که حدود ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بودند را به اصفهان آورد ولی ۹۰ درصد جمعیت، از فقدان بهداشت، فقر و گرسنگی تلف شدند.

دکتر ساسان با تکیه بر این شواهد تاریخی

نقد منصفانه

■ زنان می توانند در عرصه های گوناگون نقش مؤثری داشته باشند

حسین آقا محمدی، معتقد است که احزاب در تشکیل شوراهای نقش بسیار کلیدی و مهمی دارند و باید با استفاده ویژه از نسل جوان رسالت و مسئولیت خود را به خوبی انجام دهند. نماینده برخی از مراجع در امور شرعی و امام جماعت مسجد جامع کلبشاد، با اشاره به نقش زنان در توسعه کشور تأکید دارد که گویی خود زنان نیز تا حدودی این باور را پذیرفته اند که کمتر در عرصه های اجتماعی مانند انتخابات آنها حضور داشته باشند. گفت و گوی ما را با او می خوانید:

◀ به نظر شما اولویتهای مهم شورای شهر کدام است. آیا این اولویتهای به درستی شناخته شده است؟

با توجه به اهمیت و جایگاه شورا در قرآن کریم مانند آیه "و امرهم شورا بینهم" و آیه "و شاورهم فی الامر" و سخنان پیامبر اکرم (ص) و ائمه طاهریین (ع) و عالمان بزرگ و فرهیخته مانند آیت الهی طالقانی، آیت الهی منتظری و دیگر بزرگان؛ اولویتهای مهم شورای شهر را می توان به مواردی طبقه بندی کرد. اول آنکه اعضای شورا باید شناخت کافی و لازم و همه جانبه از وضعیت و موقعیت شهر داشته باشند. انتخاب و گزینش از بین بهترین افراد متعهد و متخصص و دلسوز و باتجربه و ایجاد شور و حرکت و امید در مردم به معنای واقعی کلمه و احیای مردم سالاری در جامعه و نیز پرهیز از برخورد های جناحی و استفاده از سلاقی مختلف از اولویت های دیگر شوراهای شهر می باشد.

علیرغم موفقیت هایی که شوراهای در ادوار مختلف گذشته داشته اند؛ برخی از اولویتهای به خوبی بهره برداری نشده است. امیدواریم در این دوره از انتخابات شوراهای نسبت به آن اهتمام بیشتری شود.

◀ با توجه به حضور پررنگ نسل دوم و سوم نسبت به نسل اول، دو قطبی سنی موجود در این دوره شوراهای تا چه حد عرصه بروز و ظهور قشر های متعدد و خواهان تغییر و تحول است؟

با توجه به ارزش و جایگاه دوران جوانی و نیز نقش جوانان در میدانها و عرصه های گوناگون مانند حضور در تظاهرات دوران انقلاب و مبارزه با حکومت پهلوی و نیز حضور در جبهه های جنگ خمینی و سایر عرصه ها و حضور چشمگیر نسل دوم و سوم و عشق و علاقه و توان آنان در جهت خدمت به مردم و جامعه می طلبد که از وجود آنها در زمینه های مختلف از جمله حضور در انتخابات شوراهای شهر استفاده گردد. البته بسیار شایسته و به جا و منطقی و اخلاقی است که از تجربه و آرای ارزشمند نسل اول استفاده و حرمت آنها همواره حفظ گردد.

◀ شوراهای نهاد توزیع قدرت و تحکیم جمهوری می باشند، اگر این تعریف را قبول داشته باشیم، نقش احزاب در تشکیل شورای کارآمد چیست؟ و با چه روشی می توانند این وظیفه را به سر انجام برسانند؟ در اینکه شوراهای نهاد توزیع قدرت و تحکیم جمهوری

پانویس

زن و جامعه

زنان نیمی از جامعه هستند می توانند در عرصه های گوناگون نقش مفید و مؤثری داشته باشند. شاید علت عدم حضور آنان در برخی مناصب به دلایل زیر بوده باشد: نخست آنکه جامعه ما به دلیل برخی از باورهای دینی هنوز پذیرش پاره ای از پست ها را ندارد و انشالله به مرور زمان این پذیرش پیدا خواهد شد. دوم اینکه خود زنان نیز تا حدودی این باور را پذیرفته اند که کمتر در عرصه های اجتماعی مانند انتخابات حضور داشته باشند

نظام می باشند، تردیدی نیست و این تعریف درست است. بنابراین احزاب در تشکیل شوراهای نقش بسیار کلیدی و مهمی دارند و آنها می توانند با استفاده از اتحاد اقشار جامعه به ویژه نسل جوان، رسالت و مسئولیت خود را به خوبی انجام دهند.

◀ با توجه به مشکلات دولت و ضرورت رونق و توسعه شهرها چقدر می توان این ادعا را درست دانست که شوراهای توانمند و با برنامه می توانند با اتکا به ظرفیت و پتانسیل شوراهای و شهرداری، جریان رونق و توسعه شهرها به ویژه کلان شهرها را رقم بزنند؟

در صورتیکه افراد منتخب از سوی مردم به عنوان اعضای شورا شرایط و شایستگی های لازم را داشته باشند، با توجه به جایگاهی که شوراهای دارند، می توانند نقش مؤثر و مهمی در رونق و توسعه شهر داشته باشند. ما در گذشته این تأثیر را در برخی از کلانشهرها شاهد بوده ایم. این انتظار است که انشالله در شورای آینده وضعیت و موقعیت بهتر و مطلوب تری داشته باشیم.

◀ به نظر شما چرا شاهد حضور زنان در اصفهان و سایر کلانشهرها در پست های معاون شهردار، شهردار یا شهردار منطقه نیستیم؟ این امر نشانه چیست؟

با عنایت به اینکه زنان نیمی از جامعه هستند می توانند در عرصه های گوناگون نقش مفید و مؤثری داشته باشند. شاید علت عدم حضور آنان در برخی مناصب به دلایل زیر بوده باشد: نخست آنکه جامعه ما به دلیل برخی از باورهای دینی هنوز پذیرش پاره ای از پست ها را ندارد و انشالله به مرور زمان این پذیرش پیدا خواهد شد. دوم اینکه خود زنان نیز تا حدودی این باور را پذیرفته اند که کمتر در عرصه های اجتماعی مانند انتخابات حضور داشته باشند. سوم آنکه ممکن است برخی مردان این باور را به زنان تحمیل کرده باشند که قبول مسئولیت از آن مردان است و زنان وظایف دیگری دارند؛ از جمله خانه داری و تربیت فرزند و مانند آن که البته آن نیز بسیار اهمیت دارد. لذا با توجه به حضور گسترده اخیر زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر و دیدگاه حضرت امام مبنی بر حضور آنان در عرصه های گوناگون؛ انشالله شاهد حضور آنها در پست ها و مسئولیتهای بیشتری خواهیم بود.

◀ راهکار مناسب برای نقد و بررسی همچنین تبیین عملکرد شورای شهر توسط احزاب برای مردم به نظر شما با چه روشی باید صورت پذیرد؟

نقد منصفانه و از روی دلسوزی و به دور از حب و بغض و انگیزه های سیاسی، بسیار شایسته و به جا خواهد بود. باید نقد و بررسی همراه با ارائه راهکار باشد تا به نتیجه مطلوب دست یابیم. معتقدم با تشکیل میز گرد ها و جلسات عمومی، مردم هم در جریان عملکرد شورا قرار خواهند گرفت و از آراء و نظرات مردم و نیز احزاب برای هر چه بهتر شدن عملکرد شورا استفاده شود. در پایان لازم است از بزرگان و کسانی که در استان اصفهان محور و پایگاه اصلاحات بودند یاد داشته باشیم. بزرگانی از جمله مرحوم آیت الله طاهری، که منشأ خیر و اقدامات ارزنده بودند و در مسیر تعالی و کمال این شهر خدمات شایسته ای انجام دادند.





در آستانه چهارمین سالگرد رحلت آیت الله طاهری



دکتر حسن روحانی (ریاست محترم جمهور):
مردم هرگز خدمات آیت الله طاهری را فراموش
نخواهند کرد و او را به عنوان یک عالم، دانشمند،
و مجتهد فرهیخته و فعال در صحنه می شناسند.



تحول خواهان